





# دعا و اسرار احیات

حبيب الله فرحدزاد

شناسنامه

## فهرست مطالب

۱۵	پیشگفتار
۱۷	گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا
۱۹	اهمیت دعا
۱۹	اوج کلام معصومین <small>علیهم السلام</small>
۲۰	دعا؛ کانون توجه خدا
۲۲	قرآن نازل و قرآن صاعد
۲۳	مفهوم دعا
۲۴	دعا برتر از قرائت قرآن
۲۶	محبوب‌ترین اعمال
۲۷	ذکر و دعا
۲۷	خواص ذکر یونسیه
۲۸	رهایی حضرت یونس از شکم ماهی
۲۹	چگونه با خدا سخن بگوییم؟
۳۱	توجه به مضامین دعاها

- ۳۱ نماز شب مختصر
- ۳۲ مناجات انسان با خدا
- ۳۲ محبت خداوند به بندۀ خویش

### گفتار دوم: دعا و اجابت

- ۳۷ شکستگی در دعا
- ۳۸ چهار چیز پنهان
- ۳۸ ۱) رضا، در طاعت
- ۴۰ شاد کردن دل دیگران
- ۴۲ اشک نیمه شب
- ۴۲ عجله در عمل خیر
- ۴۳ ۲) خشم، در معصیت
- ۴۴ پیشگیری از گناه
- ۴۵ گناهان کوچک را دست کم نگیریم!
- ۴۶ ۳) اجابت، در دعا
- ۴۷ اجابت دعای مورچه
- ۴۷ خوشبینی به خدا در دعا
- ۴۸ ۴) ولی خدا، در بندگان
- ۴۹ غلام زین العابدین علیہ السلام
- ۵۱ دعا و استجابت
- ۵۲ دعا بدون پاسخ نمی‌ماند

فهرست مطالع

۵۵

گفتار سوم: دعا و روح تسلیم



۵۷

چرا برخی از خواسته‌ها برآورده نمی‌شود؟

۵۷

اصرار بر دعا

۵۸

پاسخ خداوند

۵۹

ریزش رحمت

۶۰

دعا و جریان فیض الهی

۶۰

خلقلت شیطان

۶۱

مناجات فرعون

۶۳

گرفتهٔ یار

۶۴

همنشین خدا

۶۴

هزار نام خدا

۶۵

آنچه خدا می‌خواهد

۶۶

توفیق و توافق با خدا

۶۶

سپاس بر خواست خدا

۶۷

رنج خواسته‌ها

۶۸

تسلیم و اجابت

۷۰

تسلیم خواست خداوند

۷۲

روح استکبار

۷۳

گفتار چهارم: اصرار بر دعا



۷۵

محبوب‌ترین عمل در روی زمین

- ۷۵ گدایی در خانهٔ خدا
- ۷۷ سماجت در خواستن
- ۷۸ اجابت بی قید و شرط
- ۷۸ تسلیم و امید
- ۷۹ فرزند زُبیر
- ۸۰ فلجمی که به اصرار شفا یافت
- ۸۱ بلای دوست
- ۸۲ کیفیت اجابت
- ۸۴ تأخیر عاشقانه

**۸۷ گفتار پنجم: ظرفیت اجابت دعا**



- ۸۹ دعا از روی محبت
- ۹۰ روح تسلیم در دعا
- ۹۱ دعای آمرانه
- ۹۱ ظرفیت اجابت
- ۹۲ اصرار در حوائج معنوی
- ۹۳ اجابتی که ظرفیت نداشت
- ۹۴ انکار ضروریات
- ۹۵ وای بر ثعلبه!
- ۹۶ برای برآمدن حاجات
- ۹۶ جایگاه حدیث کسae



۹۷ معجزه حديث کسae

۹۹ ختم صلوات

۹۹ ذبح بلا گردان

۱۰۱ گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

۱۰۳ شگردهای امام سجاد علیهم السلام در دعا

۱۰۴ عدم معرفت خدا مانع استجابت دعا

۱۰۵ اصلاح اعتقادات نسبت به خدا

۱۰۶ شهادت به پاکی یوسف

۱۰۸ منقلب شدن جبرئیل

۱۰۸ غلام و وزیر

۱۱۰ خدا چه می خورد؟!

۱۱۱ خدا چه می پوشد؟

۱۱۲ تمثال انسان در آسمان چهارم

۱۱۳ ستاریت مؤمن

۱۱۴ خدا چه کار می کند؟

۱۱۵ حق انتخاب را برای خدا بگذاریم!

۱۱۶ تأخیر اجابت مؤمن

۱۱۷ عذرخواهی خداوند!

۱۱۸ طرفیت اجابت در دنیا

۱۱۹ فساد در عبادت

۱۲۰ توجه به مقامات اخروی

۱۲۱ انصراف از شفای چشم

**گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)**

۱۲۵ رتبه دعا

۱۲۶ حسن ظن به خدا

۱۲۷ بزرگ‌ترین گناهان کبیره

۱۲۸ با سه کس مشورت نکن

۱۲۹ سوء ظن به خدا؛ منشأ خصلت‌های ناپسند

۱۳۱ خدای حنان

۱۳۱ اشتیاق خداوند

۱۳۳ شناخت صاحب‌خانه

۱۳۳ بهترین حسابرس

۱۳۴ حسابرس خود باش!

۱۳۵ بهترین طیب

۱۳۵ بهترین مراقب

۱۳۶ تیر و تور و تار خداوند

۱۳۷ نجوای خداوند با بندگانش

۱۳۷ بهترین نزدیک

۱۳۸ حدود الهی

۱۳۹ بی‌حدی خداوند

فهرست مطالع

- ۱۴۰ بهترین پاسخ دهنده
- ۱۴۱ بهترین دوست
- ۱۴۲ بهترین وکیل
- ۱۴۳ بهترین مولا و بهترین یاور

۱۴۵ گفتار هشتم: دعا و خوشبینی به خدا (۲)

- ۱۴۷ بهای بهشت
- ۱۴۸ وعده خداوند
- ۱۴۹ اجابت دعوت گسترده الهی
- ۱۴۹ اقیانوس بی کران «نهج البلاغه»
- ۱۵۰ درهای گشوده خداوند
- ۱۵۱ باب دعا
- ۱۵۱ باب توبه
- ۱۵۲ راه نجات
- ۱۵۳ بندهای که از آتش نجات یافت
- ۱۵۴ دروغی که راست از آب در آمد!
- ۱۵۵ تأثیر خوشبینی در سرنوشت

۱۵۷ گفتار نهم: دعا و خوشبینی به خدا (۳)

- ۱۵۹ دعای کمیل
- ۱۵۹ چکیده دعاها

- ۱۶۰ استوار ساختن پایه‌های خوش‌بینی
- ۱۶۱ جذبۀ معرفت و محبت
- ۱۶۲ نزد گمان بندۀ مؤمن
- ۱۶۳ با کریمان کارها دشوار نیست!
- ۱۶۴ با خوش‌بینی همه را می‌پذیرد
- ۱۶۵ معنای خوش‌بینی به خدا
- ۱۶۶ کمی هم نگرانی!

### گفتار دهم: خوش‌بینی و فال خوب

- ۱۶۷  بدگمانان به خدا
- ۱۶۹ ذکر یونسیه
- ۱۷۰ بدی‌ها را به خود نسبت دهیم
- ۱۷۱ ما نداریم از رضای حق گله
- ۱۷۲ نور خوش‌بینی به خدا
- ۱۷۳ فال خوب
- ۱۷۵ تقديرات حتمی و غير حتمی
- ۱۷۷ فال خوب حضرت آسمیه
- ۱۷۸ درخواست عافیت بهتر بود
- ۱۷۹ حکم فرعون علیه خویش
- ۱۸۰ خیال‌های خوب



### گفتار یازدهم: نیکخواهی و سرنوشت

۱۸۳

تقدیرات حتمی

۱۸۶ خداوند بهترین را می‌نویسد

۱۸۷ تقدیرات غیر حتمی

۱۸۸ هول جهنم

۱۹۰ بد حرفی زدی!

۱۹۲ بلا در گرو گفتار

۱۹۳ تعبیر خواب و تقدیر

۱۹۴ خبرهای خوب و بد

۱۹۵ تأثیر تلقین



### گفتاردوازدهم: خوشبینی و تقدیرات الهی

۱۹۷ ۱۹۹ خیر دنیا و آخرت در خوشبینی

۲۰۰ تصدیق خوش گمان

۲۰۱ عذاب بدگمانی

۲۰۱ مطابق امید بندۀ مؤمن

۲۰۳ جبران فال بد

۲۰۳ آثار تلقین در روحیه

۲۰۴ تلقین میت

۲۰۴ خوش گمانی حتی به یک سنگ!

۲۰۵ سنگی که موجب پیروزی شد!

۲۰۶ سنگی و سیله هدایت

۲۰۷ فال خوب پیامبر ﷺ

۲۰۹ گفتار سیزدهم: گنجینه صحیفه



۲۱۱ شفای همه بیماری‌ها

۲۱۲ برای برون رفتن محبت دنیا از دل

۲۱۳ دعای معجزه‌آسا

۲۱۴ همه کاره همه چیز

۲۱۵ آبی بر آتش

۲۱۶ هدیه حضرت رضا علیه السلام

۲۱۹ فهرست‌ها



۲۲۱ فهرست آیات

۲۲۵ فهرست روایات و دعاها

۲۲۶ فهرست منابع

## پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

دعا، یکی از مهمترین پل‌های ارتباطی بین انسان و خالق هستی است  
و می‌توان آن را بزرگراهی به سوی خداوند دانست.

دعا فقط حاجت خواستن نیست، دعا یعنی گفتوگو و انس  
و ارتباط با خدا.

اوچ کلمات حضرات معصومین علیهم السلام به هنگام انس با خدا بوده  
است. دعاها بیکاری که از پیشوایان ما به ما رسیده است، دریابی از معارف  
بلندی است که شاید دسترسی به آن در جاهای دیگر میسر نباشد.

این است که انس با دعا، هم معرفت آموز است و هم روح انسان را  
با خدای خویش پیوند می‌دهد و آن را به اوچ می‌رساند.

بحمد الله ملتی توفیق داشتم مباحثی پیرامون دعا و شرایط اجابت آن،  
در برنامه «سمت خدا» در شبکه سه سیما مطرح نمایم. آنچه پیش روی  
شماس است حاصل آن مباحث است که پس از تدوین و ویرایش به شما  
خوانندگان عزیز و گرامی تقدیم می‌گردد.

بر خود لازم می‌دانم از تهیه کننده برنامه سمت خدا، برادر فاضل

و دلسوز و بسیار عزیزم جناب آقای سید عبدالمجید رکنی که زحمات  
شبانه‌روزی ایشان این برنامه را بارور کرد، و از مجری دوست‌داشتنی  
و ارزشمند آن جناب آقای نجم الدین شریعتی، نهایت تقدیر و تشکر را  
داشته باشم.

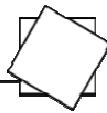
همچنین از برادر بسیار عزیزم، فاضل ارجمند جناب آقای اسدی که  
زحمت تدوین و ویرایش این مباحث را کشیده و نیز از ناشر محترم این  
کتاب صمیمانه قدردانی نمایم.

و السلام عليکم و رحمة الله

قم مقدس، شوال ۱۴۳۵

حبيب الله فرحرزاد

## گفتار اول



---

کوهرهای تابناک دعا



## اهمیت دعا

یکی از موضوعات مهم و ارزشمند، مناجات‌ها و نیایش‌ها و دعاهای ائمه معصومین ﷺ است. مناجات‌ها و دعاهای اهل بیت ﷺ از گنجینه‌های بزرگی است که گوهرهای تابناکی می‌توان از آن استخراج نمود. گاهی یک جمله از دعا افراد را ساخته و منقلب کرده است. گاهی چکیده بسیاری از معارف در یک جمله دعا آمده است. در دعای عرفه امام حسین علیه السلام عرضه می‌داریم:

مَا ذَا وَجَدَ مِنْ فَقَدَكَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مِنْ وَجَدَكَ؛<sup>۱</sup> خدای، آن کس که تو را نیافت، چه یافت؟! و آن کس که تو را یافت، چه نیافت؟!

دعاهای ذخایر عظیمی است که ما از آن غافل هستیم. دعا ابعاد مهمی دارد، اما آنچه بیناست به آن بپردازیم، بعد رحمت و مغفرت و نویدها و مژده‌هایی است که در دعاهای آمده است.

## اوج کلام معصومین علیهم السلام

یکی از بزرگان می‌فرمودند: امامان ما علیهم السلام با همه گفت و گو داشتند: از

---

۱- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۹؛ بحار الأنوار، ج ۹۵، ص ۲۲۶؛ مفاتیح الجنان، ص ۴۸۱، دعای امام حسین علیه السلام در روز عرفه.

پست ترین افراد گرفته، تا افراد متوسط جامعه و اصحاب خاص خود. با هر کدام به فراغور حالشان صحبت می‌کردند. اما اوج کلمات و سخنان آن بزرگواران در مناجات‌ها در وقتی است که با خدای متعال گفت‌وگو می‌کردند.

### دعا؛ کانون توجه خدا

در هر صورت لازم است ابتدا مقداری درباره اهمیت دعا، ارزش آن و شیرینی گفت‌وگوی با خدا سخن گفته شود.  
آیات فراوانی درباره دعا داریم. یکی از آن آیات، در آخر سوره مبارکه فرقان است که خدای متعال می‌فرماید:

قُلْ مَا يَعْبُرُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاوْكُمْ<sup>۱</sup> بِگو: اگر دعاهای شما نباشد، پروردگارم به شما اعتنا نخواهد کرد.

«قل»‌های قرآن بسیار لطیف و زیباست. من خودم بسیار لذت می‌برم. مرحوم حاج آقای دولابی هم به این قل‌ها که می‌رسیدند، بسیار اظهار شعف و شادمانی می‌کردند.

خدای متعال در قرآن به طور مستقیم با ما صحبت می‌کند. و این پیامبر خداست که کلام خدا را به ما القا کرده است. این القای پیامبر به قدری لطیف است که انسان احساس می‌کند خداوند بدون واسطه با ما سخن می‌گوید.

پیامبر عظیم الشأن دلال محبت بین خالق و مخلوق است. بنده‌ها را با خدا آشتبی می‌دهد. خدا که آشتبی محض است. پیامبر ﷺ طوری دلآلی



## گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

کرده است که وقتی ما قرآن می خوانیم، به طور مستقیم متوجه خدا می شویم. یعنی وقتی می گوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، «مَا لِكِ يَوْمِ الدِّينِ»، یاد پیغمبر نمی کنیم. بلکه، با خدا مواجه می شویم. یعنی پیغمبر با لطافت، کلام خدا را به ما القا کرده است و با کلام خدا با ما صحبت می کند. یعنی پیغمبر بسیار لطیف و زیبا خود را کنار کشیده است.

اینجا لطافتهای این «قل»ها پیدا می شود که گاهی خدای متعال نمی خواهد به طور مستقیم با بندوهای خود صحبت کند. همانند یک پدر مهریان یا مادر مهریان؛ در عین این‌که فرزند او پاره جگر اوست و بسیار او را دوست دارد، ولی به یک شخصیتی می گوید: شما این را از طرف من به او بگو؛ در این خیلی لطافت و ظرافت نهفته است!

پیغمبر ما هم این قل‌ها را جا نینداخته است. «قل»؛ به آن‌ها بگو. «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ بَغْوٰ: خداوند یکتا و یگانه است.» با یک لطافت خاصی خدای متعال به حبیب خود و عزیز خود می گوید: به بندوهای من این طور بگو. در اینجا هم می گوید:

قُلْ مَا يَعْبُدُوا إِلَّا كُمْ رَبِّيْ لَوْ لَا دُعَاوُكُمْ؛ ای پیغمبر به این  
بندگان من بگو: اگر دعاها و نیایش‌های شما نباشد، پروردگار  
شما به شما اعتنا نخواهد کرد.

این خیلی مهم است. یعنی رمز لطف خدا و ریزش رحمت خدا و عنایات خدا، این گدایی‌ها و درخواست‌ها و دعاها و نیایش‌های ماست. این صریح قرآن است. «مَا يَعْبُدُوا إِلَّا كُمْ رَبِّيْ لَوْ لَا دُعَاوُكُمْ». در کلمه «ربی» خیلی لطافت وجود دارد. خداوند مربی ماست؛ آن

کسی که می‌خواهد ما را پرورش دهد و به کمال برساند. اگر این خواسته‌ها و دعاها و نیایش‌های ما نباشد، به ما توجه و عنایت نمی‌کند.

لذا در روایات از قول نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله و سلم آمده است:

**الدُّعَاءُ مُحْكَمُ الْعِيَادَةٍ<sup>۱</sup>**:<sup>۱</sup> جان و مغز و روح عبادت، دعا و نیایش است.

## قرآن نازل و قرآن صاعد

برخی از بزرگان ما از جمله امام راحل رحمه الله تعییر زیبایی درباره دعا دارند. می‌فرمایند: ما یک قرآن نازل و یک قرآن صاعد داریم. قرآن نازل همین قرآن معروف است.

**تَنْزِيلٌ مِّنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>۲</sup>**:<sup>۲</sup> آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده است.

این قرآن پیام‌هایی است که خدای مهربان برای انسان‌ها فرستاده است. قرآن تنها کتابی است که تحریف و کم و زیاد نشده است. تنها کتاب آسمانی که الان در دست بشریت وجود دارد، بدون تردید قرآن است. خود مسیحی‌ها هم همه معتقد هستند که انجیل تحریف شده است و نوشتار شاگردان حضرت عیسی و حواریین است.

این قرآنی که از سوی خدای متعال در دست ماست، قرآن نازل است. اما قرآن صاعد، پیام‌هایی است که بندگان خدا برای خدای متعال می‌فرستند. تعییر قرآن صاعد برای دعا، تعییر زیبا و ارزندهای است.



۱- علة الداعي، ص ۲۹؛ وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۲۷.

۲- سورة واقعه، آية ۸۰

## گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

### مفهوم دعا

ذخائر و گنجینه‌های ارزشمندی در این دعاها وجود دارد. اصلاً خود دعا موضوعیت دارد. کلمه دعا به معنای خواستن، صدا زدن و خواندن است، نه به معنای چیز خواستن است. چیز خواستن را سؤال می‌گویند.

و سَئُلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ؛<sup>۱</sup> از فضل و رحمت و برکت خدا، برای رفع تنگناها درخواست کنید!

خود کلمه دعا یعنی صدا زدن.

وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَحْبُ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛<sup>۲</sup> مرا بخوانید تا دعای شما را اجابت کنم؛ کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند، به زودی با ذلت وارد دوزخ می‌شوند.

«ادعونی» یعنی من را بخوانید، من را صدا بزنید. گفتن «یا رب» گفتن «یا الله» خواندن خدادست. خود این موضوعیت دارد و بسیار با اهمیت و کارساز است. نه این‌که چیزی بخواهیم.

شما با هر کس که صحبت و گفت و گو می‌کنید، رنگ و بو و آثار او در شما متجلی می‌شود. و خدا دوست دارد که با او صحبت کنیم. خداوند ما را دعوت کرده که بباید با هم گفت و گو کنیم. اگر شما دعا نکنید و در خانه خدا را نزنید، «یا رب» و «یا الله» نگویید، این استکبار و تکبر ورزیدن است.

۱- سوره نساء، آیه ۳۲

۲- سوره غافر، آیه ۶۰

## دعا برتر از قرائت قرآن

روایت بسیار زیبایی دیدم که شاید این نوع روایات برای بعضی شکفت‌آور باشد. از امام صادق علیه السلام سؤال کردند: دعا بالاتر است، یا قرائت قرآن؟

قرائت قرآن واقعاً موضوع مهمی است. ثواب‌های فوق العاده‌ای برای تلاوت قرآن برشمرده‌اند.

سؤال کردند: گاهی امر دایر می‌شود که دعا بخوانیم، یا قرآن تلاوت کنیم. کدام افضل است؟ ما نوعاً تک بعدی هستیم. به محض این‌که به چیزی توجه کردیم، از چیزهای دیگر غافل می‌شویم. یا از این طرف می‌افتیم، یا از آن طرف.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

وَاللهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَبِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرْكُتُمْ  
الْحَجَّ رَأْسًاً وَمَا حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ؛<sup>۱</sup> به خدا سوگند، اگر من در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام و در فضیلت قبر آن حضرت سخن بگویم، حج را به طور کلی ترک می‌کنید و کسی از شما دیگر حج بهجا نمی‌آورد.

۲۴

يعنى من همه فضایل زیارت امام حسین علیه السلام را نمی‌توانم بیان کنم که زائر امام حسین علیه السلام چه عظمتی دارد. می‌ترسم فضایل زیارت امام حسین علیه السلام را بگویم و دیگر اشخاص به زیارت خانه خدا نرووند. چون زیارت خانه خدا هم نباید ترک شود، واجب است در طول سال دور

### گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

خانه خدا طوفان کننده باشد، در همه زمان‌ها، غیر از موقع نماز که تعطیل است.

مثلاً از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ وَهُوَ يُرِيدُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ شَيْعَةَ  
جَبَرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ حَتَّى يُرَدَّ إِلَى مَنْزِلِهِ؛<sup>۱</sup> اگر  
کسی برای خدا به زیارت امام حسین علیه السلام برود، جبرئیل و  
میکائیل و اسرافیل او را همراهی می‌کنند تا زمانی که برگردد.  
این سه فرشته مقرب خدا، زائر مخلص امام حسین را همراهی  
می‌کنند تا برگردد.

اینجا راوی انسان مصر و با پشتکاری بوده است. به امام صادق علیه السلام می‌گوید: خلاصه کدام افضل است؟ دعا یا قرائت قرآن؟ من بین دو راهی هستم، بعضی افراد خیلی دقیق هستند. می‌خواهند بینند اگر عملی یک کمی هم ثواب بیشتری دارد، به همان طرف بروند. حضرت فرمودند:

كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ وَ كُلُّ حَسَنٌ؛ هر دو فضیلت دارد و هر دو خوب  
است.

به امام علیه السلام گفته شد: این را می‌دانیم. می‌خواهیم بینیم کدام یک افضل و برتر است. امام صادق علیه السلام فرمودند:  
الدُّعَاءُ أَفْضَلُ؛<sup>۲</sup> دعا از قرائت قرآن برتر است.

۱- کامل الزیارات، ص ۱۴۵؛ بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۲۰.

۲- دعائیم الاسلام، ج ۱، ص ۱۶۶؛ عدۃ الداعی، ص ۴۱؛ بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۳۲۶.

بعضی در نماز سوره‌های طولانی می‌خوانند. بعضی در قنوت نماز دعا زیاد می‌خوانند. بعضی از بزرگان در قنوت نمازهای نافله، دعای ابو حمزه ثمالی را می‌خوانند. اگر امر دایر باشد بین قرائت قرآن و دعا و نیایش با خدای متعال، دعا افضل است؛ چه در نماز، چه در غیر نماز.

شاید یک علت آن این است که دعا عمل کردن به قرآن است. چون فرمان خود خدادست:

اَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ؛<sup>۱</sup> مَرَا بَخَوَانِيدْ تَا اَجَابَتْ كَنِمْ شَمَا رَا.  
وقتی دعا می‌خوانیم، در واقع ما عمل به قرآن می‌کنیم. لذا عمل به قرآن بالاتر از تلاوت قرآن است. خدا دوست دارد همیشه با او صحبت کنیم. امام باقر علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسَأَّلٌ؛<sup>۲</sup> خداوند دوست دارد از او درخواست شود.

## محبوب‌ترین اعمال

مولانا امیر المؤمنین علیه السلام در روایت زیبایی فرمودند:

أَكَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ؛<sup>۳</sup> محبوب‌ترین اعمال در نزد پروردگار در روی زمین، دعا و نیایش است.

احب، بالاتر از افضل است. افضل برای کسانی است که به دنبال ثواب هستند. ولی احب از باب محبت است. برای کسانی است که با محبت خدا کار دارند، نه با ثواب او. دنبال جلب محبت خداوندند.



۱- سورة غافر، آیه ۱۰.

۲- عادة الداعي، ص ۱۵۶؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۰..

۳- عادة الداعي، ص ۳۹؛ هدایة الامة، ج ۳، ص ۹۹.

## گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

علاوه بر آن ما در گفت و گو با خدای متعال تخلیه می‌شویم. در گفت و گو با خدا، اوصاف الهی در ما تجلی پیدا می‌کند.

### ذکر و دعا

دعا، ذکر و یاد خدای متعال است. خداوند فرموده است:

**فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ<sup>۱</sup>**، مرا یاد کنید، تا شما را یاد کنم!  
بسیاری از ذکرهای ما دعاست. **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ**، هم ذکر است و هم دعا و هم توسل کوتاه به پیغمبر و اهل بیت علیهم السلام. در میان ذکرها و دعاها جامعیتی به جامعیت ذکر صلوات پیدا نمی‌کنیم. دعا که می‌گوییم فقط این نیست که ما «صحیفه سجادیه» یا دعای کمیل را بخوانیم. خود گفتن و تکرار صلوات بهترین دعاست. استغفار دعاست. با استغفار از خدای متعال طلب آمرزش می‌کنیم.

**لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ<sup>۲</sup>**، معبدی جز

تو نیست! منزهی تو، به راستی که من از ستمکارانم.

این هم ذکر است و هم دعاست. تنزیه و تسبیح خدای متعال می‌کنیم.

### خواص ذکر یونسیه

این ذکر به ذکر یونسیه معروف است. ذکر حضرت یونس علیه السلام است که در نماز غفیله بعد از حمد می‌خوانیم. امام صادق علیه السلام فرمودند:

**عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَ كَيْفَ لَا يَفْرَغُ إِلَى قَوْلِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ**

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۲- سوره انبیاء، آیه ۸۷

**سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْفَمِّ وَكَذِلِكَ تُنْهِي  
الْمُؤْمِنِينَ<sup>۱</sup> در شگفتمن کسی که غمگین است، چگونه به این  
قول خداوند: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»  
پناه نمی‌برد؛ که شنیدم خدای عزوجل به دنبال آن می‌فرماید:  
و ما او را از غم و اندوه نجاتش دادیم و این چنین اهل ایمان  
را نجات می‌دهیم.**

بزرگان ما گفتن این ذکر را بسیار سفارش کرده‌اند. تکرار آن خیلی  
خوب است. اگر در سجده باشد، بهتر است، ولی در غیر سجده هم  
می‌توان گفت.

خداآوند می‌فرماید: هم حضرت یونس را با این ذکر از شکم ماهی  
و قعر دریا بیرون آوردیم و هم مؤمنین را از ظلمت‌ها و فشارها  
و افسردگی‌ها و غصه‌ها و ناراحتی‌ها بیرون خواهیم آورد.

### رهایی حضرت یونس از شکم ماهی

مرحوم آیت الله بهجهت علیه السلام به این ذکر بسیار معتقد بودند. همه اهل سیر  
و سلوک و اهل عرفان به این ذکر اعتقاد داشتند.

آیت الله بهجهت جمله لطیف و زیبایی درباره این جمله و این ذکر  
می‌فرمودند. می‌فرمودند: بینید ذکر یونسیه چقدر قوی و قدرتمند است  
که حضرت یونس را که خدا او را در شکم ماهی و قعر دریاها زندانی  
کرده بود، بیرون آورد. چنان‌که قرآن می‌فرماید:

۱- الامالی للصدوق، ص ۶؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۹۳؛ تفسیر الصافی، ج ۳، ص ۳۵۳.

### گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

فَلَوْ لَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسْبِحِينَ لَلَّذِي فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُعْشَونَ؛  
وَإِنْ كَانَ مِنْ أَنْوَاعِ الظَّالِمِينَ<sup>۱</sup>  
وَإِنْ كَانَ مِنْ أَنْوَاعِ الظَّالِمِينَ<sup>۲</sup>

و اگر او از زمرة تسبیح کنندگان نبود، قطعاً تا روزی که  
برانگیخته می‌شوند، در شکم آن ماهی می‌ماند.

خدای مهریان می‌فرماید: اگر حضرت یونس ﷺ تسبیح ما نمی‌گفت،  
یعنی ذکر «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» را نمی‌گفت، تا  
روز قیامت او را در شکم ماهی نگه می‌داشتم. به خاطر این که تسبیح ما  
را گفت، او را از شکم ماهی بیرون آوردیم.

آیت الله بهجت فرمودند: ذکر یونسیه این قدر قدرتمند و قوی  
است! کسی که باید تا قیامت در شکم ماهی حبس باشد، او را سه  
روزه بیرون آورد.

### چگونه با خدا سخن بگوییم؟

دعاهایی که از معصومین علیهم السلام به ما رسیده است، به نوعی می‌خواهد  
به ما یاد بدهد که چگونه با خداوند صحبت کنیم، از کجا شروع کنیم  
و به کجا برسیم.

البته بهترین دعاها، دعاهاي قرآنی است.

رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ  
النَّارِ؛ پروردگار!! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی  
عطای کن، و ما را از عذاب آتش دور نگه دار!

بعد از دعاهاي قرآنی دعاهاي پیغمبر عظیم الشأن و امامان معصوم علیهم السلام

۱- سوره صافات، آیه ۱۴۳ و ۱۴۴.

۲- سوره بقره، آیه ۲۰۱.

است. دعا را به هر زبانی می‌توانیم باید بخوانیم.

در اوایل «مفاتیح الجنان» دعایی وجود دارد که در تعقیبات همه نمازها خواندن آن مستحب است. بسیار بامحتوا و عالی است. اگر کسی این دعا را بخواند، سختی‌های قیامت بر او آسان می‌شود و پرونده او بسته می‌شود. یعنی به پرونده او نگاه نمی‌کنند. مضامین آن عالی است.

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجِي مِنْ عَمَلِي وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنَبِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفْوُكَ أَعْظَمُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أَبْلُغَ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتُكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَسَعْنِي لِأَمْبَاهَا وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ؛<sup>۱</sup> خدایا، البته به آمرزش تو بیشتر امیدوارم تا به عمل خود، و البته رحمت تو گسترده‌تر از گناه من است. خدایا، هرچند گناه من نزد تو بزرگ است، اما عفو و بخشش تو بزرگ‌تر از گناه من است. خدایا، اگر من لا یق آن نیستم که رحمت به من برسد، رحمت و لطف تو لا یق است که به من رسا باشد و مرا فرا گیرد؛ زیرا همه چیز عالم را رحمت فرا گرفته است! به رحمت تو، ای خدای ارحم الراحمین!

می‌گوییم: خدایا، امید من به آمرزش تو بیشتر از عمل من است. عمل داریم. نماز می‌خوانیم. روزه می‌گیریم. ولی من به عمل خود تکیه نمی‌کنم. به آمرزش تو تکیه می‌کنم. گناه من هر چقدر بزرگ است، کنار رحمت خدا کوچک است. خدایا، من اگر اهلیت ندارم رحمت شما را

## گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

بگیرم، رحمت شما اهلیت دارد شامل حال من شود؛ چون رحمت وسعت دارد و به همه موجودات می‌رسد.

### توجه به مضامین دعاها

باید به مضامین این دعاها با دقّت توجه داشته باشیم. ذکر خیلی از پیرمردها و پیروزنهای قدیم همیشه این بود: «یا رب نظر تو بر نگردد!» این مضمون همین دعایی است که پیغمبر ﷺ همواره می‌خوانند:

اللَّهُمَّ وَ لَا تَكْلِنْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْقَةً عَيْنٌ أَبْدًا<sup>۱</sup> خدایا، و مرا به یک چشم به همزدن به خود وا مگذار!

### نماز شب مختصر

مرحوم شیخ رجبعلی خیاط این سفارش را می‌فرمودند که نگویید ما حتماً باید برخیزیم و یا زده رکعت نماز شب بخوانیم و سیصد مرتبه العفو بگوییم و چنین و چنان کنیم. یک نماز شب مختصر داریم به نام «وُتیره». این نماز شب مختصر دو رکعت نشسته بعد از نماز عشاء است. نه سحرخیزی دارد، نه افت و خیز، و نه سختی و ناهمواری.

بعد از نماز عشاء دو رکعت نافله عشاء نشسته می‌خوانیم. این می‌شود نماز شب مختصر. از همین نماز شب مختصر شروع کنیم تا به نمازهای بزرگ‌تر برسیم.

### مناجات انسان با خدا

مرحوم شیخ رجبعلی خیاط می‌فرمودند: شما اگر توفیق نماز شب

۱- تفسیر القمی، ج ۲، ص ۷۵؛ بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۲۶..

و دعاهای طولانی ندارید، در رختخواب که دراز می‌کشید، موقع خوابیدن با خدا صحبت کنید. بگویید: خدایا، مرا بیامرز!

در روایت آمده است که اگر کسی روزی بیست و پنج مرتبه بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمَنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ»، خداوند به عدد هر مؤمنی که از دنیا رفته است و به عدد هر مؤمنی که تا قیامت خواهد آمد، به او حسنہ می‌دهد و گناه از او محظوظ می‌کند و درجه به او عطا می‌کند.<sup>۱</sup>

اگر انسان هنگام سحر حال دعا و قرآن و عبادت ندارد، در همان رختخواب با خدا صحبت کند. این ارتباط خیلی زیباست! یعنی همین که ما با زبان فارسی با خدا صحبت کنیم و بگوییم: ای خدای خوب من، ای خدای مهریان من، من را ببخش، بسیار ارزنده است. حتی انسان با خدای متعال شوخری کند.

استاد بزرگواری داشتیم می‌فرمودند: من سحرها گاهی می‌بینم نه می‌توانم بخوابم، نه حال عبادت دارم. با خدا شوخری می‌کنم. می‌گوییم: خدایا، این چه کاری است، من را سر کار گذاشته‌ای! نه حال عبادت دارم، نه می‌گذاری بخوابم! خدا دوست دارد.

۳۲

### محبت خداوند به بندۀ خویش

خدا بندۀ خود را دوست دارد و او را رهانمی‌کند. ما هر چه فکر کنیم خدا چقدر ما را دوست دارد، عقل و فکر و اندیشه ما به آنجا نمی‌رسد. در یک حدیث زیبای قدسی آمده است که خدای متعال می‌فرماید:

۱- الامالی للصدوق، ص ۳۷۹؛ ثواب الاعمال، ص ۱۶۱؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۸۴.

گفتار اول: گوهرهای تابناک دعا

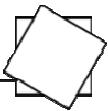
عَبْدِي آنَا وَ حَقِّي لَكَ مُحِبٌ فِي حَقِّي عَلَيْكَ كُنْ لِي مُحِبًاً! ای  
بنده من، به حقی که تو بر من داری، من دوستت دارم. پس  
به حقی که من به تو دارم، تو نیز مرا دوست بدار!  
خیلی زیباست که خدا بگوید: من تو را دوست دارم! چقدر زیبا  
و دلنشین و فرحبخش است، وقتی خدا به انسان بگوید: دوستت دارم!  
خدایی که غنی مطلق، بی نیاز مطلق، محبوب کل عالم، محبوب همه  
انیاست. اگر انسان برای این جمله جان بدهد جا دارد!



## گفتار دوم

---

دعا و اجابت





## شکستگی در دعا

دعاهای راه به سوی خداداشت. رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> در تعبیر مهم و زیبایی فرمودند:

**الدُّعَاءُ مُخْ لِعِبَادَةٍ**:<sup>۱</sup> دعا مغز عبادت است.

مجموعه عبادات بسیار گسترده است. ولی آن ذلت و شکستگی که در دعا وجود دارد، در هیچ یک از عبادات نیست. لذا از آن به مغز و جان عبادت تعبیر شده است. مثنوی شعر زیبایی دارد. می‌گوید:

زور را بگذار زاری را بگیر  
رحم آید سوی زاری فقیر  
هیچ وقت در مقابل خدای متعال زورآزمایی نکنیم. از در ذلت و شکستگی و کوتاهی و تواضع و ادب وارد شویم. در این حالت است که ما را زود قبول می‌کنند. در دعای شب جمعه آمده است:

**وَ لَا يُنْهِي مِنْ سَخْطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ**:<sup>۲</sup> چیزی جز تضرع به درگاهت ما را از غضب نجات نمی‌دهد.

يعنى دعا و نیایش و دریوزدگی در خانه خداوند متعال نجات‌بخش است.

۱- الدعوات، ص ۱۸؛ عدة الداعي، ص ۲۹؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۰۰.

۲- مصباح المتهجد، ج ۱، ص ۲۹۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۲۹۵؛ مفاتیح الجنان، ص ۸۳ اعمال شب جمعه.

هر چقدر دعا و نیایش و زاری و ذلت ما در خانه خدا بیشتر باشد، رحم و محبت و لطف خدا به سر ما بیشتر سرازیر می‌شود. او غنی مطلق است و ما فقر محض هستیم. این دو با هم خیلی تناسب دارد. یک کسی هیچی ندار است و یک کسی همه چیز دار. این دو خیلی به هم می‌خورند. راه ارتباط این دو، دعا و نیایش است. عرض حاجت و التماس به درگاه خداوند است. عرض حاجت بهانه‌ای است که ما با خدا صحبت کنیم.

خود دعا موضوعیت دارد. این‌که ما با خدا انس می‌گیریم، گفت و گو می‌کنیم، گپ می‌زنیم، به مراتب بالاتر از حاجت‌هایی است که می‌خواهیم.

### چهار چیز پنهان

مولانا امیرالمؤمنین علیہ السلام بیان زیبا و فraigیری دارند که هشدار دهنده است. می‌فرمایند:

إِنَّ اللَّهَ أَحْخَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ<sup>۱</sup>; خدای متعال چهار چیز را در چهار چیز پنهان کرده است.

۳۸

### (۱) رضا، در طاعت

نخست فرمودند:

أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ خشنودی خویش را در اطاعت‌ش

۱- الخصال، ج ۱، ص ۲۰۹؛ وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۷۶.

## گفتار دوم: دعا و اجابت

پنهان کرده است. پس چیزی از اطاعت او را کوچک مشمار؛  
چه بسا با رضایت او همراه شود و تو ندانی!  
کدام عمل است که خدا را راضی می‌کند؟ نمی‌دانیم. احتیاط این است که همیشه در اطاعت و فرمان خدا باشیم. چیزی بالاتر از رضای خدای متعال نیست. و چیزی هم بدتر از غصب خدا نیست.

انسان با شهادتین مسلمان می‌شود. اگر این اسلام و اقرار به قلب سوابیت کند، ایمان است. اگر به اعضاء و جوارح ما سوابیت کند، تقواست. و از تقوا بالاتر این است که انسان قلب و روح و جان خود را به خدای متعال بدهد و به مقام رضا برسد. رضا بالاترین مراحل است.

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً  
فَأَذْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّتِي؛<sup>۱</sup> ای نفس مطمئن،  
خشند و خدپسند به سوی پروردگارت بازگرد، و در میان  
بندگان من درآی، و در بهشت من داخل شو!

مقام رضا، مقام بس بلندی است! چه کنیم تا رضای خدا را به دست بیاوریم؟ امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید: خدای متعال رضایت خود را در اعمال خیر مخفی کرده است.

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

مَنْ هُمْ بِخَيْرٍ فَلِيَعْجَلُهُ وَ لَا يُؤَخِّرُهُ فَإِنَّ الْعَبْدَ رُبَّهَا عَمِيلٌ  
الْعَمَلَ فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ غَفَرْتُ لَكَ وَ لَا أَكُتبُ  
شَيْئًا أَبَدًا!<sup>۲</sup> کسی که تصمیم به عمل خیری گرفت، باید عجله

۱- سوره فجر، آیه ۲۷ تا ۳۰.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۴۲؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۳؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۲۳.

کند و به تأخیر نیندازد، که بنده چه بسا عملی را انجام می‌دهد  
و خداوند متعال به او می‌گوید: من تو را بخشیدم و دیگر در  
نامه عملت چیزی را که به ضرر تو باشد ثبت نخواهم کرد.  
گاهی یک کار خیر گل می‌کند. مشخص هم نیست. مشخص هم  
نباید بهتر است؟ چون این باعث می‌شود که ما احتیاطاً همه کارهای خیر  
را انجام دهیم.

### شاد کردن دل دیگران

امام هشتم علیه السلام فرمودند:

وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ  
بِاللَّهِ وَبَعْدَ الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أُولَئِكَ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ  
اللَّهِ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ مَعَاوَنَتِكُمْ لِأَخْوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى  
دُنْيَا هُمُ الَّتِي هِيَ مَعْبَرُهُمْ إِلَى جَنَانِ رَبِّهِمْ فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ  
كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ بدانید که شما سپاس و  
شکر چیزی را بعد از ایمان به خدا و اعتراف به حقوق اولیائی  
خدا، از آل محمد نخواهید داشت که محبوب‌تر نزد شما باشد  
از کمک به برادران دینی خود در امور دنیا که وسیله رسیدن  
به بهشت خدادست. کسی که چنین کند، از مقربین درگاه خدا  
خواهد بود.

۴۰

يعنى بعد از ایمان به خدا و توحید و ولایت که مرحله بسیار بالایی  
است، چیزی که خیلی محبوب است، این است که دلی را شاد کنید،  
گرهای را باز کنید، گرفتاری را از گرفتاری در بیاورید، زندانی را آزاد کنید.

## گفتار دوم: دعا و اجابت

بعد می فرماید: در زمان پیغمبر خدا یک نفر خیلی اهل معصیت بود. از گناه فروگذاری نمی کرد. عده‌ای محضر پیغمبر خدا آمدند و عرض کردند: فلانی خیلی اهل گناه و معصیت است! خیلی خراب کار است! حضرت فرمودند: این شخص توبه می کند و کارهای خوب او، او را نجات می دهد. خدا پایان کار او را ختم به خیر می کند و سینمات او را تبدیل به حسنات می کند.

بعد فرمودند: به خاطر این که روزی از محلی عبور می کرد. دید مؤمنی در محلی استراحت کرده است و باد آمده لباس او را کنار زده است و بدن او پیداست. او هم خواب است و خبر ندارد. ممکن بود افرادی بیایند ببینند و او را مسخره کنند.

این آدم فاسق گفت: من به خاطر خدا آبروی او را می پوشانم. بدون این که بیدار شود، آرام لباس خود را بر بدن او انداخت و او را پوشاند و به روی او هم نیاورد، مبادا خجالت بکشد. و رفت.

وقتی آن مؤمن بیدار شد، افرادی که این منظره را دیده بودند، به آن مؤمن گفتند: فلانی آمد و ستر عورت کرد و بدن تو را پوشاند. خیلی خوشحال شد و از صمیم دل به او دعا کرد که خدایا، او را عاقبت بخیر کن! خدای متعال دعای او را در حق این غرق گناه مستجاب کرد.

این فرمایش پیغمبر خدا، به گوش آن گناهکار رسید. گناهان خود را کنار گذاشت و توبه کرد و جزو اخیار و ابرار شد.

امام هشتم علیه السلام فرمودند: بعد از یک هفته جنگی پیش آمد و در آن

جنگ شرکت کرد و به مقام شهادت رسید.<sup>۱</sup> بیینید از یک عمل کوچک به کجا رسید! عمل‌های ریز را دست کم نگیریم.

### اشک نیمه شب

گاهی انسان نیمه شبی بلند می‌شود و با خدا گفت و گویی می‌کند. به یاد گناهان خود می‌افتد و اشکی می‌ریزد. اعضا و جوارح در روز قیامت شهادت می‌دهند. مژه‌های چشم عرض می‌کنند: بار پروردگار، این بندۀ تو نیمه شبی بلند شد و از خوف تو گریست. خدای مهریان می‌فرماید: به خاطر این‌که در دنیا از خوف من گریه کرده است، او را از جهنم برگردانید. یک قطره اشک گاهی دریاهای آتش جهنم را خاموش می‌کند. گاهی شما در مسیری عبور می‌کنید. یک سنگی جلوی راه مردم است، ممکن است پای کسی به آن گیر کند. این سنگ را از سر راه مردم بر می‌دارید. خدا می‌گوید: به خاطر این خیرخواهی تو، من تو را می‌بخشم و بهشت را بر تو واجب می‌کنم.

### عجله در عمل خیر

پس هیچ عمل کوچکی را دست کم نگیریم. عمل‌های ما مثل این است که هزار تیر رها می‌کنیم، ولی یک تیر به هدف می‌خورد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

منْ هَمَّ بِخَيْرٍ فَلَيُعَجَّلُهُ وَ لَا يُؤَخِّرُهُ فَإِنَّ الْعَبْدَ رُبَّا عَمِيلًا  
الْعَمَلَ فَقُولُ اللَّهُ تَبارَكَ وَ تَعَالَى قَدْ غَفَرْتُ ذَلِكَ وَ لَا أَكُتبُ

## گفتار دوم: دعا و اجابت

علیکَ شیئاً آبداء<sup>۱</sup>: کسی که تصمیم به عمل خیری گرفت، باید تعجیل نماید و آن را به تأخیر نیندازد، که بنده چه بسا عملی را انجام می‌دهد و خداوند متعال به او می‌گوید: من تو را بخشیدم و دیگر در نامه عملت چیزی را که بر ضرر تو باشد، ثبت نخواهم کرد.

بنابراین، هیچ فرصتی را نباید از دست دهیم، همه اعمال خیر را مغتنم بشماریم.

### (۲) خشم، در معصیت

در مورد دومین چیزی که خداوند پنهان داشته، فرمودند:

وَأَخْفَى سَخَطَهُ فِي مَعْصِيَّهِ فَلَا تَسْتَصْغِرْنَ شَيْئاً مِنْ مَعْصِيَّهِ فَرُؤْيَا وَاقَ سَخَطُهُ مَعْصِيَّهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ وَ خشم خود را در نافرمانی خود پنهان کرده است؛ پس چیزی از نافرمانی او را کوچک نشمار؛ چه بسا گناهی سبب خشم او شود و تو ندانی!

همان‌طور که طاعات را نباید دست کم بگیریم، نافرمانی او را هم نباید دست کم بگیریم. خدای متعال غضب خود را در معصیت و نافرمانی خود پنهان کرده است. ما نمی‌دانیم کدام گناه است که خشم الهی را به جوش می‌آورد و آتش جهنم را بر ما واجب می‌کند و ما را از نظر خدا می‌اندازد.

گاهی دلی شکسته می‌شود، آهی کشیده می‌شود که قابل جبران

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۳؛ بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۲۳.

نیست. اگر برای کسی گناهی پیش آید، همان موقع به عاقبت گناه بیندیشید و به خدا پناه ببرد. به هر راهی بزند که وارد گناه نشود.

### پیشگیری از گناه

یکی از راههای پیشگیری از گناه یاد خداست. فکر و نیت گناه را باید در نطفه خفه کرد. اگر برای کسی گناهی پیش آمد و یا فکر گناه به سر او زد، سعی کند گناه به مرحله عمل نرسد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

مَنْ هُمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَا يَعْمَلُهَا فَإِنَّهُ رُبِّمَا عَمِلَ الْعَبْدُ السَّيِّئَةَ فِي رَأْهُ  
اللَّهُ سُبْحَانَهُ فَيَقُولُ وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَغْفِرُ لَكَ بَعْدَهَا  
أَبَدًا<sup>۱</sup> وَ كَسِيَّ كَهْ تَصْمِيمَ بِرَ گَناهِي گَرفَتْ، مَبَاذَا آنَ رَا انْجَامَ  
دَهَدَ كَهْ بَسَا بَنَدَهَايِي گَناهِي انْجَامَ دَهَدَ وَ خَداونَدَ مَتعَالَ او رَا  
بَيَّنَدَ وَ بَكَوِيدَ: بَهْ عَزَّتْ وَ جَلَالَمَ سَوْگَندَ، دِيَگَرَ تو رَا نَمِيَ اَمْرَزَمَ!  
همان طوری که ممکن است عمل خیر کوچکی رضای خدا را  
جلب کند و رحمت و محبت خدا را به جوش بیاورد، از این طرف هم  
باید مواظب بود. اگر در معرض گناه قرار می‌گیریل، سعی کنید که از  
خدا کمک بخواهید تا این گناه به مرحله عمل نرسد. چون گاهی  
بندهای گناهی انجام می‌دهد و از نظر خدای مهربان می‌افتد. چیزی در  
عالی از این بدتر نیست که کسی کاری انجام دهد که از نظر خدا بیفتد.  
و قطعاً توفیق توبه هم پیدا نمی‌کند. مگر این که باز خود خدا به او لطف  
و عنايتی کند.

این‌ها همه از شدت دلسوزی و لطف خدای متعال است. یعنی شدت

## گفتار دوم: دعا و اجابت

محبّت خدا این هشدارها را به ما می‌دهد که ما یک وقت خود را در معرض گناه هم قرار ندهیم.

### گناهان کوچک را دست کم نگیریم!

امام هشتم علیه السلام در بیان زیبایی فرمودند:

الصَّغَائِرُ مِنَ الدُّنْوِ طُرُقٌ إِلَى الْكَبَائِرِ وَمَنْ لَمْ يَحْفَظِ اللَّهَ فِي  
الْقَلِيلِ لَمْ يَحْفَظْ فِي الْكَثِيرِ؛<sup>۱</sup> گناهان کوچک راههایی به سوی  
گناهان بزرگ است؛ هر کس از گناهان کوچک تترسد، از  
گناهان بزرگ نخواهد ترسید!

نگوییم حالا این یک گناه چیزی نیست، یک متلک گفتن، یک دل شکستن، یک مال جزئی از مردم را خوردن، آبروی افراد را ریختن، نه، این‌ها خیلی زیاد است. یعنی از گناهان ریز هم باید پرهیز کرد.  
حضرت آدم، پدر بزرگ ما، یک مقدار گندم خورده است. یک مقدار گندم چیزی نبود، ولی او را از بهشت بیرون کردند.

گناه مثل سم است. نمی‌توانیم بگوییم که یک ذره سم عیب ندارد. یا مثل آتش است، یک آتش کوچک یک وقت شعله‌ور می‌شود و همه جا را می‌سوزاند. لذا گناه را جدی بگیریم.

همان‌طور که حضرت امیر علیه السلام فرماید: خدای متعال غضب خود را در گناهان مخفی کرده است، هیچ گناهی را کوچک نشمارید. چه بسا آن گناه باعث می‌شود از نظر خدا بیتفید و غضب او شامل حال شما شود.

## (۳) اجابت، در دعا

سومین چیزی را که خدا پنهان کرده است، فرمودند:

وَأَخْفَى إِجَابَتِهِ فِي دَعْوَةِ فَلَمْ تُسْتَصْغَرْنَ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ  
قَرْبًا وَاقْرَبًا إِجَابَتِهِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ وَاجابت خویش را در میان  
دعاهایش پنهان نموده است، پس هیچ دعایی را کوچک  
نشمار، چه بسا همان، دعای مستجاب باشد و تو ندانی!  
هیچ دعایی را هم دست کم نگیرید. به هر زبانی و در هر حالتی با  
خدا صحبت کن! آخر شب می خوابی با خدا صحبت کن! بیدار می شوی  
با خدا صحبت کن! سر کار می روی با خدا صحبت کن! هر وقت  
خلوتی پیدا کردنی با خدا صحبت کن!

فرمود: چه بسا همان دعایی که شما اهمیت نمی دهید، به اجابت  
برسد و تو خبر نداری. همان طوری که ما نمی دانیم کدام عمل ما مورد  
رضای خدا قرار می گیرد، نمی دانیم کدام گناه است که ما را از نظر خدا  
نمی اندازد، نمی دانیم کدام دعا به اجابت می رسد. احتیاط در این است که  
هیچ دعایی را دست کم نگیریم.

در روایت آمده است:

٤٦

كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ رَجُلًا دَعَاءً<sup>١</sup>، أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَرْدِي

بود که بسیار دعا می کرد.

همیشه حالت دعا و نیایش داشتند.

١- الكافی، ج ٢، ص ٤٢٨؛ عدة الداعی، ص ٣٩؛ بحار الانوار، ج ٩٠، ص ٣٠٤

## گفتار دوم: دعا و اجابت

### اجابت دعای مورچه

در زمان حضرت سلیمان علیه السلام باران نیامد. جمع شدند بروند نماز باران بخوانند. دعا کنند تا باران بیاید. وقتی داشتند می‌رفتند، دیدند مورچه‌ای، سر بلند کرده است و دعا می‌کند و می‌گوید: پروردگار! ما را به گناه بنی آدم مؤاخذه نکن! بنی آدم گناه کردند، ما به قحطی و بحران بی‌آبی مبتلا شدیم.

خدادعای این مورچه را اجابت کرد. مورچه‌ای که در نظر ما خیلی ناچیز است، خدا دعای او را اجابت می‌کند. به حضرت سلیمان وحی شد: دیگر نمی‌خواهد نماز باران بخوانید، ما به خاطر دعای این مورچه، باران رحمت را نازل می‌کنیم.

خدای مهربانی که دعای یک حشره ریز را اجابت می‌کند، دعا یک بنده با اخلاص، یک مؤمن، یک مسلمان، یک دوست اهل بیت را قطعاً اجابت می‌کند. باید امید خود را در دعاها بالا بیریم.

### خوشبینی به خدا در دعا

یکی از شرایط اجابت دعا خوشبین بودن به خدادست. پیش خود بگوییم: خدای متعال دعای ما را اجابت می‌کند. دعاها امید و رجا و حسن ظن به خدا را در ما ایجاد می‌کند. امام سجاد علیه السلام چه زیبا در دعای ابو حمزه عرضه می‌دارد:

يَا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيهِ أَمْلَأَ طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيهِ رَجَاءً  
عَظِيمًا عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ تَرْجُوا أَنْ تَسْتَرَ عَلَيْنَا وَدَعْوَنَاكَ وَ

نَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقِّ رَجَاءِنَا مَوْلَانَا؛<sup>۱</sup>  
 پروردگار!! ما به حضرت آرزوهای بسیار و طولانی داریم! ما  
 رجا و امید بزرگ به تو بستیم! ما تو را معصیت کردیم، و از تو  
 امید پرده پوشی داریم. و تو را در دعا خواندیم و امید اجابت  
 داریم! پس ای مولای ما، ما را به امید و آرزویمان برسان!  
 فَادْرِكْنَا مَا أَمْلَنَا وَثَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا؛<sup>۲</sup> خدای، ما را  
 به آرزوها یمان برسان و امیدواری به کرم خود را برابر ما  
 محقق گردان!

یکی از موانع اجابت دعا بدین بودن به خداست. به خود بدین باشیم طوری نیست؛ چون مقصّر و گناهکار هستیم. ولی به خدا هر چه می‌توانیم باید امیدوار باشیم. و هر چه می‌توانیم حسن ظن به خدای متعال داشته باشیم.

#### (۴) ولی خدا، در بندگان

چهارم؛ حضرت فرمودند: خدای متعال ولی خود را در میان بندگان مخفی کرده است:

وَ أَخْفَى وَلِيْهِ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عَبِيدِ اللهِ  
 فَرِيمَا يَكُونُ وَلِيْهِ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ؛ وَ ولی خود را در میان  
 بندگان خویش پنهان ساخته است. پس هیچ یک از بندگان

۴۸

۱- اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۶۹؛ بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۸۵ مفاتیح الجنان، ص ۳۴۱، دعای ابو حمزه ثمالي.

۲- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۸۸ مفاتیح الجنان، ص ۳۴۶، دعای ابو حمزه ثمالي.

## گفتار دوم: دعا و احابت

خدا را کوچک و خوار مپنداز؛ شاید او ولی و دوست خالص خدا  
باشد و تو ندانی!

هیچ وقت کسی را کوچک نشماریم و تحریر نکنیم، چه بسا همین  
بندهای که به نظر انسان نمی‌آید، پیش خدا خیلی آبرو دارد. ولی  
خداست. احتیاط در این است که حرمت تمام بندگان خدا را داشته  
باشیم، به هیچ‌کس کوچک‌ترین بی‌ادبی نکنیم.

### غلام زین العابدین علیه السلام

مردم مدینه دچار قحطی شدند. باران نمی‌آمد. هر چه نماز و دعا  
خواندند، باران نیامد. شخصی می‌گوید: من بیرون مدینه بودم. دیدم یک  
غلامی که قیافهٔ ژولیدهای داشت و اصلاً کسی به او اهمیت نمی‌داد، آمد  
و دو رکعت نماز خواند و دست به دعا برداشت. دیدم یکدفعهٔ فضا  
عوض شد. حس کردم دعای او مستجاب شد. باد و طوفانی بلند شد  
و ابری آمد و شروع به باریدن کرد.

گفت: همراه این غلام رفتم. دیدم به منزل امام سجاد علیه السلام رفت. فهمیدم  
دعای این غلامی که کسی به او اهمیت نمی‌دهد مستجاب شده است.  
فردای آن روز به خانه امام سجاد علیه السلام رفتم. به حضرت عرض کردم:  
آقا، اگر من حاجتی داشته باشم ممکن است حاجت مرا برآورده نکنید؟  
فرمودند: نه، من خواسته شما را احابت می‌کنم.

عرض کردم: یکی از غلام‌های شما را می‌خواهم بخرم. حضرت  
غلام‌های متعددی داشتند. فرمودند: مانعی ندارد. غلام‌ها را آوردند. البته  
حضرت خبر داشتند. این‌ها از باب تجاهل عارف است.

می‌گوید: نگاه کردم دیدم آن غلامی که من می‌خواهم نیست. عرض کردم: آقا آن غلامی که مده نظر دارم، در میان این‌ها پیدا نکردم. حضرت فرمودند: مگر کسی دیگر مانده است؟ گفتند: یک غلامی است که تیمار می‌کند، به اصطلاح حیوانات را ترو خشک می‌کند. یعنی جایگاه خیلی پایینی دارد.

فرمودند: او را هم بیاورید. آوردند. دیدم همان غلام است. یعنی پست‌ترین غلامی که در خانه امام سجاد<sup>علیه السلام</sup> بود. گفتم: آقا من می‌خواهم این غلام را بخرم. فرمود: مانعی ندارد. غلام رو کرد به من و گفت: چرا می‌خواهی مرا از آقای خود جدا کنی؟

گفتم: فکر کرده من تو را نشناختم. من راز تو را پیدا کردم. دیروز بیرون مدینه آمدی زیر آسمان دعا کرده. گفت: عجب سرّ من کشف شد؟!

گفتم: بله. به او گفتم: البته من نمی‌خواهم تو را ببرم و به عنوان بردگی از تو کار بکشم، بلکه می‌خواهم خدمت‌گزار شما باشم. شما ولی و آقای من باشی! این هم برای او سنگین بود. این‌ها بندگانی هستند که نمی‌خواهند افشا شوند. نمی‌خواهند راز آن‌ها فاش شود.

فرمود: عجب پس شما سرّ من را فهمیدی؟! خیلی متأثر شد. دیدم ناراحت شده است، صرف نظر کردم و بیرون آمدم.

قبل از این‌که به منزل برسم، امام سجاد دنبال من فرستادند. برگشتم. دیدم حضرت فرمودند: بیا این رفیق خود را تشیع جنازه کن. وقتی راز او هویدا شد و پیش دیگران روشن شد که این ولی خدا و مستجاب

## گفتار دوم: دعا و اجابت

الدعاة است، از خدا خواست که خدایا، دیگر من را به ملاقات خود بیرون از دنیا رفت.<sup>۱</sup>

چه بسا بندهایی که پیش خدا خیلی آبرو دارند، ولی ممکن است در جامعه وجهه نداشته باشند. خیلی مواطن باشید. حضرت مسی فرماید: هیچ بندهای را تحقیر و اهانت نکنید. چه بسا او ولی خدا باشد و تو خبر نداری.

### دعا و استجابت

☒ شما شرایط مختلفی را برای استجابت دعا می‌گویید، اما با رعایت همه شرایط باز هم دعای ما اجابت نمی‌شود. من پیش خود فکر کردم که احتمالاً با همه پاکی‌ها و صدق نیت‌ها، حاجت‌ها و درخواست‌های زیادی هستند که خداوند آن‌ها را اجابت نمی‌کند.

مثالاً من مطمئن هستم که حضرت رسول ﷺ دعای ماه رمضان را با خلوص نیت و تمام عصمت و پاکی فراوانی که داشتند بارها خوانده‌اند.

**اللَّهُمَّ أَغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ؛** خدایا، تمام فقرا را غنی کن و تمام گرسنگان را سیر کن!

اما باز هم یقین دارم که خداوند حتی حاجت‌هایی را که پیامبر عزیز او در این دعاها از او طلب کرده را نداده است. یعنی همه مریض‌ها را شفا نداده است، همه فقرا را ثروتمند نکرده است و همه گرسنه‌ها را سیر نکرده است.

حال برای من سؤال پیش آمده است که این همه دعاها پیامبر چرا به هدف اجابت نرسیده است. این را که می‌بینم خیلی وقت‌ها از دعا کردن دلسرد می‌شوم. یعنی احساس می‌کنم حتی اگر به خلوص پیامبر هم

۱- اثبات الوصیة، ص ۱۷۵؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۷۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۴۷؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۲۰، اعمال مشترک شب و روز ماه رمضان.

برسم، باز هم ممکن است حاجت‌هایی از من وجود داشته باشد که خداوند آن‌ها را نداده است.

اولاً؛ یک بخش دعا حاجت خواستن است. بخش مهم دیگر آن انس و گفت‌وگو با خدای متعال است که این بالاتر از حاجت خواستن است. اجابت بعضی از دعاها در گنجایش دنیا نیست. مثلاً در ماه مبارک رمضان دعا می‌کنیم که همه ما به زیارت خانه خدا برویم.

**اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْنَكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَفِي كُلِّ  
عَامٍ؛**  
خداوند، حج خانه خودت را در این سال و همه سال‌ها  
نصبیم کن!

همه مسلمان‌ها این دعا را می‌خوانند، اصلاً گنجایش نیست که همه بتوانند مگه بروند. درخواست خیلی خوب است. این‌که ما آرزو می‌کنیم، خدا هر مریضی را شفا دهد، هر فقیری را بی‌نیاز کن، گره هر گرفتاری را باز کن، این خیرخواهی ما خیلی خوب است.

این‌که برای همه دعا می‌کنیم، برای همه دلسوزی می‌کنیم. صفات خدایی در ما تجلی پیدا می‌کند. مظهر رحمانیت خدا می‌شویم. مظهر لطف و احسان خدای متعال می‌شویم. به وسعت رحمت خدا، قلب و سینه ما باز می‌شود.

### دعا بدون پاسخ نمی‌ماند

قطعاً بدانید دعا‌هایی که می‌کنیم بی‌پاسخ نمی‌مانند. پیغمبر ما مظهر قاضی الحاجات است. قطعاً نفسی بالاتر و پاک‌تر از پیغمبر ما نیست.

## گفتار دوم: دعا و اجابت

پس خواسته‌هایی که ما در خانه خدا ارائه می‌دهیم، اگر مصلحت الهی بود و عین خواسته‌ما اجابت شد، هم ثواب دعا را برده‌ایم و هم به خواسته‌خود رسیده‌ایم و هم به قرب خدای متعال نائل شده‌ایم. اما اگر حاجت و خواسته ما روا نشد، فرمودند: نامید نشوید، خدای متعال معادل آن خواسته و درخواست شما بلا از شما دور می‌کند و یا در آخرت ثواب و درجه و مقام می‌دهد.

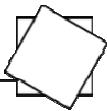
در روایت آمده است: وقتی خواسته‌ها و حاجت‌های مؤمن در دنیا اجابت نشد، خدا در آخرت به او درجه و مقام می‌دهد. وقتی آن همه درجه و مقام را می‌بیند، آرزو می‌کند که ای کاش هیچ یک از دعاهای من در دنیا نقد نمی‌شد و همه اجابت‌ها در آخرت اتفاق می‌افتد.

باید این نکته را هم توجه داشته باشیم که ممکن است موانعی برای اجابت دعا در وجود ما باشد که این موضع را باید برداریم؛ مثلاً حقّ النّاس و آه مظلوم جلوی دعای ما را می‌بنند.

یکی از موانع این است که ما گاهی صدقه نمی‌دهیم. خود این انفاق و صدقه دادن بسیار مؤثر است.



گفتار سوم



---

دعا و روح تسلیم



## چرا برخی از خواسته‌ها برآورده نمی‌شود؟

شاید سؤال بسیاری این باشد که چرا گاهی خواسته‌های ما، یا خواسته‌های اولیای خدا اجابت نمی‌شود؟

نکته اول این است که باید بدانیم که خود دعا موضوعیت دارد. یعنی خود دعا محبوب خداست. خدا «یا رب» گفتن و «یا الله» گفتن و نیایش در خانه خود را دوست دارد.

لنك و لوك و خفته شكل و بي ادب

سوی او می‌غیز و او را می‌طلب

دوست دارد يار اين آشتفتگي

کوشش بيهوده به از خفتگ

## اصرار بر دعا

هیچ وقت از دعا خسته نشوید. امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَرِهٌ لِ الْحَاجَةِ النَّاسِ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي  
الْمُسْأَلَةِ وَ أَحَبُّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ؛<sup>۱</sup> بِرَأْيِ خداوند عزوجل خوشایند

نیست که مردم در خواهش به یکدیگر اصرار ورزند، ولی همین اصرار و پافشاری را درباره خودش دوست دارد.

این که در خانه غیر خدا برویم و اصرار کنیم، خدا این را دوست ندارد. ولی در خانه او هر چه «یا رب» و «یا الله» بگوییم، دوست دارد. ممکن است اجابت به تأخیر بیفتد، ولی قطعاً بی اجابت نمی‌ماند. خدای مهریان این را دوست دارد.

همان‌طور که وظیفه داریم نماز بخوانیم، وظیفه داریم دعا کنیم، چون ترک دعا عقوبیت زیادی دارد و به عنوان استکبار معرفی شده است. تکبیر و غور است. این که آدم نمی‌آید در خانه خدا کشکول نیاز و گذایی خود را پنهن کند، خود این مذموم است. پس خود دعا موضوعیت دارد. خدای متعال خواندن، صدا زدن، «یا رب» گفتن و «یا الله» گفتن را دوست دارد.

### پاسخ خداوند

نکته دیگر این که خدای مهریان فرموده است:

**ادْعُونِي أَسْتَحِبْ لَكُمْ؛<sup>۱</sup> مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را برآورده می‌کنم. می‌فرمایید: اجابت می‌کنم. یعنی جواب می‌دهم. مثل یک بچه‌ای که به پدر می‌گوید: بابا جان! پدر هم می‌گوید: بله آقا جان! یعنی جواب او را می‌دهد، ولی این که هر خواسته‌ای که داشته باشد اجابت کند، این‌طور نیست. فضل خدا بر بندگان خود همیشگی است. دعا را بی‌پاسخ نمی‌گذارد. پاسخ می‌دهد، اما گونه‌های پاسخ متفاوت است.**

## ریزش رحمت

مرحوم آقا سید عباس، راننده مرحوم آیت الله علامه امینی و بسیاری از بزرگان بود. ایشان پیر شده بود. دوستان ما گاهی او را مشهد می‌بردند. ایشان فرموده بودند: من هر بار که زیارت امام هشتم علیهم السلام روم، از امام هشتم می‌خواهم بر علم و معرفت من بیفزاید.

یک بار دوستان ما ایشان را مشهد برده بودند. داخل حرم تشهنه می‌شود. می‌گویند: در رواق‌ها آب نیست، ولی در صحن‌ها هست. ایشان را در کنار سقاخانه داخل صحن می‌آورند. آنجا که شیرهای آب چشم الکترونیکی دارد. تا به حال ندیده بود.

می‌پرسد: این شیر را چطور باز می‌کنند؟ می‌گویند: شما اگر ظرف را زیر شیر آب بگیری، خودکار آب می‌آید. هر وقت هم بکشی آب قطع می‌شود. پیرمرد دو سه بار امتحان می‌کند. می‌بیند بله هر وقت که ظرف را زیر شیر آب می‌گیری آب می‌آید، وقتی از زیر شیر می‌کشد، خودکار قطع می‌شود. یکدفعه شروع می‌کند به گریه کردن. می‌گویند: این که گریه ندارد.

می‌گوید: من این سفر که آمدم از امام هشتم آنچه می‌خواستم به من مرحمت کرد. یک چیز جدیدی به من یاد داد. به من گفت: آقای سید عباس، ما از یک شیر آب کمتر نیستیم، دستگاه خدا از یک شیر آب کمتر نیست. تا وقتی که شما دست نیاز و دعا و درخواست و نیاش داری، ما از فضل و کرم خود بر تو فرو می‌ریزیم. «گر گدا کاہل بود تقصیر صاحب‌خانه چیست؟!»

## دعا و جریان فیض الهی

کسانی که واقعاً دعا نمی‌کنند، یا از دعا کردن خسته می‌شوند، یا می‌گویند خدا حاجت ما را نداده است و با خدا قهر می‌کنند، یا با اهل بیت قهر می‌کنند، کار بسیار اشتباہی می‌کنند. خود دعا کردن، باعث جریان فیض می‌شود. حالا گاهی خواسته‌های ما برآورده می‌شود، گاهی خیلی بالاتر از آن را به ما مرحمت می‌کنند.

ما گاهی چیزهای کوچک و جزئی می‌خواهیم. آن‌ها چیزهایی خیلی بزرگ‌تر به ما می‌دهند. چیزهای بالاتری برای ما در نظر می‌گیرند. حتی خدا گاهی دعای بدترین خلق را هم اجابت کرده است. در دور چهارم طوفان خانه خدا می‌خوانیم:

**يَا مَنْ أَبَجَ لِأَبْغَضِ خَلْقِ إِبْلِيسِ؛ اِي خَدَائِي كَه جَوابِ  
مِبغُوضِ ترِين خَلْقِ خُودِ إِبْلِيسِ رَا دَادِهِ!**

شیطان وقتی که سجده نکرد و رانده شد، به خدای متعال عرض کرد: «آنچه‌تر نیزیٰ<sup>۱</sup> یوْمِ یُعَثُّونَ؛ من را تا قیامت مهلت بده.» خدای متعال درخواست ابليس را بی‌پاسخ نگذاشت. فرمود: من به تو مهلت می‌دهم.

### خلقت شیطان

٦٠

البته مصلحت‌ها، حکمت‌ها، مشیّت‌ها تعلق گرفته است که این باشد. مایه امتحان خلق است. اصلاً وجود شیطان حکمت‌های عجیبی دارد. مرحوم فیض کاشانی بحثی دارد که چرا خداوند شیطان را خلق کرده

## گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

است؟ چرا دشمن‌ها را خلق کرده است؟

می‌فرمایید: در خلقت دشمن‌ها آنقدر آثار و برکات و امتحان‌ها و مصلحت‌هایست که ما درک نمی‌کنیم. این‌ها وسیله امتحان خلق هستند، ابتلائات را ایجاد می‌کنند، به انبیا و اولیای خدا رشد می‌دهند. لذا خدای متعال به شیطان مهلت داد و درخواست او را اجابت کرد. متنهای خدای متعال فرمود:

**إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمُعْلُومِ<sup>۱</sup>** تا روز وقت معلوم.

در روایات ما آمده است که وقت معلوم زمان ظهور امام زمان علیهم السلام است. یکی از کارهایی که امام زمان علیهم السلام انجام می‌دهند، این است که شیطان را از بین می‌برند و در زمان ظهور شیطان نخواهد بود، ولی نفس اماره هست. باز ممکن است دعوت به شر شود. در هر صورت حتی خدا شیطان را بی‌پاسخ نگذاشته است. این به انسان امید می‌دهد.

## مناجات فرعون

فرعون ادعای خدایی می‌کرد. می‌گفت:

**أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى؛<sup>۲</sup> مَنْ خَدَى بِرْتَرْ شَمَا هَسْتَمْ!**

مدتی باران کم آمده بود. آب رود نیل کم شد. کشاورزها، مردم مصر آمدند به فرعون گفتند: مگر شما خدا نیستید؟ گفت: چرا. گفتند: آب رود نیل کم است. آن را زیاد کن. گفت: باشد، آن را زیاد می‌کنم. شب شد.

۱- همان، آیه ۳۸

۲- سوره نازعات، آیه ۲۴

فکر کرد چه کار کند. آبروی او در خطر است. به قول ما خدایی او در خطر است.

لباس فرعونی خود را درآورد و شب تا صبح در خانه خدا مناجات کرد. ناله زد که خدایا، آبروی من در خطر است، به داد من برس! صبح آمدند دیدند چشمه‌ها جوشیده است و آب رود نیل زیاد شده است. نه این که فرعون خوب باشد، خدا خیلی مهربان است. این عظمت و کرامت و بزرگی خدا را می‌رساند. خدای متعال هم بهشت تقسیم می‌کند و هم جهنّم. بعضی‌ها ممکن است جهنّم هم بخواهد و به آن‌ها بدهد. قرآن می‌فرماید:

كُلَّاً نِمْدُ هُؤْلَاءِ وَ هُؤْلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ  
رَبِّكَ مَحْظُورًا<sup>۱</sup> اینان و آنان، هر دو دسته را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم، و عطای پروردگارت از کسی منع نشده است.

ممکن است کسی در خانه خدای متعال را بزند که جهنّم هم بخواهد و اجابت شود. یعنی خدا میدان را برای همه باز کرده است. فرعون در باطن به خدا اعتقاد داشت.

وَ جَحَدُوا إِلَيْهَا وَ اسْتَيْقَنُتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا<sup>۲</sup> وَ بَا آنَ کَه  
دل هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبّر آن را انکار کردند!

٦٢

۱- سوره اسراء، آیه ۲۰

۲- سوره نمل، آیه ۱۴

### گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

یعنی از روی استکبار انکار می‌کرد، ولی در درون خود یقین داشت که هیچ ندارد، دست او خالی و بیچاره و درمانده است.

حضرت موسی کلیم الله علیہ السلام به خدا گفت: خدایا، این چه کاری بود کردم؟ خطاب شد: فرعون شب تا صبح در خانه ما را زده است.<sup>۱</sup>

اگر پاسخ ابليس یا پاسخ فرعون را می‌دهد، این از عظمت و کرامت خداست. همان‌طور که گاهی دشمن‌ترین افراد می‌آمدند در خانه اهل‌بیت را می‌زدند و آن‌ها اجابت می‌کردند.

بنابراین، خدای متعال بی‌پاسخ نمی‌گذارد. بدترین خلق هم او را بخواند اجابت می‌کند. اجابت صرف دادن حاجت نیست.

### گرفته یار

همین‌که با خدا نشستم، با خدا صحبت کردم، بسیار ارزشمند است. اصل، دعا و ذکر و عبادت است. موقعی که دعا می‌کنی، زیان تو گناه نمی‌کند، وقتی با خدا می‌نشستی رنگ و بوی خدایی می‌گیری.

بزرگی می‌فرمود: الان با هر کسی صحبت می‌کنی، می‌گویید: من گرفتار هستم. ایشان می‌فرمودند: نگویید من گرفتار هستم. بگویید: گرفته یارم. یعنی این گرفتاری‌ها باعث شده است که من بیایم در خانه خدای بزرگ را بزنم. این گرفتاری‌ها باعث شده است با امام زمان و اهل‌بیت علیہما السلام رابطه پیدا کنم، با خدای متعال گفت و گو کنم.

بنابراین، این گرفتاری‌ها من را به اینجا رسانده است. گاهی هم که خدا این گره را باز کند، شما می‌روید و برنمی‌گردید. این است که خدا گاهی

گره را باز نمی‌کند. می‌گوید: همین باعث شده است که تو با من صحبت کنی. این گرفتاری‌ها باعث شده که ما بیاییم با خدا بنشینیم و گفت‌وگو کنیم و یک چشم و ابرویی به ما نشان دهن. یک جمالی به ما نشان دهن.

### همنشین خدا

کسانی که اهل معرفت هستند، می‌گویند: خدایا، اگر حاجت ما را هم ندهی، تو را رها نمی‌کنیم. یعنی خود تو را می‌خواهیم.

می‌فرمود: امیدوارم خدمت امام هشتم<sup>علیه السلام</sup> که شرفیاب می‌شوید، امام هشتم دست خالی خود را در دست شما بگذار! یعنی خودش را به شما بدهد. آدم اگر با صاحب‌خانه آشنا شود، این بالاترین اجابت‌هاست. بالاترین اجابت‌ها این است که من همنشین خدا شوم، با خدا انس بگیرم.

### هزار نام خدا

دعای جوشن کبیر یکی از مهم‌ترین دعاهاست. شاید چندین صفحه در فضیلت این دعا حدیث داریم. همه نام‌های خداوند است. هزار نام از نام‌های خداوند در این دعا آمده است. مدام خدا را صدا می‌زنیم و درخواست می‌کنیم که ما را از آتش جهنم نجات بدهد. قطعاً خدا پاسخ می‌دهد.

کسی که این همه خدا را صدا می‌زند، باید نامید باشد. خدا مالک ماست و ما مملوک او. خدا خالق ماست و ما مخلوق او. خدا رازق ماست و ما مرزوق او. خدا همه چیز می‌داند و ما هیچ چیز نمی‌دانیم. او خدایی است که اختیاردار و مالک ماست، از خود ما به ما مهریان تر

### گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

است. هر چقدر ما خود را دوست داریم، قطعاً خدا ما را بیشتر دوست دارد. اصلاً قدر مخلوق را خالق می‌داند. قدر مصنوع را صانع می‌داند.

### آنچه خدا می‌خواهد

آنکه ما می‌خواهیم بهتر است، یا آنکه او می‌خواهد؟ موقعی که ما روی حاجتی پاسخ‌داری داریم، آنکه او می‌خواهد خوب است، یا آنکه من می‌خواهم؟

امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاؤُدَ اللَّهِ يَا دَاؤُدُ تُرِيدُ وَ أُرِيدُ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ<sup>۱</sup> خدای متعال به حضرت داود وحی کرد: ای داود، تو چیزی را اراده می‌کنی، من هم چیزی را اراده می‌کنم. و چیزی نمی‌شود جز آنچه من اراده می‌کنم!

این حدیث شریف به قول امروزی‌ها کاربردی و کلیدی است و اگر به این حدیث درست دقّت کنیم، بسیاری از مشکلات و معضلات و مسائل ما حل می‌شود.

در مواجهه با خواسته‌های خود و خواست خدا چه کار کنیم؟ یک جاهایی است که خواست ما با خواست خدا موافقت پیدا می‌کند و اجابت می‌شود. یک جاهایی است که موافقت پیدا نمی‌کند و اجابت نمی‌شود. این حدیث پاسخ همه این‌ها را داده است.

خدای متعال به داود وحی فرمود: ای داود، یک جاهایی تو یک خواسته‌ای داری و من خواسته دیگری. یک جاهایی است که توافق است.

۱- التوحید للصدوق، ص ۳۳۷؛ غرر الحكم، ص ۱۰۱؛ بحار الانوار، ج ۵، ص ۱۰۴.

## توفيق و توافق با خدا

مرحوم حاج آقای دولابی می فرمودند: اصلاً توفيق یعنی توافق بنده با خدا. اين که مدام می گوییم خدا توفيق بدهد! یعنی من با او توافق کنم. اگر شما توافق کردي، همه مشکلات حل است.

یك عارف بزرگی فرموده بود: من مستجاب الدّعوه هستم. گفتند: چطور مستجاب الدّعوه هستی؟ گفت: برای اين که هر چه که خدا می خواهد، من همان را می خواهم. وقتی خدا باران می خواهد، من هم باران می خواهم. وقتی خدا آفتاب می خواهد، من هم آفتاب می خواهم. گرما می خواهد، گرما می خواهم. سرما می خواهد، سرما می خواهم. پس من هميشه مستجاب الدّعوه هستم. اين مستجاب الدّعوه بودن، به مراتب از تمام مستجاب الدّعوه های دیگر بالاتر است. اصلاً اسم اعظم همین است. توفيق یعنی توافق بنده با خدا. هر وقت میل خود را با خدا موافق دانستی، بدان که همه توفيقات روی سر شماست.

خداوند در اين حديث می فرماید: تو يك اراده و خواسته‌اي داري، من خدا هم يك اراده و خواسته‌اي دارم، ولی از اوّل به تو بگويم: «لا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ»؛ فقط آنچه را من بخواهم شدنی است.»

خدای متعال از اوّل آب صاف روی دست حضرت داود ریخت. فرمود: بدان آنچه که من می خواهم می شود، ولی آنچه که تو می خواهی نمی شود. مشیت و صلاح و حکمت و علم و معرفت هم همین را می گويد.

## سپاس بر خواست خدا

در دعاهای هر صبح و شام «مفاتیح الجنان» دعایی از امام صادق علیه السلام

## گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

روایت شده است که بخشی از آن این است:

الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ وَلَا يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ<sup>۱</sup>

حمد می‌کنم خدای را که هر چه که او می‌خواهد انجام

می‌دهد، و هر چه غیر او می‌خواهد انجام نمی‌دهد!

این، حمد هم دارد. اگر خدا بخواهد به حرف خلق برود، تمام نظام  
عالیم به هم می‌خورد. همه می‌خواهند رئیس جمهور و مدیر کل و دکتر  
و مهندس شوند، این امکان ندارد. همه می‌خواهند اویل ثروتمند باشند،  
اصلًاً نظام به هم می‌خورد. اگر کارگر نباشد، زندگی مختل می‌شود.

قرآن می‌فرماید: ما بعضی‌ها را در فکر و توانایی مسخر بعضی قرار  
دادیم. همه دوست دارند اویل ثروتمند عالم شوند، مشکلات ایجاد  
می‌شود، امکان ندارد. این است که این حمد دارد که خدا خواسته خود  
را انجام می‌دهد.

خواسته دیگران اگر با خواسته او یکی شود، انجام می‌دهد، و اگر  
نشود جبران می‌کند. و بالاتر از آن را می‌دهد.

## رنج خواسته‌ها

بعد فرمود:

فَإِنْ أَسْأَلْتَ لِمَا أُرِيدُ أَعْطَيْتُكَ مَا تُرِيدُ وَإِنْ لَمْ تُسْأَلْ مِمَّا أُرِيدُ  
أَتَعْبُكَ فِيمَا تُرِيدُ ثُمَّ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ، پس اگر تسلیم شوی  
برای آنچه من می‌خواهم، آنچه می‌خواهی به تو عطا می‌کنم، و  
اگر تسلیم خواسته من نشوی، تو را در آنچه می‌خواهی در رنج

۱- الکافی، ج ۲، ص ۵۴۵؛ مفاتیح الجنان، ص ۲۹، دعاهای هر صبح و شام.

می‌افکنم، بعد از آن جز آنچه من می‌خواهم تحقق نمی‌یابد.

می‌فرمایید: اگر تسليم خواسته من شدی، من خواسته تو را هم اجابت می‌کنم. یعنی بگویی: خدایا، من تسليم تو هستم. تو نمی‌خواهی من بچه‌دار شوم، باشد من همان را می‌خواهم. تو نمی‌خواهی من عزیز باشم، من همان را می‌خواهم. یعنی خود را زمین بزنی.

در حدیث قدسی آمده است که خدای تعالی می‌فرماید:

أَنَا جَلِيلٌ مَنْ جَالَسَنِي وَ أَنَا مُطِيعٌ مَنْ أَطَاعَنِي؛<sup>۱</sup> من همنشین کسی هستم که با من مصاحبت کند و مطیع کسی هستم که از من اطاعت کند!

اگر تسليم اراده من نشدی، در خواسته خود، تو را به تعب و زحمت می‌اندازم. خود دعا ما را به تسليم می‌رساند. اگر به تسليم رساند، خواسته ما هم ادا می‌شود.

وقتی اصرار می‌کنید و نمی‌شود، می‌گویید: چرا نمی‌شود؟ به اینجا می‌رسید که خواست خدا بهتر است. باید تسليم خداوند بود. و خود را در برابر او به زمین می‌زنیم.

## تسليم و اجابت

۶۸

فراوان داشتیم افرادی که خود را زمین زدند و تسليم شدند و خداوند گوهرهای ارزشمند به آنها مرحمت کرد.

مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری، مؤسس حوزه علمیه قم بودند. شخصیت‌هایی مثل امام ره، آیت الله بهاء الدینی، آیت

۱- اقبال الاعمال، ج ۲، ص ۶۲۸؛ بخار الانوار، ج ۹۵، ص ۳۷۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۲۸۶.

### گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

الله اراکی، آیت الله گلپایگانی، آیت الله خوانساری، آیت الله مرعشی نجفی، همه تربیت شده این حوزه بودند.

پدر ایشان ملا جعفر یک کشاورز بود. سالیان سال ازدواج کرده بود، ولی فرزنددار نمی‌شد. هر چه دعا، نیایش، نذر، نیاز، هر راهی را زده بود بچه‌دار نمی‌شد. بعد از مدت‌ها به ایشان می‌گویند: خانواده شما مشکل دارد، خود شما مشکل ندارید. یعنی اگر همسر دیگری بگیرید، خدا به شما فرزند می‌دهد.

یک خانمی شوهر او فوت کرده بود. دو بچه سید هم از شوهر قبلی داشت. پیشنهاد می‌دهند که بد نیست با این خانم، هر چند موقت، یک ازدواجی داشته باشید که خدا به شما یک فرزندی مرحمت کند. بعد هم می‌توانید جدا شویید.

ایشان به این قصد، این خانم را با خود محروم می‌کند، ولی وقتی می‌خواست پیش این خانم برود، باید دو بچه سید که در خانه بودند را بیرون کند.

ایشان خیلی ناراحت می‌شود. می‌گوید: من به خاطر میل نفسانی که می‌خواهم بچه‌دار شوم، دارم بچه سیدها را اذیت می‌کنم. می‌گوید: خدایا، من اصلاً بچه نمی‌خواهم، هر چه تو می‌گویی! من تسلیم تو می‌شوم. خدایا، آن که تو می‌خواهی، من می‌خواهم. می‌خواهی بچه‌دار نباشم، نمی‌شوم. هر چه تو می‌خواهی! من خود را زمین می‌زنم و تسلیم می‌شوم. به آن خانم هم محبت می‌کند و جدا می‌شود.

بعد از مدت کوتاهی خدا از خانم اویل به او فرزندی می‌دهد که بعدها

مؤسس حوزه علمیه قم می شود. این بچه شلوغ کار بوده است. در روایت آمده است: فرزندی که آینده خوبی دارد، شلوغ کار است. آنقدر این بچه شلوغ کار بود که مادر او گاهی عصبانی می شد و به ملا جعفر، پدر بچه می گفت: بچه‌ای که به زور از خدا بگیری، بهتر از این نمی شود. ملا جعفر هم فوت می کند و این بچه تحت تکلف عمومی خود با مادر به نجف و کربلا می رود و طلبه می شود و رشد پیدا می کند. حوزه علمیه قم به برکت این فرزند تأسیس می شود. فرزندی که در پرتو تسليم امر خدا به دنیا می آید. یکی از راههای اجابت این است که تسليم شویم. یعنی واقعاً از ته دل بگوییم: خدایا، من راضی به رضای تو هستم.

### تسليم خواست خداوند

جناب جابر خدمت امام باقر علیه السلام آمد. عرض کرد: من به درجه‌ای رسیده‌ام که پیری را بهتر از جوانی دوست دارم. من مرض را بیشتر از صحت دوست دارم. موت را از حیات بیشتر می خواهم. امام باقر علیه السلام فرمود: این اشتباه است. ما این طور نیستیم. ما آنچه را که خدا می خواهد، می خواهیم.<sup>۱</sup> باید روح تسليم بودن در همه دعاهای ما حاکم باشد. در حدیث زیای قدسی آمده است:

يَا أَبْنَى آدَمَ أَطِعْنِي فِيمَا أَمْرُتَكَ وَ لَا تُعَلِّمْنِي مَا يُصْلِحُكَ؛<sup>۲</sup> اى  
فرزند آدم، در آنچه به تو امر کردم فرمانبر من باش و مصالح  
خود را به من نیاموز!

۱- مسكن الفؤاد، ص ۸۷؛ عوالم العلوم، ج ۱۹، ص ۶۴

۲- الأُمَالِي للصادق، ص ۳۲۰؛ الجواهر السننية، ص ۷۷۶؛ وسائل الشيعة، ج ۱۵، ص ۲۳۵

## گفتار سوم: دعا و روح تسلیم

یعنی من به تو گفتم: من را بخوان، من را صدا بزن، با من نجوا کن، راز و نیاز کن. به من خدا یاد نده که من چه کار کنم. آنچه من می‌گوییم عمل کن. این طور نیست که خواسته‌های همه، حتی انسیا اجابت شده باشد.

پیغمبر خدا می‌فرمودند: خدایا، قوم من را هدایت کن! می‌خواستند ابولهب هدایت شود، ولی نشد. حضرت موسی علیه السلام نفرین کرد تا فرعون هلاک شود. خدا فرمود:

**قَدْ أَجَيَّثُ دَعْوَتُكُمْ!** ۱ من دعای شما را اجابت کردم.

چهل سال بعد فرعون غرق شد. یعنی شرایط، زمان، مکان و مصالح همه در اجابت دعا دخیل است. در دعاهای «صحیفه سجادیه» پر است از این که خدایا، بلاها را از ما دور کن، ولی پر ابتلاء‌ترین بندگان خدا پیغمبر و اهل بیت او بودند.

پیغمبر ما دعا کردند: خدایا، این ابتلاءات و مصائب را بعد از من از اهل بیت بردار، ولی خدای متعال فرمود: این‌ها بالای حتمی است. باید باشد. امتحانی برای امت و برای اهل بیت است.

پس این طور نیست که همه حاجت‌های ما برآورده شود. اهل بیت علیهم السلام همیشه از خدا عافیت می‌خواستند، ولی از همه بیشتر ابتلا دیدند.

خدابه ما امر کرده است که عافیت بخواه، غنا بخواه، خوشی بخواه، راحتی بخواه. ما هم می‌خواهیم، ولی باید بدانیم که همه این دعاها نزد خدا

ذخیره می‌شود. معنای «أَسْتَحِبْ لَكُمْ» این نیست که من حاجت تو را برآورده می‌کنم، بلکه یعنی من جواب تو را می‌دهم. این‌ها بی‌پاسخ نمی‌ماند.

## روح استکبار

کسانی که اصلاً دعا نمی‌کنند، پس اندازی نزد خدا ندارند و هم مورد غضب خدای متعال قرار می‌گیرند. چون خدای متعال بعد از این‌که امر به دعا می‌کند می‌فرماید:

*إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكِرُونَ عَنِ عِبَادَتِي سَيِّدُ الْخُلُونَ جَهَنَّمَ  
دَاخِرِينَ؛<sup>۱</sup> در حقیقت کسانی که از عبادت من تکبر می‌ورزند،  
به زودی خوار در دوزخ در می‌آینند.*

کسانی که نالمید می‌شوند، یا دعا نمی‌کنند، یا با خدا قهر می‌کنند، استکبار دارند و به جهنّم وارد می‌شوند؛ چون این برگشت از خدای متعال است. در آخرین آیه سوره مبارکه فرقان می‌خوانیم:

*مَا يَعْبُؤُ ابْكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دُعَاؤُكُمْ؛<sup>۲</sup> اگر دعای شما نباشد، خدا به شما اعتنا نمی‌کند.*

باید قبول کنیم و به خود بباورانیم که همه دعاها بی‌کنیم ذخیره می‌شود. بنابراین، باید دعا کنیم. اگر خداوند متعال حاجت ما را الآن یا در این دنیا ندهد، هم ثواب دعا کردن را بردہایم و هم پس انداز و ذخیره‌ای نزد خدای متعال داریم.

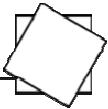
۱- سوره غافر، آیه ۶۰

۲- سوره فرقان، آیه ۷۷

# گفتار چهارم

---

اصرار بر دعا





## محبوب‌ترین عمل در روی زمین

دعا یعنی خواستن، صدا زدن، با خدا نجوا و راز و نیاز کردن. دعا به عنوان افضل عبادات مطرح شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

**أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ؛<sup>۱</sup>**

محبوب‌ترین اعمال در روی زمین برای خداوند عزوّجل دعا و نیایش است.

خدا دوست دارد بنده‌ها با او صحبت کنند. باید توجه داشته باشیم که هیچ وقت از دعا کردن نه خسته شویم نه نامید. ما در خانه دیگری را نداریم که اگر اینجا جواب ما را ندادند، مثلاً بگوییم برویم در خانه دیگری. ما فقط همین خدا را داریم و اولیای خدا هم که جدا از خدا نیستند. همین است. یک خانه است.

## گدایی در خانه خدا

این است که نه از دعا کردن خسته شوید و نه نامید شوید. حتی در روایات آمده است: اگر کسی از فضل خدا نخواهد گرفتار می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

---

۱- الكافی، ج ۲، ص ۴۶۸؛ عدة الداعی، ص ۳۹؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۲۹۵.

مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدِ افْتَرَ؛<sup>۱</sup> هر که از  
فضل خدا درخواست نکند فقیر می‌شود.

مرحوم آیت الله شیخ محمد بهاری از عرفای بزرگ اهل سیر  
و سلوک است. ایشان می‌فرماید: گدایی را از دست نده که محتاج  
می‌شوی! یعنی گدایی در خانه خدا را. بینید این کلام خیلی زیبایی  
است، کلام بزرگی است.

ایشان فرموده‌اند: من تجربه دارم؛ کار تمام انسان‌ها به گدایی می‌افتد.  
یعنی همه نیاز داریم، محتاج هستیم، از همه وجود ما نیاز می‌بارد؛  
خوراک ما، خواب ما، دنیای ما، آخرت ما، مادیات ما، معنویات ما.

برای تأمین این نیازها یا باید در خانه خدا برویم، یا در خانه خلق که  
مثل خود ما محتاج و دردمند و گرفتار هستند. یعنی همه انسان‌ها حالت  
نیازمندی دارند. متنه اگر این نیازمندی را در خانه خدا برطرف کردیم،  
عزیز و آقا هستیم. ولی اگر آنجا حل نکردیم، باید در خانه خلق برویم  
و دست گدایی دراز کنیم که این یک ذلت است. اگر ندهند، فقط ذلت  
نصیب ما شده است. اگر بدھند، منت می‌گذارند.

بنابراین، گدایی در خانه خدا را از دست نده که محتاج خلق  
ناجوانمرد می‌شوی که کار تو را راه نمی‌اندازند. اگر هم راه بیاندازند هزار  
منت بر سر تو می‌گذارند.

وَ اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ؛<sup>۲</sup> تنها خداوند است که بی‌نیاز و  
ستوده است.

۱- الكافي، ج ۲، ص ۶۷؛ عوالي الثنائي، ج ۴، ص ۳۵۷؛ وسائل الشيعة، ج ۷، ص ۲۴.

۲- سورة فاطر، آية ۱۵.

او غنی است و می‌تواند نیازهای ما را برطرف کند. در هر صورت از دعا کردن نباید خسته و نامید شویم.

### سماحت در خواستن

در روایات آمده است که افرادی که اصرار و پافشاری در دعا دارند، خدا آنها را دوست دارد. رسول خدا ﷺ فرمودند:

**إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ الْلَّهُوْحَ؛** <sup>۱</sup> خدای متعال درخواست‌کنندگان را که مصر است دوست دارد.

خداآنند گدای سمج را دوست دارد. بر عکس خلق، کسی را که اصرار کند دوست ندارند. واقعًا چیز خوبی نیست که انسان در خانه خلق را بزند، چه برسد به این که اصرار کند و آبروی خود را ببرد.

آنچه از روایات به دست می‌آید، این است که حواچ مادی و دنیابی را از خدا بخواهید، اما به شرط تسلیم. یعنی مال، شروت، مقام، شفای بیمار، اینها را بخواهید، اصرار هم بکنید، ولی بگویید: خدایا، اگر صلاح تو هست! اگر رضای تو هست! این صلاح و رضای خدا خیلی مهم است.

اگر حقیقتاً شما تسلیم خواست خدا شوید، خدا می‌فرماید: من تو را راضی می‌کنم. خواست تو را هم خواهم داد. این وعده حتمی خداست. اگر واقعًا تسلیم خدا شویم، بگوییم: خدایا، اگر ندھی هم راضی هستم، خداوند ما را به بهترین وجه اداره می‌کند.

اگر واقعًا با قلب خود یک مقدار کار کنیم و بدانیم خدا دلسوزتر از ما

۱- عده الداعی، ص ۱۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۶۰؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۷۴.

به خود ماست، خیر ما را بیشتر از خود ما می‌خواهد، او همه چیز را می‌داند، ما هیچ چیز نمی‌دانیم، او مالک ماست، خالق ماست، اختیاردار ماست و یک مقدار معرفت انسان نسبت به خدای متعال بیشتر شود، تسليم امر خدا می‌شویم.

### اجابت بی قید و شرط

این را باید بدانیم که خدا به هیچ‌کس حتی به انبیاء، اجابت بی قید و شرط و مطلق نداده است. آن چیزی که خدا می‌برد و می‌خواهد خیلی بالاتر است. خدا امر کرده، ما دعا هم می‌کنیم. می‌فرماید: اگر تسليم شدید، من شما را راضی می‌کنم. اگر تسليم نشدی و با من کلنjar بروی، تو را به زحمت می‌اندازم. به تعبیر یک بزرگی، یعنی تو را نمد مال می‌کنم. تو را فشار می‌دهم. بعد هم آن چیزی که من خود می‌خواهم می‌شود.

پس بهترین راه این است که بیاییم مثل انبیا هر کجا خواست خدا چیز دیگری بود، فوری تسليم شویم. ولی این نباید موجب شود که ما از دعا کردن دلسوز شویم.

### تسليم و امید

باید دعا کنیم. مثلاً برای فرزنددار شدن، یا شفای بیمار، در عین این که باید تسليم باشیم، دنبال درمان و دکتر هم برویم و باز هم دعا کنیم. دعا و درمان اسباب است، وسیله است، باید تا لحظه آخر ادامه دهیم و نامیدنشویم.

## گفتار چهارم: اصرار بر دعا

خداؤند به حضرت زکریا در سن پیری فرزند داد. خدا در سن بالا به حضرت ابراهیم فرزند داد. هم خود او و هم همسر او پیر بودند، ولی به آنها فرزند داد. خدا مسبب الاسباب است. همه کارها را درست می‌کند. پس هیچ وقت نامید نشویم و دعا را جلسی بگیریم. ولی در مسائل مادی در عین این‌که سفت و محکم دعا می‌کنیم، گوشة دل خود بگوییم: خدایا، هر چه که رضای توست. گاهی ما یک چیزی می‌خواهیم که به ضرر نباشد، هلاک ما و هلاک دین ما و دنیای ما و آخرت ما در آن است.

### فرزند زبیر

زبیر مقام سلمان را پیدا کرده بود. سلمان می‌گوید: در دفاع از اهل‌بیت از ما داغ‌تر بود. زبیر پسر عمه پیغمبر و پسر عمه حضرت امیر علی‌الله بود. امیر المؤمنین علی‌الله می‌فرماید:

ما رَأَلِ الزُّيْرُ رَجُلًا مِنَ أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّىٰ نَشَأَ ابْنُهُ الْمَشْئُومُ  
عَبْدُ اللَّهِ؛<sup>۱</sup> زبیر همواره مردی از اهل‌بیت بود تا وقتی که پسر شوئم او عبدالله رشد کرد و پا به جوانی گذاشت.

يعنى به مقام «مناً أَهْلَ الْبَيْتِ» رسیده بود. کسی بود که قبر مخفی حضرت زهراء علی‌الله را که شاید غیر از امام زمان علی‌الله کسی در این زمان نداند می‌دانست. یعنی این‌قدر محروم و نزدیک بود. جزء پنج شش نفری بود که در تشییع جنازه حضرت زهراء علی‌الله شرکت کرد. وقتی عبد الله پسر او بزرگ شد، پدر را منحرف کرد. عبد الله زبیر

معروف است. باعث شد بین او و امیر المؤمنین و اهل بیت جدایی یافتد. موجب شد جنگ جمل را راه بیندازد. هجده هزار نفر در یک روز کشته شدند.

چیزی که به صلاح ما نیست، چرا باید اصرار کنیم؟

### فلجی که به اصرار شفا یافت

حضرت موسی علیه السلام در مسیری عبور می‌کردند. به یک انسان فلوج رسیدند. زمین گیر بود. دید حضرت موسی علیه السلام کلیم الله است، کسی که با خدا هم صحبت است، دارد می‌رود. به حضرت موسی اصرار کرد که دعا کن خدا من را شفا بدهد.

حضرت موسی علیه السلام فرمودند: صبر کن، تحمل کن، به نفع توست. خدا جبران می‌کند. او را نوازش کرد و دلداری داد. فرمود: اگر صبر کنی بهتر است. برکات آن بیشتر است. خدا جبران می‌کند.

هر چه حضرت موسی به او گفت، گفت: نه. خواست من را باید انجام دهید. اصرار در مسائل دنیا بی، باید به شرط تسلیم باشد. حضرت موسی را مجبور کرد تا دست به دعا بردارد. گاهی اگر جهنّم را هم اصرار کنیم، ممکن است به ما بدهند!

روایت تکان‌دهنده‌ای دیدم که خدای متعال فرمود: بنده‌ای که به خاطر دنیا در خانه من را زیاد می‌زند، از این بترسد که ممکن است در دنیا را به روی او باز کنم و برود که دیگر برنگردد. یعنی یک ضرب به طرف آتش برود. باید بگوید: خدایا، رضای تو، مصلحت تو، حکمت تو هر چه هست، همان را می‌خواهم.

## گفتار چهارم: اصرار بر دعا

حضرت موسی دعا کرد و او شفا پیدا کرد. بلند شد راه افتاد. بعد از مدتنی حضرت موسی در یک محلی کاری داشتند. دیدند جمعیت و سر و صداست. پرسیدند: چه خبر است؟ گفتند: یک نفر آدم کشته است. ولیّ دم او حکم قصاص را گرفته، می خواهند او را قصاص کنند. آمدند دیدند همان فرد فلنج است.

یعنی آن انسان فلنجی که پا نداشت، استعداد و ظرفیت در او نبود تا انسان خوبی باشد. نفس امّاره او چموشی داشت. خدا با ابتلائات او را رام کرده بود.

یک بزرگی فرمود: نفس‌های ما با ابتلائات و فشارهایی که می‌بیند می‌خوابد، زمین می‌خورد تا طغیان و یاغی‌گری نکند.

### بلای دوست

مرحوم آیت الله بهاءالدینی فرمودند: نفس من خیلی قوی بود. از جوانی همیشه بیمار بودم. امام ره می‌فرمودند: من هر چه به یاد دارم شما بیمار بودید. فرمودند: این صلاح من بوده، حکمت بوده، لطف خدا بوده است.

این بلای دوست تطهیر شماست  
علم او بالای تدبیر شماست  
خدا می‌داند در ابتلائات چقدر نعمت و لطف و عنایت نهفته است.

امام عسکری علیه السلام می‌فرماید:

**مَا مِنْ بَلَةٍ إِلَّا وَ اللَّهُ فِيهَا نِعْمَةٌ تُحِيطُ بِهَا<sup>۱</sup>**  
جز این که خداوند درون آن نعمتی قرار داده است که آن بلا آن را احاطه کرده است!

ظاهر هر ابتلائی تلخ است. بیماری، فقر، نداشتن فرزند و امثال این‌ها، ظاهر این‌ها همه تلخ و سنگین است، ولی خدای مهربان درون آن یک نعمتی را قرار داده که بلا بر آن احاطه دارد.

بنابراین، در مورد مسائل مالی و مادی و دنیوی نباید زیاد اصرار کرد. شاید به صلاح و مصلحت ما نباشد، ما خبر نداریم. اما در مورد مسائل معنوی و مشکلات هر چه اصرار کنیم کم است.

### کیفیت اجابت

دعاهای ما مثل پیامک دادن است، مثل نامه نوشتن است، مثل عرض ادب و تقاضاست، مثل تلفن کردن است. باید توجه داشته باشید هیچ دعایی بی‌پاسخ نمی‌ماند. در حدیث قدسی آمده است:

إِنَّ رَبَّكُمْ حَسِّيْ كَرِيمٌ<sup>۱</sup> پروردگار شما باحیاست و با کرامت است.

حیا می‌کند بندهای دست خود را به طرف او دراز کند و او را نامید برگرداند. هیچ کس را دست خالی برنمی‌گرداند. هیچ «یا رب» و «یا الله» بی‌لیک نیست.

متنهای کیفیت پاسخ او یک شکل نیست. ممکن است یک موردي عین آن حاجت برآورده شود. ممکن است بهتر آن را بدهند.  
بچه التماس می‌کند این چاقو را به من بده. من به جای چاقو یک گل به او می‌دهم. این دو اصلاً قابل قیاس نیست. چاقو به ضرر اوست، خود را زخمی می‌کند و از بین می‌برد.

## گفتار چهارم: اصرار بر دعا

خیلی موقع ما درخواست‌هایی که می‌کنیم به نفع ما نیست. به ضرر  
ماست. صلاح ما نیست، حکمت و رضای الهی در آن نیست.

این است که باید بدانیم اگر در دعایی عین خواسته ما اجابت نشد، در  
دستگاه خدا بایگانی می‌شود. یعنی وجود دارد.

یک موقع عین همان خواسته ما داده می‌شود. ثواب دعا کردن را هم  
به ما می‌دهند. گاهی موقع می‌بینید وقت آن نرسیده، یعنی تأخیر  
می‌اندازند. فرزندی الآن پاپشاری دارد، سِن و سال او کم است. می‌گوید:  
همسر می‌خواهم، صلاح او نیست. وقت آن باید برسد.

می‌گویند: کسی به مشهد رفت. به حضرت گفت: اولاً به من یک شغل  
مناسب بده! دوّم، به من یک خانه و مسکن خوبی بده! سوم، یک همسر  
خوبی بده! بعد از مدتی آمد و همسر او جور شد، ولی خانه و شغل او  
جور نشد. آمد به امام هشتم گفت: آقا جان، از آخر شروع کردی؟

در روایت آمده است که یکی از چیزهایی که رزق را زیاد  
می‌کند ازدواج است. امام هشتم درست جواب او را دادند. یعنی  
خود همسر و ازدواج رزق را زیاد می‌کند. تا به حال خدا رزق را  
به خانه پدر آن دختر می‌فرستد، حالا به خانه شما می‌فرستد. رزق  
تو را زیاد می‌کند.

یکی از آقایان می‌گفت: من خدمت امام هشتم للہ علیہ السلام رفتم. گفتم: عقل را  
از من بگیر و عشق را به من بده! عقل را از من گرفت و عشق را به من  
نداد! من گفتم: معلوم می‌شود از اول عقل نداشتی. چون اگر انسان عاقل  
باشد، چنین درخواستی نمی‌کند! عقل کامل با عشق یکی است.

## تأخیر عاشقانه

در هر صورت تأخیر دو نوع است. یک تأخیر حکیمانه است که در وقت آن خدای متعال اجابت می‌کند. چنان‌که بین درخواست موسی برای هلاکت فرعون و اجابت آن چهل سال فاصله افتاد.

یکی هم تأخیر عاشقانه است. این هم زیباست. گاهی بنده «یا رب» و «یا الله» می‌گویید. التماس می‌کند. خدای متعال می‌گوید: من صدا و ناله این بنده خود را خیلی دوست دارم. جواب او را ندهید.

مثل این‌که شما پیش یک دوست مهربانی که در اداره است می‌روید. دل او برای شما تنگ شده است. می‌گوید: کار این را زود راه نیندازید. با این‌که همه چیز درست است، او را معطل کنید. من می‌خواهم او را بیشتر بینم.

خدا هم این بنده را دوست دارد، صدای او را دوست دارد، «یا رب» گفتن او را دوست دارد، می‌گوید:

**أَخْرُوا إِجَابَتُهُ<sup>۱</sup>** جواب و اجابت او را به تأخیر بیندازید!

من صدای او را دوست دارم. ناله او را دوست دارم. گریه او را دوست دارم. بعضی هم می‌آیند، اما خدا می‌گوید: من ناله او را دوست ندارم. فوری او را راه بیندازید برود.

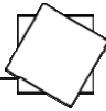
این تأخیرها گاهی تأخیرهای عاشقانه است. خدا نجوای ما را دوست دارد. خدا گاهی بدل می‌دهد، گاهی ثواب می‌دهد، گاهی کفاره گناهان ما می‌کند، گاهی معادل آن، بلا را از ما دفع می‌کند. امام صادق علی‌الله فرمودند:

## گفتار چهارم: اصرار بر دعا

اذا كانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قالَ اللَّهُ عَبْدِي دَعَوْتَنِي وَأَخْرَجْتُ إِجَابَتَكَ  
وَثَوَابُكَ كَذَا وَكَذَا وَ... فَيَتَمَّنِي الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يَسْتَحِبْ لَهُ  
دَعْوَةُ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرِى مِنْ حُسْنِ الثَّوَابِ؛<sup>۱</sup> چون روز قیامت  
شود، خداوند می‌فرماید: ای بندۀ من، تو مرا خواندی و دعا  
کردی، و من اجابت را به تأخیر انداختم. اکنون ثواب تو چنین  
و چنان است ... پس مؤمن آرزو می‌کند که ای کاش هیچ  
دعایی از او در دنیا اجابت نمی‌شد، از بس پاداش نیکو می‌بیند!



گفتار پنجم



ظرفیت اجابت دعا



## دعا از روی محبت

دعا به عنوان یک عبادت، بلکه افضل عبادت است. و از این زیباتر، تعبیر امیرالمؤمنین است که فرمودند: محبوب‌ترین عملی که در خانه خدا ارائه می‌دهیم، دعاست. خدا دعا را بسیار دوست دارد. باید به دعاها و نیایش‌ها به عنوان یک وظیفه نگاه کنیم. فقط مسئله حاجت نباشد.

بیشتر اوقات به افراد، فامیل، آشنايان، دوستان، همکلاسی‌ها و همسایه‌ها که زنگ می‌زنیم، به خاطر آن است که با آن‌ها کار داریم. چه خوب بود گاهی هم بدون حاجت زنگ بزنیم، یا به دیدن آن‌ها برویم. تصوّر بدی که در ذهن انسان ایجاد می‌شود این است که این آقا من را نمی‌خواهد، در واقع دنبال منافع خودش هست. یا امضای من را می‌خواهد، یا جیب من را می‌خواهد، یا می‌خواهد ضمانت او را بکنم. همین که در زبان مردم جاری است که «سلام لُر بی طمع نیست!»

سعی کنیم با خدا و با بندگان خدا این گونه نباشیم. این واقعاً خوب نیست. معلوم می‌شود بین ما محبت ایجاد نشده است. پیوند ما به خاطر محبت نیست، برای کار است. در واقع من دور خود و خواسته‌های خود می‌گردم.

بعضی افراد وقتی حاجت بگیرند، دیگر نه دعا می‌کنند، نه با خدا کار دارند. اما ارتباط یک مادر مهربان با فرزندانش، ارتباط دو دوست صمیمی، بر اساس عشق و محبت است. بر محور نیاز نیست. این طور نیست که وقتی کار ندارد طرف را رها کند. تلفن نزند یا به سراغ او نروند. باید سعی کنیم در عین این‌که حاجت هم می‌خواهیم، خود دعا در ما ایجاد انگیزه کند و بر اساس انس و محبت با خدا نجوا و گفت‌وگو کنیم. و آن را به عنوان یک وظیفه بدانیم. یعنی اگر حاجتی هم نداشته باشیم، باز بگوییم خدا! و با او گپ بزنیم و انس بگیریم.

### روح تسلیم در دعا

موضوع دیگر این است که خدای متعال به هیچ کس چک سفید امضا و بدون قید و شرط نداده است. حتی به انبیا و امامان علیهم السلام هم نداده است. این طور نیست که هر چه بخواهند، و در هر شرایطی و موقعیتی محقق شود. در بسیاری از موارد پیغمبر و امامان ما دعا کردند، ولی ابتلائات سنگینی به اهل‌بیت علیهم السلام رسیده است. خدای متعال فرمود: این امتحان و قضا و قدر حتمی است و باید باشد.

یعنی در جاهایی خود امامان هم چیزی خواستند، ولی می‌دیدند رضای خدا چیز دیگری است و تسلیم می‌شدند. در حقیقت حاکمیت و مالکیت از آن خدای متعال است. یعنی حرف اول و آخر را خدای متعال می‌زند. این همان تسلیمی است که به آن اشاره کردیم. روح و حالت تسلیم باید در همه دعاها می‌باشد.

## دعای آمرانه

برخی افراد در دعا حالت آمریت و حاکمیت دارند. ما یک امر داریم، یک دعا داریم. اگر درخواستی از بزرگ به کوچک باشد، آن امر است. خدا به بندگانش امر می‌فرماید. پدر و مادر به فرزندان خود امر می‌کنند. مدیر کل به زیر مجموعه خود امر می‌کند. ولی اگر زیر مجموعه از بالاتر از خود چیزی بخواهد، آن را امر نمی‌گویند. آن را دعا و خواهش و درخواست می‌گویند.

بسیاری از دعاهای افراد جاهل، حالت آمریت و حاکمیت دارد. می‌گویند: خدایا، حتماً باید بدھی! این کار خوبی نیست. در عین این‌که ما دعا می‌کنیم و شاید در بعضی از مسائل اصرار هم می‌کنیم، باید روح رضا و تسلیم حاکم باشد.

البته اصرار در مسائل معنوی و آخرتی خوب است، ولی در عین حال باید حالت تسلیم و رضا بر ما حاکم باشد. یعنی رضای خدا همیشه برای ما اهم باشد. اما در خواسته‌های مادی و دنیوی اصرار خوب نیست؛ چون شاید به مصلحت ما نباشد و موجب سقوط و هلاکت ما بشود.

## ظرفیت اجابت

ثعلبة بن خاطب یکی از اصحاب پیغمبر خدا بود. او از نظر مالی خیلی ضعیف و فقیر بود. می‌خواست ثروتمند بشود. پاشاری زیادی می‌کرد که من حتماً باید مال و ثروت پیدا کنم. داستان آن هم خیلی مشهور است و درباره آن آیه‌ای نازل شده است.

پیغمبر خدا به او فرمودند:

قَلِيلٌ تُؤَدِّي شُكْرَهُ حَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ لَا تُطِيقُهُ<sup>۱</sup> مال اندکی که  
بتوانی شکر آن را به جا آوری، بهتر از مال بسیاری است که  
طاقت آن و همت ادای حق آن را نداشته باشی!

خیلی جاها هست که ما ظرفیت آن را نداریم. خدا دریغی ندارد، از  
دادن بخلی ندارد. از خزانه او کم نمی شود. هر چه اراده کند می شود، ولی  
ما ظرفیت نداریم. پیغمبر خدا در جایی دیگر فرمودند:

مَا قَلَّ وَ كَفَى خَيْرٌ مَا كَثُرَ وَ أَهْمَى<sup>۲</sup>; آنچه کم باشد و کفايت  
کند، بهتر از زیادی است که دل را مشغول دارد.

یعنی کمی که نیاز تو را برآورده کند و زندگی تو بگذرد، بهتر از  
زیادی است که شما را غافل کند و از خدا برگرداند.

### اصرار در حوائج معنوی

اصرار در مسائل معنوی که هیچ اشکالی ندارد. ایمان بخواهیم، عاقبت  
به خیری بخواهیم، امر معنوی بخواهیم، حضور قلب در نماز بخواهیم،  
آخرت بخواهیم، بهشت بخواهیم، هر چه اصرار کنیم خوب است.

البته خدا به وقت آن می دهد. اگر در دنیا نداد، در آخرت می دهد.  
ثواب مکه و کربلا را می دهد. حتی بدانید اگر در دنیا توفیق پیدا نکردیم،  
در نامه عمل ما ثبت می شود.

اما در مسائل مادی و نیازهای روزمره زندگی اصرار در آن هم عیی  
ندارد، فقط به اندازه نیاز. همسر خوب، خانه خوب، ادای دین. ولی پول

۱- تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۴۰.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۴۱؛ مشکاة الانوار، ص ۲۸۳؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۶۱.

## گفتار پنجم: ظرفیت اجابت دعا

و ثروت کلان و پست و ریاستی که ظرفیت آن را نداریم، و اموری که بیش از ظرفیت ماست، در خواستن آن‌ها اصرار نکنیم. اگر هم اصرار می‌کنیم، روح رضایتمندی و مصلحت الهی بر همه دعاهای ما حاکم باشد. اگر به این نحو دعا کنیم، هیچ خطری ندارد.

### اجابتی که ظرفیت نداشت

پیغمبر طیب است، خیرخواه و دلسوز است. به ثعلبه فرمودند: مال زیاد به صلاح تو نیست، ولی اصرار کرد. اصرار بیش از اندازه موجب شد که پیغمبر خدا دعا کرد که خدا به او مال و ثروت بدهد. گوسفندانی خرید و چنان رشد کردند و زیاد شدند که جای او برای گوسفنداری در مدینه تنگ شد. از این‌رو از شهر بیرون رفت و در دره‌ای از دره‌های مدینه منزل کرد. باز گوسفندان افزایش یافتند. ناگزیر از مدینه هم بسیار دور شد.

این آقا کبوتر مسجد بود. برای نماز پنج و عده می‌آمد پشت سر پیغمبر، و با جمال پیغمبر و نماز پیغمبر مأнос بود. کارش به جایی رسید که بر اثر زیاد شدن مال و ثروت از پیامبر و نماز پیامبر فاصله گرفت.

ابتدا روزی یک بار نماز می‌آمد. بعد هفته به هفته می‌آمد. بعد هفته به هفته هم نمی‌رسید. و از نماز جمعه و جماعت باز ماند. مثل افرادی که گرفتار دنیا می‌شوند. از این محضر به آن محضر، از این شهبداری به آن شهرداری، از این دارایی به آن دارایی.

در روایات آمده است که پیغمبر خدا در مورد افرادی که از آن‌ها

ناراضی بودند می فرمودند: خدایا، مال و اولاد او را زیاد کند. و در مورد افرادی که آنها را دوست داشتند می فرمودند:

**اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكِفَافَ؛<sup>۱</sup> خدایا، او را به کفایت روزی ده!**

اگر کسی گرفتار ریاست و گرفتار مال و ثروت بشود، این یک نفرین و دوری از رحمت خداست. و جالب است که ثعلبه با پیغمبر خدا شرط کرد که اگر خدا به من مال فراوانی بدهد، من وظیفه خود را انجام می دهم. حق فقرا را ادا می کنم. زکات می پردازم. خیرات می کنم.

### انکار ضروریات

اما وقتی مال و ثروت زیادی به دست آورد، و آیه زکات نازل شد، پیغمبر خدا مأمورها را فرستادند تا برonden و از او زکات بگیرند. نه تنها بخل ورزید و زکات نداد، بلکه گفت: این کار بی معناست. در حقیقت زکات را انکار کرد. گفت: این چیزی شبیه جزیه است که از غیر مسلمان‌ها می گیرند. یعنی هم منافق شد و هم مرتد شد.

اگر کسی نماز نمی خواند، زکات نمی دهد، حجاب ندارد، این گناه و فسق است. ولی اگر کسی بگوید: نماز، یا زکات، یا حجاب چیزی بی معناست، این انکار ضروری دین است و کافر می شود. اگر کسی توجه داشته باشد که این یک حکمی ضروری دین ماست، ضروری قرآن و دستورات دینی است و انکار کند، مرتد و کافر می شود.

این که کسی بگوید: من نماز را قبول ندارم، مثل این است که بگوید: من قرآن را قبول ندارم، یا پیغمبر را قبول ندارم.

## گفتار پنجم: ظرفیت اجابت دعا

کار ثعلبه بر اثر مال‌اندوزی و مال دنیا به جایی رسید که منکر زکات شد. گفته این شبیه جزیه است.

وای بر ثعلبه!

پیغمبر خدا ﷺ وقتی این سخن را شنیدند فرمودند:

یا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ، يَا وَيْحَ ثَعْلَبَةَ؛ وَايِّ بَرِ ثَعْلَبَهِ، وَايِّ بَرِ ثَعْلَبَهِ!

و آنگاه این آیات نازل شد:

وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَدِّقَنَّ وَلَنُكُونَنَّ  
مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخْلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ  
مُعْرِضُونَ فَاعْقَبَهُمْ نَفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَوْنَهُ بِمَا  
أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْلِذُونَ؛<sup>۱</sup> وَإِنَّ أَنَّ

کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. پس چون از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند، و به حال اعراض روی بر تافتند. در نتیجه، به سزای آن که با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند، در دل‌هایشان تا روزی که او را دیدار می‌کنند پیامدهای نفاق را باقی گذارد.

ثعلبه مرتد و از دین خارج شد. خداوند حکم ارتقاد و نفاق او را صادر کرد و مورد توبیخ قرار گرفت. البته بعد هم پشیمان شد، ولی

پشیمانی او فایده نداشت. یعنی توبهٔ او قبول نشد؛ چون توبهٔ مرتد پذیرفته نمی‌شود.

اصرار زیاد بر مال دنیا و ثروت‌اندوزی کار او را به اینجا کشاند. این واقعاً برای همهٔ ما عبرت است.

### برای برآمدن حاجات

از چیزهایی که در برآوردن حاجات بسیار مؤثر است و بزرگانی همچون مرحوم آیت الله بهاءالدینی و مرحوم آیت الله بهجهت بر آن اهتمام داشتند، تلاوت حدیث کسae است.

### جایگاه حدیث کسae

آیت الله بهاءالدینی در جلساتی که ما در خدمت ایشان بودیم، مرتب به حدیث کسae سفارش می‌کردند. شب‌های جمعه درس اخلاق داشتند. بعضی از شب‌ها که حال ایشان برای بحث اخلاق مساعد نبود، به بنده می‌فرمودند: شما حدیث کسae را بخوانید. یعنی به جای درس اخلاق ایشان، حدیث کسae تلاوت می‌شد.

به یاد دارم یک بار در خدمت ایشان در ایام جنگ به شهرستان درود رفیم. امام جمعه درود که از شاگردان ایشان و از دوستان ما بودند، به ایشان گفتند: اینجا خیلی بمباران می‌شود. واقعاً مردم مستأصل شده‌اند. ایشان به امام جمعه فرمودند: چرا شما از حدیث کسae غافل هستید؟ در مجالس خود حدیث کسae بخوانید. و از آن تاریخ آنجا حدیث کسae باب شد. امام جمعه محترم آنجا می‌گفت: تا پایان جنگ دیگر نه آنجا

موشک خورد، نه بمباران شد. حتّی هواپیماها هم می‌آمدند، ولی یا بمب آن‌ها عمل نمی‌کرد یا رادار آن‌ها کور می‌شد. یکی از خلبان‌ها را هم که اسیر کرده بودند، گفته بود رادار من نشان نمی‌داد! چه سری بود نمی‌دانم. البته ممکن است کسی حدیث کسae هم بخواند، ولی خواسته او به صلاح او نباشد، یا خدا تبدیل کند و بهتر از آن را بدهد.

### معجزهٔ حدیث کسae

آیت الله بهجهت فرمودند: جملات حدیث کسae معجزه است. یعنی جملهٔ جمله آن معجزه است. پیغمبر ما دو بار قسم می‌خورد که این حدیث اگر تلاوت شود، رحمت نازل می‌شود، ملائکه می‌آیند، استغفار می‌کنند، غم‌گین برداشته می‌شود، حاجت صاحب حاجت برآورده می‌شود. هم امیرالمؤمنین قسم خوردن، هم پیغمبر خدا.

البته اگر دستهٔ جمعی باشد بهتر است، ولی اگر هم نشد، انسان در تنها یک خلوت هم بخواند عیب ندارد. ملائکه هستند. هیچ کس تنها نیست.

یکی از بزرگان می‌فرمود: حدیث کسae معجزه است. حضرت زهراء<sup>علیها السلام</sup> مستقیم از خدا می‌گوید. می‌گوید: خدا به ملائکه این‌طور فرمود. اگر این‌ها نبودند من خلق نمی‌کردم. متن حدیث کسae متن فوق العاده‌ای است.

اگر حدیث کسae در جمعی خوانده شود، بسیار مؤثر است. یعنی یا حاجت ما برآورده می‌شود، یا درجه و مقام به ما می‌دهند. اندوه‌ها و ظلمت‌ها می‌روند.

در پایان حدیث کسae پیغمبر ما پس از این که چندین بار سوگند یاد کردند، فرمودند:

مَا ذُكِرَ حَبْرُنَا هَذَا فِي مَحْفِلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ فِيهِ  
جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَ مُحِبِّينَا إِلَّا نَزَّلْتُ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ وَ حَفَّتْ هِمُ  
الْمُلَائِكَةُ وَ اسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَتَفَرَّقُوا؛ این خبر ما در

مجلسی از مجالس روی زمین که در آن جمعی از شیعیان و دوستان ما باشند ذکر نمی‌شود، مگر آن که بر آن‌ها رحمت نازل می‌شود و ملائکه اطراف آن‌ها را احاطه می‌نمایند.

و برایشان طلب آمرزش کنند تا زمانی که متفرق گردند.

اگر در محفلی که دوستان و شیعیان اهلیت جمع هستند، حدیث کسae تلاوت شود، رحمت خدا شامل حال آن‌ها می‌شود. ملائکه می‌آیند مجلس را پوشش می‌دهند. پیغمبر ما قسم خورده است که ملائکه برای اهل مجلس استغفار می‌کنند تا اهل مجلس متفرق شوند.

البته کسی که ظالم است و حق النّاس به گردن اوست، ممکن است با خواندن حدیث کسae هم موانع اجابت برداشته نشود، ولی قطعاً فضا را عوض می‌کند و زمینه را فراهم می‌کند. خواندن حدیث کسae بسیار مؤثر است.

پیغمبر خدا به امیرالمؤمنین فرمودند: یا علی، قسم به آن خدایی که من را به پیغمبری فرستاده است، اگر حدیث کسae در جمعی خوانده شود، غم غمگین برداشته می‌شود، حاجت صاحب حاجت برآورده می‌شود،

## گفتار پنجم: ظرفیت اجابت دعا

گرفتاری گرفتار برطرف می‌شود. این‌ها به منزله اقتضاناتی است که این زمینه را فراهم می‌کند، ولی موانعی که داریم باید برداریم تا إن شاء الله به اجابت نزدیک شویم.

### ختم صلوات

یکی دیگر از چیزهای دیگری که آیت الله بهاءالدینی سفارش می‌کردند و در برآورده شدن حاجات بسیار مؤثر است، چهارده هزار صلوات به نیت چهارده معصوم علیه السلام است. یعنی هر هزار صلوات هدیه به یک معصوم. و این بهترین هدیه است. وقتی ما چیزی به آن‌ها هدیه می‌کنیم، آن‌ها هم ما را یاد می‌کنند. چهارده هزار صلوات هدیه به چهارده معصوم بسیار مؤثر است. حالا یک نفر بگوید یا چند نفر بگویند. لازم نیست در یک جلسه هم باشد، در جلسات متعدد هم مانعی ندارد.

شخصی به پیغمبر خدا عرض کرد: من دعاهای خود را برای شما قرار دادم. یعنی به جای این که حاجت بخواهم می‌گوییم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ» و برای شما طلب رحمت می‌کنم.

حضرت فرمودند: خدا هم حاجت‌های تو را برآورده می‌کند. یعنی اگر شما در کار خدا باشید، خدا هم در کار شما خواهد بود. شما اگر برای امام زمان دعا کنی، آیا ممکن است امام زمان به فکر شما نباشد؟ هدیه کردن صلوات به این بزرگواران فضا را آماده می‌کند.

### ذبح بلا گردان

یکی از چیزهای دیگر هم که مرحوم آیت الله بهاء الدینی و مرحوم

آیت الله بهجهت سفارش می‌کردند، این بود که کسانی که تمکن مالی دارند، هر چند وقت یک بار امواج بلا را با صدقه دادن دفع کنند. بهترین نوع صدقه ذبح یک گوسفند است؛ برای عقیقه سفارش ویژه شده است، برای ساختن خانه، خرید خانه، خرید ماشین، ازدواج، و هر کار خیری؛ مخصوصاً چیزهایی که در چشم مردم است.

گاهی میلیونی برای خیلی چیزها خرج می‌کنیم، ولی وقتی می‌گویند صدقه بد، یا یک گوسفند ذبح کن، دستمان می‌لرزد. روایت شده است:

مَا مِنْ شَيْءٌ يَتَقَرَّبُ بِهِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ إِطْعَامِ الطَّعَامِ وَ إِرَاقَةِ الدَّمَاءِ؛<sup>۱</sup> چیزی که بتوان با آن به خدای عزوجل تقرب جست، در نزد خدا محبوب‌تر از غذا

دادن و ریختن خون قربانی بر زمین نیست.

ریختن خون یعنی گوسفندی را ذبح کنی. که برای رفع گرفتاری و دفع بالاها بسیار مؤثر است.

البته بهتر است قربانی گوسفند باشد. اگر گوسفند نشد، مرغ یا خروسی ذبح کنند. این که یک خونی که ریخته می‌شود، در واقع آن بلا گردان می‌شود. حتی چند نفر می‌توانند، به طور مشارکت یک گوسفند قربانی کنند. اگر نیاز دارند، بخشی از آن را خودشان استفاده کنند و بخش دیگر آن را به فقرا و نیازمندان بدهند. این بسیار خوب است. حتماً بخشی از آن را صدقه بدهند. بسیار مؤثر است.

۱۰۰

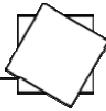
۱- الفقه المنسب الى الامام الرضا (ع)، ص ۳۶۲؛ الاختصاص، ص ۲۵۳؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۶،

ص ۱۵۷

## گفتار ششم

---

دعا و معرفت به خدا





## شگردهای امام سجاد علیه السلام در دعا

امام سجاد علیه السلام در پایان دعای ابو حمزه ثمالی سه جمله زیبا دارند:

(۱) اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا<sup>۱</sup>; خداوند، تو در کتابت نازل فرمودی  
که ما از هر کس که در حقمان ستم کرده باشد بگذریم. خدایا،  
ما در حق خود ظلم کردایم، تو هم از ما بگذر.

دعا راه باز می‌کند و مقصد را به ما نشان می‌دهد. عرضه می‌دارد:  
خدایا، تو در قرآن فرمودی از کسانی که به ما ظلم می‌کنند بگذریم.  
چیزی که خود تو فرمودی به آن عمل کن. ما هم به خود ظلم کردیم.  
گناه کردیم، پس ما را عفو کن و از ما بگذر. به قول ما حضرت  
مجگیری می‌کند.

(۲) وَ أَمْرَنَا أَنْ لَا تُرْدَ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا وَ قَدْ جِئْتُكَ سَائِلًا<sup>۲</sup>  
فَلَا تُرْدَنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي؛ و باز به ما فرمودی که سائل  
را از درگاه خود محروم بر نگردانیم، من هم به درگاه کرمت  
سائلم، پس تا حاجتم را روا نساختی بازم مگردان!

---

۱- المصباح للкусعی، ص ۶۰۱؛ مفاتیح الجنان، ص ۳۵۶، دعای ابو حمزه ثمالی.

خدای متعال در قرآن فرموده است: که سائلی را بی جواب نگذاریم و دست خالی برنگردانیم.

**وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تُنْهِرْ؛<sup>۱</sup> و سائل را از خود مران!**

امام علی عرضه می دارد: خدایا، ما هم سائل در خانه تو هستیم. ما را بدون حاجت و بدون برآمدن خواسته ها برنگردان. در واقع این ها همه مچ گیری است.

(۳) وَأَمْرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرِقَاؤَى  
فَأَعْتَقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ؛ و باز فرمودی: در حق هر کس که در ملک و تصرف ماست نیکی و احسان کنیم. و ما بندگان توایم.  
تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قهرت آزادمان ساز!

خداؤند فرموده است: به زیر مجموعه خود احسان کنیم. می گوییم: خدایا، ما هم برده تو هستیم، بنده تو هستیم، ما را از آتش جهنم آزاد کن. چیزهایی که خودت در قرآن فرموده ای عمل کن! قطعاً خدای متعال به وعده های خود عمل می کند.

### عدم معرفت خدا مانع استجابت دعا

اما چرا گاهی دعاهای ما مستجاب نمی شود؟

موانع استجابت دعا چیست؟ در روایات موانع متعددی برای استجابت دعا بر شمرده اند. یکی از موانع عدم درک صحیح از خداوند است. از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا ما دعا می کنیم، ولی مستجاب

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

نمی‌شود؟ حضرت در پاسخ فرمودند:

**لَا تَنْكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَ<sup>۱</sup>** چون شما کسی را می‌خواهید

که نمی‌شناسید!

چون خدا را نشناختیم، نمی‌فهمیم که چه خدای خوبی است، چقدر مهریان است، او همه چیز را می‌داند، ولی ما همه چیز را نمی‌دانیم.

اگر دوست صمیمی یا فامیل مهریانی ما را دعوت کند، آیا چنین گمانی به او داریم که وقتی به در خانه او می‌رویم، در را باز نکنند؟ خود او هم دعوت کرده است. ما چنین گمانی به یک دوست صمیمی یا فامیل نزدیک قطعاً نداریم.

یک مادر بسیار مهریان و دانا و فهمیله دلسوز که مال و ثروت فراوانی هم دارد، اگر فرزند و پاره جگر او محتاج و گرفتار است و خواسته و نیازهایی دارد، مؤذبانه هم از مادر درخواست می‌کند، آیا ممکن است این مادر با این خصوصیات پاسخ این فرزند و پاره جگر خود را ندهد؟ قطعاً این طور نیست.

### اصلاح اعتقادات نسبت به خدا

۱۰۵

بیاییم یک کمی اعتقادات خود را درباره خدا اصلاح کنیم. من فکر می‌کنم کسانی که گلایه دارند که چرا خواسته ما عملی نشد. باورهای آن‌ها نسبت به خدا و محبت به خدا کمی محدودش است. بیاییم اعتقاد و باورهای خود را نسبت به خدای متعال کمی بالاتر ببریم.

آن همه اقرار می‌کنند که یک مادر مهریان با همه امکانات برای

۱- التوحید للصدوق، ص ۲۸۹؛ بحار الانوار، ج ۹۰، ص ۳۶۸

فرزند خود کم نمی‌گذارد. قطعاً باید بدانیم که خدای مهربان به مراتب از مادر مهربان‌تر است. بلکه تمام مهر و محبت‌هایی که همه مادرهای عالم و همه انبیا و امام‌ها دارند، پرتوی از مهر و رحمت و محبت خداوند است. امام حسین علی‌اللهِ‌قَدْرُ خلق را دوست داشت؟

وَبَذَلَ مُهْجَّةَ فِيَكَ لِسْتَنْقَدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةَ وَ حَيْرَةَ  
الضَّالِّةِ؛<sup>۱</sup> خون پاکش را در راه تو بذل کرد تا بندگان را از گمراهی، بیراhe و ضلالت و تحییر نجات دهد!

قطعاً خدای امام حسین از خود امام حسین مهربان‌تر است. چنان‌که امام صادق علی‌اللهِ‌قَدْر فرمودند:

وَاللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَشَدُ حُبًا لَكُمْ مِنِّا؛<sup>۲</sup> به خدا سوگند، بی‌تردید خداوند مهر و محبتش نسبت به شما بیشتر از ماست.  
پس اگر اشکالی هست، باید در خود جست‌وجو کنیم.

### شهادت به پاکی یوسف

پس از آن که حضرت یوسف علی‌اللهِ‌قَدْر آن دوران سخت را که تحمل کرد، و عزیز مصر شد. یک روز جبرئیل امین علی‌اللهِ‌قَدْر به دیدن حضرت یوسف علی‌اللهِ‌قَدْر آمده بود. نشسته بود و بیرون را نگاه می‌کرد. دید جوانی آمد و با حضرت یوسف کاری دارد. تبسم کرد. حضرت یوسف پرسید: چرا تبسم می‌کنی؟

۱۰۶

۱- تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۱۱۳؛ مفاتیح الجنان، ص ۷۶؛ زیارت اربعین.

۲- الامالی للطوسی، ص ۷۲۳، مجلس ۴۳؛ مجموعه ورام، ج ۲، ص ۹۱؛ بحار الانوار، ج ۶۵، ص

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

گفت: این جوان را می‌شناسی؟ گفت: خیر. گفت: این جوان همان نوزادی است که در گهواره به پاکی شما شهادت داد. الان بزرگ و یک جوان رشید شده است.

وقتی زلیخا یوسف را دنبال کرد و پیراهنش را از پشت سر پاره کرد، شوهرش سر رسید. یوسف متهم شد به این‌که به ناموس سلطنتی دست اندازی کرده است. قرآن می‌گوید:

قَالَ هِيَ رَأَوْدَتْنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهَدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّمٌ قُبْلَ فَصَدَّقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّمٌ دُبُّرٌ فَكَذَبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ<sup>۱</sup>

گفت: «او از من کام خواست». و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است، و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راستگویان است.»

این همان نوزاد است که به زبان آمد و گفت: یک مادرکی به شما می‌دهم. ببینید پیراهن حضرت یوسف اگر از جلو پاره شده است، حق با زلیخاست، ولی اگر از پشت سر پاره شده است، معلوم است که فرار می‌کرده است.

این نوزاد طبق آیه قرآن، در گهواره به پاکی یوسف شهادت داد و حضرت یوسف بری شد و از این بحران نجات پیدا کرد. حضرت یوسف با دیدن این جوان خیلی خوشحال شد. گفت:

بگویید این جوان بباید. هر چه توانست به او محبت کرد که در آن بحران و شرایط سخت این شهادت را خداوند به زیان او جاری ساخت و او را نجات داد.

### منقلب شدن جبرئیل

وقتی حضرت یوسف به او محبت کرد، دید جبرئیل منقلب شد.  
گفت: چطور شما به خاطر این احسان من این قدر ذوق زده شدید؟!  
گفت: ای یوسف، وقتی می بینم به کسی که در نوزادی به پاکی تو شهادت داده، این قدر احسان و محبت می کنند، خداوند با بندهای که در شباهه روز حدائق پنج مرتبه بگویید: «أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و به پاکی و یکتایی خدا شهادت بدهد چه خواهد کرد؟

یوسف، تو یک عبد خدا هستی، یک مرتبه یک نوزاد به پاکی تو شهادت داده، این قدر به او احسان می کنی، آیا خدای بزرگی که کرم و لطف و عنایت او حدی ندارد، به ما که در شباهه روز بارها می گوییم: «أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، رحم نمی کند؟ محبت نمی کند؟<sup>۱</sup> قطعاً بدانیم محبت و لطف می کند، این قطعی است.

۱۰۸

### غلام و وزیر

می گویند: سلطانی وزیری داشت. دید این وزیر خیلی کارایی ندارد. آن طور که باید مدیریت کند نمی کند. می خواست او را برکnar کند، ولی دنبال بهانه بود. سلطان خیلی دانا و فهمیده بود. فکر کرد چطور او را برکnar کند که مشکلی پیش نیاید. سه سؤال مشکل طرح کرد، که

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

اگر این وزیر جواب نداد برکنار شود. می‌دانست که او از پس این جواب‌ها برنمی‌آید.

آخر شب او را خواست. گفت: من سه سؤال از شما می‌پرسم. فردا باید جواب بدھیم. اگر جواب دادید که هستید، و گرنه عزل و برکنار می‌شویم. گفت: بفرمایید.

گفت: سؤال اول این است: به من بگو خدا چه می‌خورد؟ به ظاهر خیلی سؤال سختی است. سؤال دوم: خدا چه می‌پوشد؟ سؤال سوم: خدا چه کار می‌کند؟

به خانه آمد. از این‌که پاسخ سؤال‌ها را نمی‌دانست اوضاع او به هم ریخته بود. خوابش نمی‌برد. غلامی بسیار فهمیله و زیرک داشت. گفت: دست جناب وزیر، امشب حال شما خوب نیست، نقاھت دارید؟ گفت: دست روی دل من نگذار. اگر فردا مشکل من حل نشود، همه ما باید کنار برویم. ریاست‌های دنیا همین طور است. در یک لحظه همه چیز به هم می‌خورد. گفت: مشکل خود را بگو. خدا را چه دیدی؟

**فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ<sup>۱</sup>** و برتر از هر صاحب علمی، عالمی است.

دست، بالای دست بسیار است.

یکی از علمای بزرگوار می‌فرمودند: من یک فرزند کوچکی داشتم. یک روز به من گفت: آقا جان، گفتم: بله. گفت: معنای ملاصدرا چیست؟ گفتم: ملاصدرا معنا ندارد. اسم یک فیلسوفی است. گفت: معلوم می‌شود

تو هم نمی فهمی!

می گفت: خیلی متحیر شدم و گفتم خود تو می دانی؟ گفت: بله. گفتم:  
معنا کن. گفت: بابا جان ملاً یعنی باسواند. کسی که درس خوانده است را  
ملاً می گویند. صدرایعنی این که اگر کسی به بن بست رسید، می روید  
می نشینند فکر می کند صد تا راه برای خود پیدا می کند. صد راه! گفتم: این  
معنا که تو می کنی به عقل خود ملاً صدرایعنی رسید!

هدهد به سلیمان پیغمبر گفت:

**أَحَاطْتُ بِهَا مَتْحَطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَيْبَنَبِإِيْقِينٌ؛**<sup>۱</sup> از چیزی  
آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته ای، و برای تو از «سبا»  
گزارشی درست آورده ام.

شما ملکی خواستی که دایره آن همه جا باشد، جن و انس، ولی من  
چیزی پیدا کردم که تو پیدا نکردی؛ ملکه سبا را.

غلام به وزیر گفت: مشکل تو چیست؟ گفت: سلطان سه سؤال  
مطرح کرده است. اگر جواب آنها را ندهم برکنار هستم. گفت: چیست؟  
گفت: خدا چه می خورد؟ چه می پوشد؟ چه کار می کند؟  
گفت: اتفاقاً من هر سه را خوب می دانم. گفت: راست می گویی؟!  
گفت: بله. متنهای دو تا را آن می گویم و سومی را فردا.

۱۱۰

خدا چه می خورد؟!

اما سؤال اول؛ این که خدا چه می خورد؟ خدا غم بندوهای خود را  
می خورد. هیچ چیز دیگری ندارد بخورد. خدا غنی مطلق است، فعال

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

مطلق است، رزاق مطلق است، زیبایی مطلق است. همه هستی را برای بنده‌های خود خلق کرده است. می‌خواهد این‌ها به سعادت و کمال برسند. همیشه نگران آن‌هاست.

می‌گوید: اگر بنده‌هایی که به من پشت کرده‌اند، بفهمند که چقدر من آن‌ها را دوست دارم، بنده‌ای آن‌ها از هم می‌گسلد و قالب تهی می‌کنند و از شوق من جان می‌دهند.<sup>۱</sup>

محال است صانع مصنوع خود را رها کند. محال است خالق مخلوق خود را رها کند. اگر یک صنعت‌گر صنعت زیبایی درست کند، یک نقاش نقش زیبایی بیافریند، مگر می‌شود آن را رها کند؟  
گفت: پاسخ سؤال اول این است که خدا غم بنده‌های خود را می‌خورد.

#### خدا چه می‌پوشد؟

اما این که خدا چه می‌پوشد؟ خدا عیب بنده‌های خود را می‌پوشد. کار ما همیشه خراب کردن است و کار او بوشش. ستاریت خدای متعال بسیار مهم است. این فرمایش مولا امیر المؤمنین علیه السلام است:

**لَوْ تَكَاشَفْتُمْ مَا تَدَافَتُمْ؛<sup>۲</sup> اگر هر یک از شما از عیب و نقص پنهان دیگری اطلاع پیدا می‌کردید، هیچ‌گاه یکدیگر را دفن نمی‌کردید.**

يعنى اگر پرده از روی کارها کنار برود، کسی کسی را دفن نخواهد

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۳۰.

۲- الأَمَالِي لِلصَّدُوقِ، ص ۴۶؛ بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۸۳.

کرد. اگر یک گرگ در نمای آنجا افتاده باشد، کسی نزدیک او نمی‌شود. ولی همه زیر چتر ستاریت خدا هستند.

مرحوم آیت الله بهجه<sup>ره</sup> در ملاقات‌ها ذکر یا ستار را زیاد می‌گفته است. بعضی از بزرگان هم که پرده‌هایی برای آن‌ها باز شده، از خدا می‌خواستند پرده را بینند. خیلی سخت است.

بعضی افراد انسان را به اشتیاه می‌اندازند. ولی خدا می‌داند درون آن‌ها چه خبر است. عکس آن هم ممکن است. بعضی ظاهری ندارند، ولی درون آن‌ها ممکن است خیلی خوب باشد.

### تمثال انسان در آسمان چهارم

خدا «أَظْهَرَ الْجَمِيلَ» و «سَتَرَ الْقَبِيحَ»<sup>۱</sup> است. خوبی‌ها را ظاهر می‌کند و بدی‌ها را می‌پوشاند. کار خدا عیب‌پوشی است.

بر اساس روایات، آنچه در عالم دنیا وجود دارد، قالب و مثال آن در آسمان چهارم هم وجود دارد. مثلاً تمثال امیر المؤمنین علی<sup>علیه السلام</sup> در آسمان چهارم وجود دارد. همه فرشته‌ها به دیدن آن می‌روند و زیارت می‌کنند. همه انسان‌ها هم یک تمثالی در آسمان چهارم دارند. هر کاری که ما انجام می‌دهیم، تمثال ما آن کار را انجام می‌دهد.

روایت شده است: وقتی بنده‌ای کار خوب انجام می‌دهد، فرشتگان کارهای خوب را می‌بینند. به محض این‌که مشغول کار ناروا و گناه و معصیت می‌شود، خدا به برخی از فرشتگان خود فرمان می‌دهد: با بالای خود آن تمثال

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

را بپوشانند. می فرماید: «لَّاَلْهَ أَكْبَرُ، تَعَالَى الْمَلَكُوتُ، تَا فِرْشَتَكَانَ آن را نیینند.»

خدای مهربان در آسمان چهارم هم مراقب ماست تا آنجا آبروی ما نرود و نگویند چقدر بد بندهای است! بعد می فرماید: این معنای «أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ» است.<sup>۱</sup>

### ستاریت مؤمن

امام باقر علیه السلام فرمودند:

يَحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَن يَسْتُرَ عَلَيْهِ أَخِيهِ سَبْعِينَ كَبِيرَةً<sup>۲</sup> بر مؤمن واجب است که هفتاد گناه کبیره را بر مؤمن پوشاند.

این هفتاد مورد هم از باب نمونه و مثال است. یعنی هر چقدر بدی از برادر خود دیدی بپوشان. این پوشاندن‌ها انسان را به خیلی جاهای رساند.

نقل شده جوانی ازدواج کرد. شب عروسی دید خانم او مشکل دارد. می توانست طلاق دهد و از او جدا شود. اگر هم افشا می شد، آبروی این خانواده می رفت. ولی گفت: خدایا، من با تو معامله می کنم و به احدی نمی گویم. می بپوشانم تو هم بپوشان. من با این خانم می سازم و او را هم توبه می دهم. می گویند: این جوان بعد توفیق پیدا کرد خدمت امام زمان علیه السلام شرف یاب شود.

بعضی متأسفانه ذره‌بین به دست می گیرند و دنبال عیب می گردند که

۱- الدعوات، ص ۶۰؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۷.

۲- الكافي، ج ۲، ص ۲۰۷؛ وسائل الشيعة، ج ۶، ص ۳۷۹؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۱.

افشا کنند. این صفت بسیار ناپسندی است. این طور افراد از ولایت خدا خارج می‌شوند و وارد ولایت شیطان می‌شوند. شیطان هم آن‌ها را قبول نمی‌کند. حقیقتاً اگر ستاریت خدا نباشد، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود.

اما پاسخ سؤال سوم؛ گفت: اجازه بدھید فردا بگویم.

فردا شد. وزیر غلام خود را هم برداشت و پیش سلطان آمد. خوشحال که من جواب‌ها را آوردہام. گفت: جواب آن‌ها را بگو. گفت: جواب سؤال اوں این است که خدا غم بندھهای خود را می‌خورد. جواب سؤال دوّم هم این است که خدا عیب بندھهای خود را می‌پوشاند. گفت: درست است، ولی راست بگو جواب‌ها را خود تو گفتی یا از جایی گرفتی؟ می‌دانست او این فهم را ندارد. گفت: حقیقت بهتر از همه چیز است. این غلام من انسان فهمیده‌ای است، جواب‌ها را ایشان داد و حق ایشان است.

گفت: پس لباس وزارت خود را دریاور و به این غلام بده. غلام هم لباس نوکری خود را دریاورد و به شما بپوشاند. جای شما باید عوض شود. از این تاریخ به بعد شما غلام این آقا و این آقا هم وزیر مملکت باشد. آن‌ها را جا به جا کرد.

114

### خدا چه کار می‌کند؟

بعد از این‌که آن‌ها را جا به جا کرد، وزیر گفت: ما که جایه‌جا شدیم، پس جواب سؤال سوم چه بود؟ گفت: اما جواب سؤال سوم؛ آیا هنوز نفهمیدی خدا چه کاری انجام می‌دهد؟ خدا از همین کارها انجام می‌دهد. در یک لحظه غلام را وزیر می‌کند و وزیر را هم غلام می‌کند.

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

قُلِ اللَّهُمَّ مَا لِكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَنْزَعُ الْمُلْكَ  
إِمَّا مَنْ تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ وَتُذْلِّ مَنْ تَشَاءُ يَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛<sup>۱</sup> بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانفرمای؛  
هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که  
خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت  
بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبی‌ها به  
دست توست، و تو بر هر چیز توانایی.»

چقدر رئیس جمهور بودند که به زندان افتادند و چقدر انسان‌هایی  
گوشه زندان بودند و رئیس جمهور شدند. خدا خیلی بالا پایین می‌کند،  
امتحان‌های عجیب برای همه دارد. از این نمونه‌ها فراوان است. خدا هر  
چه دارد خرج بنده‌های خود می‌کند. باید به خدا خوشبین بود. بدانیم که  
ما را رها نمی‌کند، دعاهای ما را بی پاسخ نمی‌گذارد.

### حق انتخاب را برای خدا بگذاریم!

خدا قطعاً دعاها را پاسخ می‌دهد، ما باید دعا کنیم. اصرار در دعا هم  
بکنیم. نیازهای خود را هم دائم به خدای متعال بگوییم، ولی حق انتخاب  
را به خدا بدھیم. این که خدا چگونه و به چه کیفیتی و چه وقت اجابت  
می‌کند، این را به خدا واگذار کنیم. ممکن است خدا عین همان خواسته  
ما را اجابت کند و ثواب دعا هم به ما بدهد. ممکن است خدای متعال  
همان خواسته ما را با تأثیر به ما بدهد. چنان‌که حضرت موسی علیه السلام  
فرعون را نفرین کرد و خداوند فرمود:

۱- سوره آل عمران، آیه ۲۶.

قَالَ قَدْ أُجِيَّتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَتَّبَعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۱</sup> فرمود: «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکنید.»  
یعنی کار تمام است، پرونده بسته شده، اما چهل سال طول کشید.  
چون سلاطین دستاورده اعمال خود ما هستند. تا تویه نکنیم، ممکن است اجل او نرسد. بر اساس حکمت‌هایی که خود او می‌داند مهلت می‌دهد.  
پس ممکن است دعا را به تأخیر بیندازد. تأخیر بعضی موقع روی حکمت و شرایط است. بعضی موقع هم عاشقانه است.

### تأخیر اجابت مؤمن

از جابر بن عبد الله روایت شده است که جبرئیل موکل حاجات بندگان خدادست. هنگامی که مؤمنی دعا می‌کند، خدا می‌فرماید:  
يا جَبَرِيلَ احِسْنْ حَاجَةَ عَبْدِي فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَ أُحِبُّ صَوْتَهُ<sup>۲</sup>  
ای جبرئیل دعاиш را نگه دار که من او را و آوازش را دوست دارم.

دنیات نداده‌اند، نه از خواری توست      کونین فدای یک نفس زاری توست  
هر چند دعا کنی اجابت نکنم      زیرا که مرا محبت زاری توست  
خدا می‌گوید: من ناله تو را دوست دارم، «یا رب» تو را دوست دارم،  
گریه تو را دوست دارم! اگر من در را باز کنم، می‌روی و دیگر

۱- سوره یونس، آیه ۸۹

۲- بحار الانوار، ج ۵۶، ص ۲۵۸

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

برنمی‌گردد. مثل شعله‌ها. هر چه تو در بزني برای تو ذخیره می‌کنم. میلیارداها ذخیره می‌کنم.

مثل بچه‌ای که پافشاری دارد برای من موتور بخر. پدر و مادر این قدر او را دوست دارند. مدام برای او چیز می‌خرند. می‌گویند: پول آن موتور را به حساب او می‌ریزیم. ولی این صلاح او نیست. ما آقازاده نیستیم. اگر پول و مقام به ما بدهند، معلوم نیست چه خواهیم کرد. این خیلی تجربه شده است.

### عذرخواهی خداوند!

روز قیامت خدای بزرگ، خدای غنی مطلق، خدایی که همه کارهای او عین حق و صلاح و ستایش شده است، از عده‌ای عذرخواهی می‌کند. نه از انبیا عذرخواهی کند، نه از شهدا که جان خود را داده‌اند، نه از علماء که زحمت کشیده‌اند، نه از حکام عادل که وقت خود را برای حفظ مملکت و مردم و رعیت گذاشته‌اند، از هیچ کدام عذرخواهی نمی‌کند. فقط از فقرایی که قانع و راضی هستند و با فقر صبر می‌کنند و گلایه و شکایت نمی‌کنند عذرخواهی می‌کند. از کسی که مشکلات اقتصادی دارد، در فقر می‌سوزد و واقعاً صبور است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤهُ لِيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُحْوِجِ فِي الدُّنْيَا  
كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخْرُجُ إِلَى أَخِيهِ<sup>١</sup> خداوندی که ستایش او بس عظیم است، از بنده‌اش که در دنیا محتاج و فقیر بوده است،

۱- الكافی، ج ۲، ص ۲۶۴؛ عدة الداعی، ص ۱۱۷؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۱۸۱.

پوزش می‌خواهد، چنان‌که برادر از برادرش پوزش می‌خواهد.  
مثل یک برادر مهربانی که با شرمندگی از برادرش عذرخواهی می‌کند، خدای بزرگ غنی، از بنده مؤمن فقیر خود عذرخواهی می‌کند. از فقرای نیازمند آبرومندی که گلایه و شکایت نکردند، عذرخواهی می‌کند. بعد می‌فرمایید:

وَعِزَّتِي وَجَلَالِي مَا أَحْوَجْتُكَ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ كَانَ بِكَ عَلَىٰ؛ به عزت و جلالم سوگند که تو را در دنیا به خاطر بی‌مقدار بودنت فقیر نساختم!

فَأَرْفَعْ هذَا السَّبْجَفَ فَانظُرْ إِلَيْ ما عَوَضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا قَالَ فَيَرْفَعُ فَيَقُولُ ما ضَرَرْنِي مَا مَنَعَنِي مَعَ ما عَوَضْتَنِي؛ پرده بردار و بین به جای دنیا به تو چه دادهام! او پرده را بر می‌دارد و می‌گوید: با این عوض که عطا فرمودی، زیانی به من ندارد آنچه از دنیا از من باز گرفتی!

بنابراین، گاهی خداوند برای برخی از بندگانش ذخیره می‌کند، به طوری که وقتی آن‌ها را می‌بیند اظهار رضایت می‌کنند.

### ظرفیت اجابت در دنیا

۱۱۸

گاهی دنیا ظرفیت اجابت دعاها را ندارد. می‌گویند: کسی دو دختر داشت. به دیدن یکی از دختران خود رفت. احوال او را پرسید. گفت: شوهر من کشاورزی دارد، بذرها را کاشته است. اگر باران بیارد وضع ما خیلی خوب می‌شود. ولی اگر باران نبارد و رشکست هستیم. گفت: إن شاء الله خدا باران رحمت می‌دهد!

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

بعد از لحظاتی به دیدن دختر دوّم خود آمد و گفت: شما چطور هستید؟ گفت: می‌دانید شوهر من سفالگر و کوزه‌گر است. کوزه و سفال درست می‌کند، همه این‌ها را قالب‌گیری کرده و زیر آفتاب گذاشته تا خشک شود. فقط دعا کن باران نبارد. اگر باران بیارد، تمام این‌ها از بین می‌رود و ما ورشکست می‌شویم.

هر دوی آن‌ها هم در یک منطقه هستند، باران بیارد یا نبارد؟ این پدر مهریان دعا کند در یک زمان باران بیارد یا نبارد؟ در بعضی موارد ظرفیت اجابت در دنیا نیست.

گاهی این دنیا ظرفیت اجابت را ندارد. یک وقت‌هایی هم ما ظرفیت آن را نداریم. چون ظرفیت نیست چاره نیست، جز این که تسلیم شویم و قبول کنیم.

### فساد در عبادت

گاهی اوقات عوض دعا را می‌دهند و عوض از دعاها را بهتر از آن خواهند داد. مسائل معنوی هم همین طور است. گاهی بندهای از خدا طاعت می‌خواهد، نماز شب می‌خواهد. حال خوش معنوی می‌خواهد. اگر این آقا بیدار شود و دو سه ماه نماز شب بخواند، غرور او را می‌گیرد و همین غرور او را به زمین می‌زند. ممکن است ادعای پیغمبری هم بکند. و این خیلی خطرناک است.

خطر غرور از خطر گناهان دیگر بیشتر است. امام سجاد علیه السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید:

وَعَبَّدْنِي لَكَ وَلَا تُفْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ؛<sup>۱</sup> وَمَرَا بِرَاهِي  
بَنْدَگِي خودت رام ساز و عبادتم را به عجب و خودپسندی تباہ  
مگردان!

يعنى خدايا، توفيق عبادت و بندگى به من بدھا ولی بلا فاصله آفت آن  
را متنذکر می شود. می فرماید: مبادا عجب و غرور برای من بیايد که من از  
بین بروم.

از امام باقر علیہ السلام روایت شده است که فرمود:

قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنَّ مِنْ عِبَادَى الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَسْأَلُنِى الشَّىءَ  
مِنْ طَاعَتِى فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ حَافَةً إِلِّا عَجَابٍ؛<sup>۲</sup> خداوند سبحان  
فرمود: برخی از بندگان مؤمن من، از من توفيق بعضی از  
طاعات را می خواهد. اما من توفيق آن عمل را از آنها  
بر می گردم، از ترس این که مبادا دچار خودپسندی گردد.  
خدای مهریان به جای این که خواسته ما را بدھد، بهتر از آن را  
مرحمت می کند. چیز بهتری می دهد.

### توجه به مقامات اخروی

نقل شده است که منصور دوننقی عده‌ای از سیدها را گرفت و زندانی  
کرد. همه قاری قرآن بودند. در بین آنها برخی مستجاب الدّعوة بودند.  
آنها را خیلی شکنجه می داد. بعضی از این ساداتی که شکنجه می دیدند،  
آمدند به بزرگ‌تر خود که مستجاب الدّعوة بود گفتند: شما مستجاب

۱۲۰

۱- الصحيفة السجادية، ص ۹۲

۲- عدة الداعي، ص ۲۳۷؛ الجواهر السننية، ص ۶۴۲؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۳۲۲

### گفتار ششم: دعا و معرفت به خدا

الدّعوّة هستید، دعا کنید خدا ما را از زندان نجات دهد.

گفت: من حرفی ندارم دعا کنم. ممکن است خدا هم اجابت کند. اگر رضای او باشد. ولی این را به شما بگویم: خدای متعال برای منصور در کی در جهّنَم درست کرده که با این آزارها به آنجا خواهد رسید. برای شما هم در افق بالای بهشت، مقام‌هایی قرار داده که با صبر بر بلا به آن مقامات می‌رسید. حالا انتخاب کنید. می‌خواهید دعا کنم؟

گفتند: خیر. ما این همه صبر کردی‌ایم، این چند روز هم صبر می‌کنیم تا به آن درجه و مقام دست یابیم.

خدا گر ز حکمت بینند دری  
ز رحمت گشاید در دیگری

### انصراف از شفای چشم

ابو بصیر یکی از یاران خوب امام باقر و امام صادق علیهم السلام بود. نایبنا بود، ولی روح بلند و ایمان کاملی داشت. روزی خدمت امام باقر علیهم السلام آمد و گفت: مگر شما امام نیستید؟ مگر کارها دست شما نیست؟ مشیت خدا دست شماست. شما می‌توانید کن فیکون کنید. شما حدائق مستجاب الدّعوّة هستید. دعا کنید چشم من بینا شود. اصرار کرد.

حضرت دعا کردند، بینا شد. همه جا را می‌بینند. ولی حضرت به او فرمودند: خدا این ابتلا را به شما داد که نایبنا بی باشی. اگر تا آخر عمر صبر کنی، من از طرف خدا برای شما بهشت برین و ماندن دائم در بهشت در جوار اهل‌بیت را ضمانت می‌کنم. شما کدام را انتخاب می‌کنید؟

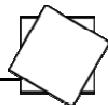
فکر کرد که ممکن است انسان با این چشم خود هزاران گناه انجام

دهد و در آتش برود. آن طرف ضمانتی نیست، ولی این طرف ضمانت است. گفت: خیر من همان را می‌خواهم. تا حالا صبر کردیم، بقیه را هم صبر می‌کنیم. من راضی به انتخاب خدا هستم.<sup>۱</sup> قطعاً بدانید اگر در دنیا جایی برای ما کم گذاشته شد، در آنجا حتماً خدا چندین برابر جبران می‌کند.

عاشقم بر لطف و بر قهرش به جد  
بُل عجب من عاشق این هر دو ضد  
ناخوش او خوش بُود بر جان من  
جان فدای یار دل رنجان من

گاهی خدا تکانی به دل ما می‌دهد، نوازشی می‌کند، گاهی ما را گاز می‌گیرد! همین هم زیباست. کمی زیبایی‌ها را درک کنیم.

## گفتار هفتم



---

دعا و خوشبینی به خدا (۱)



## رتبه دعا

یکی از بهترین وسایل قرب ما به خدای متعال، عرض ادب، دعا و نیایش و گفت‌و‌گوی با خداست.

دو نفر در دنیا عمل واحد داشتند. هر دو نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، احسان می‌کردند، صله رحم می‌کردند. هر دوی این‌ها وارد بهشت می‌شوند، ولی به یکی رتبه بالا می‌دهند، به یکی رتبه پایین. آن کسی که پایین است، به خدا متعال عرض می‌کند:

**رَبِّ إِيمَانِيْهَ وَ كَانَ عَمَلُنَا وَاحِدًا<sup>۱</sup> پروردگارا، عمل ما دو**

نفر یکی بود، این مقام برتر او در برابر چیست؟

به یک اندازه حسنات داشتیم، ولی چطور شد این شخص بالا رفت و من پایین هستم؟ می‌فرماید:

**سَأَلَنَّى وَ لَمْ تَسْأَلْنَى؛ او از من درخواست کرد و تو نکرد!**

چون او در خانه من گدایی می‌کرد، دعا و نیایش داشت و شما نداشتی. یعنی خود دعا منهای حاجات و درخواست‌هایی که داریم، به آدم رتبه و درجه می‌دهد.

---

۱- عدۀ الداعی، ص ۴۲؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۴؛ بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۲۱

در دعاهای حالت تحکّم نباشد. در برابر خدای متعال روح رضایتمندی و تسليم باشد. ممکن است خداوند همان خواسته ما را اجابت کند، ممکن است بهتر از آن را بدهد و برای ما ذخیره کند. یعنی دعا را به عنوان یک سرمایه و اندوخته برای ابدیّت خود بدانیم. ممکن است به خاطر دعا بلا را بردارد. بنا بوده بلاهایی به ما برسد، امواج بلا با دعا برداشته می‌شود. یا کفاره گناهان می‌شود، یا شواب و پاداش می‌دهد، یا درجه و مقام می‌دهد. در هر صورت از دعا کردن نه خسته شویم، نه مأیوس.

### حسن ظن به خدا

یکی از شرایط اجابت دعاهای حسن ظن به خداست. یک علامت مؤمن این است که به خدا خوشبین باشد. یعنی اگر هم حاجتی برآورده نمی‌شود، یا پیشامدهایی می‌شود، به خود نسبت بدهد. نسبت به خدا، جز جمال و زیبایی و خوشبینی چیز دیگری نباشد. هم بدبینی به خدای متعال در روایات ما و در قرآن مذمّت بسیار فوق العاده‌ای شده و هم از خوشبینی بسیار تمجید شده است.

خوشبینی یعنی این که بگوییم: خدای خوبی داریم، به ما مهربان است، کارهای ما را راه می‌اندازد، دعای ما را اجابت می‌کند، فضل و لطفش ریزش دارد، ما را رد نمی‌کند، ما را رها نمی‌کند. همه خوبی‌ها را به خدا نسبت بدهیم و امیدوار باشیم که خدا لطف خود را هیچ وقت قطع نمی‌کند. در دعاهای هر روزه ماه رجب می‌خوانیم:

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا<sup>(۱)</sup>

يا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ حَيْرٍ وَآمُنْ سَخَطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍ؛ اى  
خدایی که از او امید هر خیر و احسان دارم. و نزد هر شری از  
خشم او ایمنی می‌جویم!

این دعای جامعی است. یعنی خدایا، من در همه خیرها به تو امیدوار  
و خوشبین هستم. همچنین می‌گوییم: من از سخط و غضب خدا در هر  
شری ایمن هستم. یعنی با وجود همه بلاها، گرفتاری‌ها، پیشامدها، حتی  
اگر من را جهنه ببرد، می‌دانم که خداوند بد من را نمی‌خواهد.

این یعنی امیدواری محض نسبت به فضل و کرم خداوند. هیچ وقت  
نسبت نادرست به خدا ندهیم. منشأ جهنه رفتن، در سوءظن به خداست.  
این دو جمله از دعا ریشه بدینی به خدا را می‌زنند. یعنی من در امان  
هستم، یا خود را از سخط خدا در امنیت قرار می‌دهم. خدا با من کنار  
می‌آید. اگر هم جهنه وجود دارد، بلاعی وجود دارد، به خاطر خود من  
است. بدی را به خود نسبت بدهم. هر شری، شر خود من است. به او  
نسبت ندهم.

## بزرگ‌ترین گناهان کبیره

رسول خدا<sup>صلوات الله عليه و آله و سلم</sup> فرمودند:

**أَكْبَرُ الْكَبَائِرُ سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛**<sup>۲</sup> بزرگ‌ترین گناه کبیره، بدینی  
و سوء ظن به خداست.

بسیاری از گناهان صغیره است. به گناهانی که وعده عذاب الهی داده

۱- الكافی، ج ۴، ص ۵۵۹؛ الاقبال، ج ۲، ص ۶۴۴؛ مفاتیح الجنان، ص ۲۶۳، اعمال مشترک ماه ربیع.

۲- نهج الفصاحة، ص ۲۳۶

شده است، گناه کبیره می‌گویند. تعبیر به «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ» بسیار کم داریم. تعبیر بسیار تندي است. بزرگ‌ترین گناهان بزرگ، بدین بودن به خدای متعال است.

بدین بودن یعنی چه؟ یعنی این‌که بگوییم: خدا من را نمی‌آمرزد، خدا توبه من را قبول نمی‌کند، می‌دانم این خدا به من سخت می‌گیرد، من را نمی‌بخشد، رزق من را نمی‌دهد، دعای من را مستجاب نمی‌کند، من را رها کرده است، من را جهنّم می‌برد، این بدترین گناهان کبیره است. وقتی کسی سوءظن به خدا پیدا کرد، به کفر کشیده می‌شود. بسیاری از این سوءظن‌ها منجر به صفات بد و رذایل اخلاقی می‌شود.

### با سه کس مشورت نکن

امیر المؤمنین علیه السلام به مالک اشتر فرمودند: با سه کس مشورت نکن:

(۱) لَا تُدْخِلَنَ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَخْذُلُكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعِدُكَ الْفَقْرُ؛ در مشورت خود بخیل را شرکت مده، که تو را از احسان ناتوان و محروم سازد و از فقر بترساند.

اگر خواستی با کسی مشورت کنی، با آدم‌های بخیل مشورت نکن؛ چون آدم‌های بخیل مدام می‌گویند: به فقر گرفتار می‌شوی و شما را از سخاوت و ریزش و فضل به دیگران باز می‌دارند. مدام می‌گویند: انفاق نکن.

(۲) وَ لَا جَبَانًا يُضْعِفُ عَلَيْكَ الْأُمُورَ؛ ترسو را نیز به مشورت نگیر که کارها را بر تو دشوار می‌کند و ناتوانیت را جلوه می‌دهد.

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا<sup>(۱)</sup>

آدم ترسو شجاعت را از انسان می‌گیرد و او را به ضعف می‌کشد.  
مدام دست روی نقطه‌های ضعف می‌گذارد. چنین می‌شود، چنان  
می‌شود.

<sup>(۲)</sup> وَ لَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّةِ بِالْجُحُودِ؛ وَ حَرِيصٌ وَ آزَمَنْدٌ  
را نیز به مشورت نگیر که مال اندوزی ستمگرانه را در نگاهت  
بیاراید!

آدم‌هایی که دنبال افزون‌طلبی و زیاده‌خواهی هستند، مدام می‌خواهند  
جمع کنند و بیش از اندازه و نیاز می‌طلبند. مشورت با آنان باعث می‌شود  
شما را هم به افزون‌طلبی و حرص و ولع بیندازد.

حضرت آدم را حرص از بهشت بیرون کرد. همه چیز برای او مباح  
بود، اما فرمودند: این گندم را نخور. حرص باعث شد که گندم را بخورد  
و از بهشت بیرون بیاید.

یعنی حرص آدم را از رفاه و آسایش و راحتی و بهشت بیرون می‌برد.  
هر زمان حرص را کنار گذاشتی، به بهشت برمی‌گردي.

### سوء ظن به خدا؛ منشأ خصلت‌های ناپسند

بعد از این سه مورد فرمودند:

**غَرَائِيزُ شَتَّى يَجْمِعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛**<sup>(۱)</sup> این سه، خوهای  
مختلفی هستند که جامع همه سوء ظن به خداست.

یعنی این سه غریزه رشت و پلید که عبارت باشد از بخل و ترس

۱- تحف العقول، ص ۱۲۹؛ نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۶۰۲.

و حرص دنیا، همه ریشه در بدینی به خدای متعال دارد.  
آدم بخیل می‌گوید: اگر بدهم خدا نمی‌دهد، به خدا امیدوار نیست، به خدا بدین است که انفاق نمی‌کند.

آدم ترسو توکل به خدا ندارد، به خدا تکیه نمی‌کند. اگر به خدا خوشبین باشد، با کمال آرامش و شجاعت کارها را انجام می‌دهد.  
آدم حریص هم که مدام جمع می‌کند، باز این به خدا بدین است.  
نمی‌گویند خدا «خَيْرُ الرَّازِقِينَ» است، خدا «رَزَاقٌ» است، به موقع می‌رساند. نمی‌گوید: خداوند عمل آینده را از من نخواسته، من هم از خدا رزق آینده را نمی‌خواهم.

حضرت امیر علیؑ می‌فرمایند: جامع این خصلت‌های ناپسند سوء‌ظن به خدای متعال است. ریشه آن، بدینی به خداست.

پس اگر روایات ما می‌فرماید: بدینی به خدا «أَكْبَرُ الْكَبَائِرِ» و بزرگ‌ترین گناهان کبیره است، به خاطر این است که منشأ بسیاری از خصلت‌های ناپسند و رذائل اخلاقی است. انسان را به کفر و جدا شدن از خدا وادار می‌کند. قرآن می‌فرماید:

وَظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا<sup>۱</sup> وَ گمان بد کردید،  
و شما مردمی در خور هلاکت بودید.

يعنى شما گمان بد به خدای متعال بردید و هلاک شدید. بدینی به خدا انسان را از همه خوبی‌ها و خیرها و رذائل و صفات خوب جدا می‌کند و او را به اعماق جهنم می‌برد.

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا<sup>(۱)</sup>

### خدای حنان

خواندن دعای جوشن کبیر در شب اوّل ماه مبارک رمضان مستحب است. دعایی به جامعیت دعای جوش کبیر نداریم. هزار اسم و صفت خدای متعال در این دعا آمده است که معانی بس بلندی دارد. یکی از اسمای خدا که در این دعا آمده است «حنان» است.

از امیر المؤمنین علیه السلام سؤال کردند: معنای حنان چیست؟ فرمودند:

**الْحَنَانُ هُوَ الَّذِي يُقْتَلُ عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ؛**<sup>۱</sup> حنان به کسی می‌گویند که به کسی که از او اعراض کرده است رو می‌آورد. خدای حنان، یعنی خدایی که روی می‌آورد به بندهای که از او اعراض و فرار کرده است. مثل بچه‌ای که می‌خواهد از خانه فرار کند، پدر و مادر می‌آیند ناز او را می‌کشند، نوازش می‌کنند، التماس می‌کنند، آنقدر او را نوازش و محبت می‌کنند تا فرار نکند.

### اشتیاق خداوند

خداوند به حضرت داود وحی فرمود:

يَا دَاوُدُ لَوْ يَعْلَمُ الْمُدْبِرُونَ عَنِّي كِيفَ انتظارِي لَهُمْ وَرَفْقَى  
هِمْ وَشَوْقِي إِلَى تَرْكِ مَعَاصِيهِمْ لَكَثُوا شُوقًا إِلَيَّ وَ  
تَقْطَعَتْ أُوصَالُهُمْ مِنْ مَحَبَّتِي؛<sup>۲</sup> ای داود، اگر بندگان فراری ام  
می‌دانستند که من چقدر متظر آن‌ها هستم و چقدر با آنان  
مدارا می‌کنم و چقدر به ترک گناهانشان اشتیاق دارم، از شوق

۱- مجمع البحرين، ج ۶، ص ۲۴۰.

۲- جامع السعادات، ج ۳، ص ۱۳۰.

دیدار من جان می‌سپردند و از محبت من اعضای بدنشان

قطعه قطعه می‌شد!

خداؤند می‌فرماید: اگر کسانی که از من اعراض کردند، بدانند که من خدا چقدر آن‌ها را دوست دارم و انتظار برگشت آن‌ها را دارم و شوق دارم این‌ها گناه را ترک کنند و به طرف من بیایند، از شوق من قالب تهی می‌کنند و می‌میرند. ای کاش بدانند! به خاطر محبت، من بند بند بدنشان از هم جدا می‌شود. بعد فرمود:

یا داؤد! هَذِهِ إِرَادَتِي بِالْمُلْدِبِرِينَ عَنِّي فَكَيْفَ إِرَادَتِي بِالْمُقْلِبِينَ  
علیٰ؛ ای داؤد! این اراده من نسبت به بندۀ‌های فراری است.  
آن کسانی که با اقبال و میل به سمت من می‌آیند، با آن‌ها چه خواهم کرد؟!

آن‌ها را چقدر نوازش می‌کنم! حضرت امیر علی‌الله در دعای روز شنبه عرضه می‌دارد:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُقْبِلُ عَلَىٰ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِهِ التَّوَابُ عَلَىٰ  
مَنْ تَابَ إِلَيْهِ مِنْ عَظِيمٍ ذُنُبِ السَّاخِطُ عَلَىٰ مَنْ قَنَطَ مِنْ وَاسِعِ  
رَحْمَتِهِ وَتَبَسَّمَ مِنْ عَاجِلٍ رَوْحِهِ؛<sup>۱</sup> معبدی جز خدا نیست. آن خدایی که به کسی که از یاد او اعراض می‌کند، روی می‌آورد. توبه کسی را که از گناه بزرگش به سوی او توبه کند، می‌پذیرد. خدایی که بر کسی که از رحمت گسترش نالمید گردد و از روح و شادمانی نزدیکش مأیوس باشد، خشمگین می‌شود!

## شناخت صاحب خانه

اصل ورود دعای جوشن کبیر برای شب اوّل ماه است. شاید رمز آن این باشد که ما در ماه رمضان مهمان خدا می‌شویم. آدم اوّل باید صاحب خانه را بشناسد و بداند مهمان چه کسی می‌شود. حنان کیست، منان کیست، رحیم کیست، رحمان کیست؟

و عجیب است که در این دعای بزرگ جوشن کبیر شاید به اندازه انگشتان دست خود اسم غصب پیدا نکنید. مدام اسم‌های جمال و رحمت است. «اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»، «أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ»، «أَجْوَدُ الْأَجْوَدِينَ»، «مَلْجَأُ الْعَاصِينَ»، «مَلْجَأً كُلَّ مَطْرُوِّهٍ»! خدا می‌گوید: من به طرد شده‌ها پناه می‌دهم. باید بدانیم با چه کسی می‌خواهیم گفت و گو کنیم، بر چه کسی وارد می‌شویم.

مرحوم آقا سید کمال موسوی ره از نزدیکان حضرت امام و شاگردان ایشان، مرد بزرگواری بود. جلسات خصوصی داشت. ایشان در جلسات خود مقید بود بخشی از این جملات جوشن کبیر را بخواند.

## بهترین حسابرس

۱۳۳

در بند پنجاه و دو دعای جوشن کبیر می‌خوانیم:

**يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ؛** ای کسی که خوب حسابگری هستی!

«نعم» یعنی خوب. یعنی خوب خدایی هستی، خوب آقایی هستی! «يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ»، یعنی ای خدایی که خوب حسابرسی هستی! خدا کند همیشه حساب ما با خودش باشد، حساب به دست خلق نیفتند که آدم را به سختی می‌اندازند. بعد هم حق آدم را نمی‌دهند.

هیچ کس مثل پیغمبر ما برای خلق نگران نبوده و طرفداری خلق را نکرده است. برای همین هم افضل همه انبیا شده است.

در شب معراج پیغمبر عظیم الشأن ﷺ به خدای مهریان عرض کرد: بار پروردگار!! در امت من گنهکار وجود دارد. حساب آنها را به من واگذار کن تا نزد دیگر امت‌ها مفتخض و شرمنده و سرافکنده نشونند.

پیغمبر از روی محبت و دلسوزی این را فرمودند. بین خدا چقدر مهریان‌تر و دلسوز‌تر است. خدای متعال روی دست پیغمبر ما زد. فرمود:

يا حبيبي آنا آرَأَفُ بِعِبادِي مِنْكَ فَإِذَا كَرِهْتَ كَشْفَ عُيُوبِهِمْ  
عِنْدَ عَيْرِكَ فَآنَا أَكْرَهُ كَشْفَهَا عِنْدَكَ أَيْضًا فَأُحَاسِبُهُمْ  
وَحْدَى بِحِيثُ لَا يَطْلُعُ عَلَى عَشَراتِهِمْ غَيْرِي؛<sup>۱</sup> ای حبيب  
من، من به بندگانم از تو مهریان‌ترم. اگر تو خوش نمی‌داری  
که زشتی‌هایشان نزد غیر خودت آشکار گردد، من نمی‌خواهم  
تو نیز از آن آگاه گردد. پس من به تنها‌یی از آنان حساب  
می‌کشم؛ آن‌چنان که جز من کسی از گناهانشان آگاه نشود!

### حسابرس خود باش!

از این بالاتر چیست؟ مرحوم حاج آقای دولابی می‌فرمودند: خدا در قرآن از این بالاتر هم فرموده است:

أَفْرَأُ كِتابَكَ كَفِي بِنَفْسِكَ الِيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا؟<sup>۲</sup> نامهات را بخوان؛ کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.

### گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)

خدا می‌گوید: من نامه عمل تو را دست خود تو می‌دهم. خودت بخوان، خودت هم قضاوت کن. خودت حسابرس خود باش، من تو را قبول دارم.

خیلی عجیب است. به یک معنا می‌خواهد بگوید: من هم نگاه نمی‌کنم. خود تو قضاوت کن. قضاوت‌های خوبی بکنیم. فال خوب بزنیم. بگوییم: خدایا! همه پرونده من سیاه است، ولی تو بیخش! من را به بهشت ببر!

در این آیه بسیار بشارت وجود دارد! «**كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيُومَ عَلَيْكَ حَسِيبًا**»، یعنی من خود تو را قبول دارم، شما درست قضاوت کن. متنهای آدم‌های کافر و منافق قضاوت بدی می‌کنند. می‌بینند و می‌گویند: ما مستحق جهنّم هستیم. به خدا بدین هستند. اگر همان‌جا هم واقعًا خوشبین باشند، خوب بینند، بگویند خدا می‌بخشد، برای خدا کاری ندارد.

### بهترین طبیب

**يَا نَعْمَ الطَّيِّبُ؛** ای خدایی که طبیب خوبی هست!

طبیب خیر بیمار خود را می‌خواهد، می‌خواهد او را نجات بدهد، از او دست‌گیری کند. چه طبیبی بهتر از خدا؟

### بهترین مراقب

**يَا نَعْمَ الرَّقِيبُ؛** ای خدایی که خوب نگهبانی هست!

مواظب هستی. خدا رقیب و مراقب ماست. اگر ملائکه و پیغمبر

و امام هم نبینند که می‌بینند، خود خدا نگهبان خوبی است. خدا مراقب بندهای خود است.

### تیر و تور و تار خداوند

مرحوم حاج آقای دولابی فرمودند: خدا هم تیر دارد، هم تور دارد، هم تار دارد.

تیر برای آن کسانی است که فراری‌اند. مانند آهوی و حشی آن‌ها را شکار می‌کند. فراری‌ها را با تیر شکار می‌کند. این تیرها همان گرفتاری‌ها و ابتلائات است. سر او به سنگ می‌خورد و ناله او بلند می‌شود، گرفته یار می‌شود. آنقدر به او می‌زند که «یا رب» و «یا الله» او بلند شود و برگردد.

برای کسانی که خیلی فراری نیستند، متوسط هستند، تور پهن می‌کند. دوست خوب، جلسه خوب، کتاب خوب، همه تورهای خداوند است. دام گسترده‌الهی گسترده شده است تا کسانی را که در راه خدا هستند صید کند و به سمت خدا ببرد.

سومی که بسیار زیباتر است تار است. برای کسانی که رو به خدا می‌آورند تار دارد. با تار آن‌ها را نوازش می‌کند. او در قلب و روح و جان می‌نوازد. تلنگرهایی می‌زند که دل آن‌ها از جا کنده شود و به طرف خدا برود.

مرحوم آیت الله بهاءالدینی این شعر را زیاد تکرار می‌کردند: آواز خدا همیشه در گوش دل است      کو دل که دهد گوش به آواز خدا همان نغمه‌ها و الهامات الهی. همان وجdan و فطرت که خدا به

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)

وسیله آن با همه گفت و گو می‌کند. اگر گفت و گو نکند و حجت را تمام نکند، هیچ‌کس رستگار نمی‌شود. تا حجت تمام نشود، خدا کسی را توبیخ نمی‌کند.

### نجوای خداوند با بندگانش

می‌گوید: من در جای جای زندگی خود را به تو نشان دادم. با تو صحبت کردم. در بسیاری اوقات خدا با انسان صحبت می‌کند. امیر المؤمنین علیه السلام می‌فرمایند:

ما بِرَحْ لَهِ عَرَّتْ آلاءُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي آزْمَانِ  
الْفَتَرَاتِ عِبَادُ نَاجَاهُمْ فِي فِكْرِهِمْ وَ كَلَمَهِمْ فِي ذَاتِ  
عُقُولِهِمْ؛<sup>۱</sup> خداوند را - که گرامی است نعمت‌های او - همواره،  
در هر زمانی، و در فاصله‌های طلوع پیامبران، بندگانی بوده و  
هست که در فکر و باطن با آنان مناجات می‌کند و در عمق  
خردها با ایشان سخن می‌گوید!

خدا با انبیا به وسیله وحی صحبت می‌کند. و با همه خلق خود هم به نحو دیگری صحبت می‌کند؛ با همه موجودات مخصوصاً با انسان. این نداهای درونی بسیاری را متحول کرده و به سمت خدا کشیده است.

### بهترین نزدیک

يَا نِعَمَ الْقَرِيبُ؛ اى خدایی که خوب نزدیکی هستی!

در میان موجوداتی که به ما نزدیک هستند؛ هیچ‌کس نزدیک‌تر از

۱- نهج البلاغه، خطبة ۲۲۲؛ ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۵۹؛ بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۳۲۵.

خدای مهربان نیست. از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. اصلاً نمی‌توانیم این را معنا کنیم. از رگ گردن نزدیک‌تر یعنی چه؟ یعنی ما هیچ هستیم و هرچه هست اوست. یعنی حول ما، قوّة ما، ظاهر ما، باطن ما، هستی ما، نفس ما، همه از خداداست. ما هیچ هستیم.

**وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدَ<sup>۱</sup>** و ما از شاهرگ او به او نزدیک‌تریم.

این آیه را نمی‌توانیم معنا کنیم. درک کردنی و یافتنی است. اگر درک کردیم، همه مشکلات ما حل است.

### حدود الٰهی

یکی از بزرگان می‌فرمودند: ما آیه و حدیث داریم که به حد خدا تجاوز نکنید. از حد خود پا را فراتر نگذارید.

**تِلْكَ حُدُودُ اللهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا<sup>۲</sup>** این‌ها حدود و مرزهای الٰهی است. از آن تجاوز نکنید!

از حد خود تجاوز نکنید. معنای ظاهری آن این است که آدم به حد دیگران تجاوز نکند، به حریم آبرو و مال و جان مردم، تجاوز نکند. اما معنای دیگر این است که به حد خدا هم تجاوز نکنید. خوب بیاییم یک خط‌کش بگذاریم، بگوییم تا اینجا حد من است، از اینجا به بعد حد خدادست.

معنای بسیار لطیفی است. اگر این را خوب دقّت کنید، نتیجه آن

۱- سوره ق، آیه ۱۶.

۲- سوره بقره، آیه ۲۲۹.

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)

خیلی زیبا درمی‌آید. ایشان فرمودند: ما مهندسان را آوردیم، انبیا را آوردیم که بیایند معین کنند تا اینجا حد خدا، از اینجا حد من است و من نباید پا به حد خدا بگذارم.

هر کجا خط کش گذاشتیم، دیدیم برای خداست. شما یک جا پیدا کن که بتوان گفت اینجا برای خدا نیست. روی بدن خود گذاشتیم. گفتند: برای خداست. روی چشم خود گذاشتیم. گفتند: برای خداست. روی دل خود گذاشتیم، گفتند: برای شما نیست، برای خداست. آیا لاحدی او برای ما حد می‌گذارد؟ همه برای خداست!

### بی‌حدی خداوند

نکتهٔ ظریفی است، یعنی ما هیچ حدی برای خود نباید قائل باشیم. هیچ حدودی برای ما نیست. اصلاً لاحدی او برای هیچ کس حد نگذاشته است. آیه «الله نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»<sup>۱</sup>، فاتحهٔ همهٔ ما را می‌خواند. یعنی همهٔ ما در سیطرهٔ رحمت او، لطف او، وجود او، هستی او هستیم. یعنی هستی مطلق او، برای کسی هستی نمی‌گذارد. یعنی ما هرچه هستیم اوست.

**لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكْمِنِكَ؛<sup>۲</sup> کسی نمی‌تواند از قلمرو حکومت تو فرار کند!**

می‌گویند: مرحوم حاج سید احمد کربلایی، استاد مرحوم قاضی، دعای کمیل را زیاد می‌خوانده، به همین جمله «وَلَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ

۱- سوره نور، آیه ۳۵.

۲- إقبال الأعمال، ج ۲، ص ۷۰۷؛ مفاتیح الجنان، ص ۱۳۱، دعای کمیل.

«**حُكُومَتِکَ**» که می‌رسیده نمی‌توانسته بخواند. دیگر ادامه نمی‌داده است. البته نکته بسیار عرفانی و توحیدی دقیقی است. اگر بگویی که از اینجا تا اینجا برای خداست و از اینجا به بعد برای من است. پس خدا دیگر اینجا حکومت ندارد، ملکیت ندارد یا نفوذ ندارد. جایی را نمی‌توانی پیدا کنی که در قلمرو حکومت خدا نباشد. یعنی توحید کامل را به زبان ساده بیان می‌کنند.

خوب نزدیکی است! نزدیکی او همه دوری‌ها را کنار زده است و همه آرامش‌ها را به ما می‌دهد. «**يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ!**»

### بهترین پاسخ دهنده

**يَا نِعْمَ الْمُحِبُّ!** ای کسی که خوب پاسخ دهنده‌ای هستی! در هر اداره‌ای بروی به راحتی جواب نمی‌دهند. تلفن تو را جواب نمی‌دهند، پیامک‌های تو را جواب نمی‌دهند، چرا عقل ما کم است؟! چقدر در خانه خلق را می‌زنیم؟ چقدر اصرار می‌کنیم؟

### بر در ارباب بی مروت دنیا

چند نشینی که خواجه کی به درآید؟

۱۴۰

در خانه خلق می‌رویم، مدام اصرار هم می‌کنیم، بر سر ما هم می‌زنند، جواب ما را هم نمی‌دهند، باز هم می‌رویم و در می‌زنیم. اما خدا خوب جواب‌دهنده‌ای است! بیایید یک مقدار باور کنیم. یک مقدار خوش‌بین باشیم.

یک بزرگواری کلام بسیار زیبایی داشت می‌فرمود: یک نفر رفت یک

## گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)

بانکی وام بگیرد، کارمند بانک پرونده را بررسی کرد. آن کارمند آدم خوبی بود. نگاه کرد و گفت: به شما وام نمی‌دهیم! خیلی هم از ما تشکر کن! گفت: متوجه نشدم کار نکرده، آش نخورده و دهان سوخته؟ شما می‌گویی به تو وام نمی‌دهم، خیلی هم تشکر کن؟! چگونه این طوری می‌شود؟

گفت: شما با آدم بدجنس برخورد نکردی. گفت: چطور؟ گفت: می‌آید می‌گوید: من وام می‌خواهم. می‌گوید: بسیار خوب، تقاضای خود را بنویس. در نوبت باش. بعد از چند ماه نوبت، می‌گوید: دو سه نفر ضامن معرفی کن. دو سه ماه طول می‌کشد. می‌گوید: ضامن‌ها قبول نشدنند. ضامن دیگری معرفی کن. شش ماه، یک سال، دو سال شما را می‌دونند، بعد می‌گوید: به شما وام نمی‌دهیم. ما همین اوّل به شما می‌گوییم نمی‌دهیم.

خدا پدر او را بیامرزد، خیلی آدم خوبی بوده است. این آقا خیال آدم را راحت می‌کند. از اوّل می‌گوید: به تو وام نمی‌دهیم. کسانی هم که وام می‌دهند، بر ما متنّت می‌گذارند. آیا درست بدهنند یا ندهند، بعداً هزارها از

ما طلب دارند. اینجا می‌دهند، ده جای دیگر از ما چیز می‌خواهند.

اما خدا «**نَعْمَ الْحَيِّبُ**» است. خوب جواب دهنده‌ای است. بدون متنّت می‌دهد. بعد هم لطف می‌کند. بعد هم اضافه می‌کند.

### بهترین دوست

**يَا نَعْمَ الْحَيِّبُ؛** ای خدایی که خوب دوستی هستی!

چه دوستی بهتر از خدا؟ خوب دوستی است. کسانی که محبوّ

واقعی خود را که خداست پیدا نمی‌کنند، گرفتار عشق مجازی می‌شوند.

از امام صادق علیه السلام از عشق‌های مجازی پرسیدند، فرمودند:

**قُلُوبُّ خَلَّتْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ<sup>۱</sup>** دل هایی

است که از یاد خدا خالی می‌باشد، از این‌رو خداوند محبت

دیگران را در آن گذاشته است.

کسانی که عاشق چشم و ابروی افراد می‌شوند، به خاطر این است که

جمال خدا را ندیده‌اند. دل به صاحب اصلی و دلبر اصلی نداده‌اند.

و گرفتار این جلوه‌های ناپایدار شده‌اند.

کسی خاطرخواه شده بود. معشوق او که همه چیز او بود، از دنیا

رفت. یقه خود را پاره می‌کرد، به سر و صورت خود می‌زد، موهای خود

را می‌کند. یک دوست بسیار عاقلی داشت. گفت: چرا داری خود را از

بین می‌بری؟ گفت: محبوب من، معشوق من از بین رفت.

گفت: یکی به سر خود بزن. گفت: چرا؟ گفت: چرا رفتی دوست

مردنی گرفتی؟ برو خدایی را قبول کن و دوست بگیر که نه می‌میرد، نه

دور می‌شود. همه‌جا هست و همه‌کاره است. «یا نِعْمَ الْحَسِيبُ»! آدم که

می‌خواهد دوست پیدا کند، چرا با خدا دوست نشود؟

۱۴۲

## بهترین و کیل

**يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ؛** ای خدایی که خوب کفالت و سرپرستی ما را

می‌کنی!

۱- الامالی للصدوق، ص ۶۶۸؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۱۵۸.

### گفتار هفتم: دعا و خوشبینی به خدا (۱)

یا نِعْمَ الْوَكِيلُ؛ ای خدایی که خوب و کیلی هستی!

اگر آدم می خواهد کسی را هم وکیل بگیرد، خدا را وکیل بگیرد.  
وکیلی که مو به مو کارهای ما را بهتر از خود ما اجرا می کند.

بهترین مولا و بهترین یاور

و در پایان می گوییم:

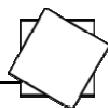
یا نِعْمَ الْمَوْلَى یا نِعْمَ الصَّصِيرُ؛ ای خدایی که صاحب اختیار

خوبی هستی و ای خدایی که یاور خوبی هستی!

این «نعم»ها إن شاء الله قلب همه را حال بیاورد. چه مولای خوبی، چه آفای خوبی، چه یاور خوبی، مولای ما، وکیل ما، کفیل ما، حبیب ما، مجیب ما، قریب ما، رقیب ما، طبیب ما، حسیب ما خدای مهریان است، به این خدا خوشبین باشیم.



## گفتار هشتم



---

دعا و خوشبینی به خدا (۲)



## بهای بهشت

خوشبینی به خدای متعال منشأ همهٔ خوبی‌ها و خیرات و برکات است. رسول خدا<sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> فرمودند:

لَا يَمُوتُنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَهُوَ يُحِسِّنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ  
بِاللَّهِ ثَمَنٌ الْجُنَاحُ<sup>۱</sup>؛ نباید هیچ یک از شما بمیرد، مگر این که  
نسبت به خداوند متعال خوش گمان باشد؛ که خوش گمانی به  
خداوند، بهای بهشت است.

يعنى خوشبین بودن به خدای متعال قیمت بهشت است. ارزش بهشت را دارد. همان طور که حسن ظن به خدا انسان را بهشتی می‌کند، بدینی و بدگمانی به خدا هم باعث جهنم رفتن می‌شود. چنان‌که خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَ ظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا<sup>۲</sup>؛ و گمان بد کردید، و  
شما مردمی در خور هلاکت بودید.

يعنى گمان بد به خدا موجب هلاکت شما و در افتادن به آتش جهنم

---

۱- الامالی للطوسی، ص ۳۸۰؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۴۴۸.

۲- سورة فتح، آیه ۱۲.

است. بدینی به خدای متعال گناه بسیار بزرگی است و منشأ تمام هلاکت‌ها و سقوط‌هast.

مرحوم آیت الله بهجهت می‌فرمودند: اگر ما به اندازهٔ یک طفل صغیری که به مادر خود خوش‌بین است و اطمینان دارد، به خدا خوش‌بین بودیم، کار ما درست می‌شد. یک بچهٔ کوچک هیچ وقت نمی‌گوید مادر من به من غذا نمی‌دهد، لباس نمی‌خرد، یا من را رها می‌کند، به مادر بدین نیست. خیلی‌ها این اندازهٔ به خدای خود اطمینان ندارند و خوش‌بین نیستند.

### وعدهٔ خداوند

خداوند می‌فرماید:

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادٍ عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلَيَسْتَحِبُّوا إِلَيَّ وَلَيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْسُدُونَ<sup>۱</sup>; وَهُرَّ گاه بندگان من، از تو در بارهٔ من بپرسند، بگو من نزدیکم، و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخواند اجابت می‌کنم، پس آنان باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند.

۱۴۸

مطلوب بسیار بلندی در این آیه وجود دارد. خدای متعال می‌فرماید: من نزدیک هستم. آمادهٔ جواب هستم. شما فقط درست بیا. موانع را بردار. خیلی لطفت در این جملات است.

## اجابت دعوت گسترده‌الهی

«فَلِيُسْتَجِيِّعُوا إِلَى» می‌گوید: من سفره انداختم، دعوت کردم، بیایید احابت کنید. خدایی که غنی مطلق است، ۱۲۴ هزار پیغمبر برای دعوت فرستاده است. این همه واعظ و عالم و گوینده و مرئی همه دارند دعوت می‌کنند. می‌گویند: بیایید به طرف خدا، بیایید به طرف خوبی‌ها. همه، دعوت کننده به سوی خدا هستند. خدا می‌گوید: بیایید مرا یک مقدار باور کنید. به خدا خوشبین باشیم. یک ذره وعده‌های او را باور کنیم.

## اقیانوس بی کران «نهج البلاغه»

«نهج البلاغه» را مرور کنید. واقعاً حیف است. خدا مرحوم آقای دشتی که بنیاد نهج البلاغه را احیا کرد، رحمت کن! یک جمله ایشان مرا تکان داد. نوشته است: علیت این که باعث شد من درباره «نهج البلاغه» کار کنم، این است که من شرح حال جرج جوردان، این عالم و دانشمند مسیحی را می‌خواندم. نوشته بود: من دویست بار «نهج البلاغه» علی بن ابی طالب علیه السلام را خواندم.

مرحوم آقای دشتی می‌گوید: این کلام در من طوفان ایجاد کرد که من روحانی ممکن است یک بار نخوانده باشم، خیلی از شیعیان و دوستان امیر المؤمنین علیه السلام شاید یک بار «نهج البلاغه» را مرور نکرده باشند.

ابن ابی الحدید معترزلی شارح «نهج البلاغه» که از اهل سنت است، می‌گوید: من فقط یک خطبه حضرت را بیش از هزار بار خواندم و هر

بار هم متحول شدم. واقعاً این گنجینه‌ای فوق العاده و بسیار ارزشمند است. اقیانوس بی کرانی است که گاهی یک کلمه آن دریابی از معارف را به روی ما می‌گشاید.

### درهای گشوده خداوند

امیر المؤمنین علیه السلام سه جمله بسیار بلند و عالی در «نهج البلاغه» دارد. می‌فرمایند:

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَفْتَحَ عَلَىٰ عِبْدِ بَابَ الشُّكْرِ وَيُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ  
الزِّيَادَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ عَلَىٰ عِبْدِ بَابَ الدُّعَاءِ وَيُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ  
الإِجَابَةِ وَ لَا لِيَفْتَحَ لِعَبْدِ بَابَ التَّوْبَةِ وَيُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ  
الْمَغْفِرَةِ<sup>۱</sup> ممکن نیست خداوند بر بندهای در شکر  
و سپاسگزاری را بگشاید و امر به شکر کند، و در افزونی را به  
رویش بیند و بر نعمت او نیفزاید. و ممکن نیست در دعا  
و درخواست را بگشاید و فرمان دهد که از او بخواهند، و در  
روا شدن را به رویش بیند و درخواست او را نپذیرد. و ممکن  
نیست در توبه را بگشاید و در آمرزش را به رویش بیند  
و گناهش را نیامزد!

۱۵۰

امیر المؤمنین علیه السلام سه نکته کلیدی و سه راهکار اساسی برای حل مشکلات مادی و معنوی انسان بیان فرموده‌اند:

راهکار اول: می‌فرمایند: راهکار زیاد شدن نعمت‌ها شکر است. ممکن نیست خدا در شکر و سپاسگذاری را به روی بندهای باز کند، ولی در

۱- نهج البلاغه، حکمت ۵۵۳؛ عيون الحكم، ص ۴۸۲؛ بحار الانوار، ج ۶، ص ۳۶

## گفتار هشتم: دعا و خوشبینی به خدا (۲)

زیاد کردن نعمت را برابر او بینند.

بسیاری می‌گویند: ما کمبود داریم. آیا شکر آنچه خدا به شما داده به جا آورده‌اید؟ همان رزق کم، همان آب باریک، همان سلامتی، همان نعمت. ما شکر همان‌ها را به جا نیاوردیم و دنبال زیاده طلبی هستیم. شما شکر آن‌ها را به جا بیاور، قطعاً بدان وعده حتمی خداست که زیاد می‌کند.  
**لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ؛<sup>۱</sup> اگر شکرگزار باشید، شما را می‌افزاییم!**

این همه تأکید در این آیه قرآن انسان را تکان می‌دهد. می‌فرماید: ممکن نیست خدا در شکر را به روی بندۀ‌ای باز کند و در زیاد کردن نعمت را بینند. این یک قانون الهی است.

### باب دعا

راهکار دوم: برای روا شدن حاجات باید از خدا درخواست کرد. ممکن نیست خدا بگویید بیایید سراغ من، یا رب بگویید، یا الله بگویید، دعا بخوانید، بعد بگویید: من جواب نمی‌دهم. ابلیس التماس کرد، خدا اجابت کرد. فرعون از خدا درخواست کرد، خدا اجابت کرد. چه برسد به یک مؤمن. اگر در موردی هم خواست ما نشد، حتماً بدانید حکمتی دارد. سوء ظن به خدا پیدا نکنیم.

### باب توبه

راهکار سوم: رهکار مغفرت و آمرزش خداوند توبه است. ممکن

۱- سوره ابراهیم، آیه ۷.

نیست خدا بگوید: بباید من گنهکارها را می‌بخشم، و در توبه را به روی آنان بگشاید و بعد نبخشد. این که بگوییم خدا من را نمی‌بخشد، یا نبخشیده، بدینی به خدای متعال است.

به همراه مرحوم آقای دولابی خدمت یک آقایی که پیر و بیمار شده بود رفتیم. خیلی نگران بود که خدا من را بخشیده یا نبخشیده! ایشان فرمودند: خدا بخشیده، تو نمی‌بخشی! یعنی خدا تو را بخشیده، ولی ما حاضر نیستیم خودمان را ببخشیم. خدا غفار است، توّاب است، توّایین را دوست دارد، شک نکن که خدا بخشیده، حالا تو نبخشیدی حرف دیگری است.

بنابراین، شکر و زیادت، دعا و اجابت، توبه و مغفرت با هم مقرون و همراهاند.

## راه نجات

یکی از علمای لبنان به نام آقای بحرینی کتابی نوشته است به نام «الطَّرِيقُ إِلَى اللَّهِ»، یعنی راه به سوی خدا. مرحوم آیت الله بهجت سفارش می‌کردند این کتاب را بخوانید.

اوج این کتاب خوشبینی به خدادست. می‌گوید: راه به سوی خدا، از راه خوشبینی است. کسی که واقعاً به خدا خوشبین باشد و دائماً فال خوب بزند، خدا او را تا اعلیٰ درجه بهشت می‌برد. و اگر کسی خدای ناکرده بدین باشد، سوء ظن به خدا داشته باشد، او را تا قعر جهنّم می‌کشاند. خوشبینی به خدا راه نجات است.

## بندهای که از آتش نجات یافت

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: آخرین بندهای که می‌آید پای حساب، سیئات او بر خوبی‌های او می‌چرید و اهل جهنّم است. او را به طرف جهنّم می‌کشند. سر خود را بالا می‌کند. این طرف و آن طرف را نگاه می‌کند. مثل مجرمی که دنبال است یک وسیله نجاتی پیدا کند. می‌بینید همه درها بسته شده است. دارد به طرف آتش می‌رود. دیگر تمام است. خدای متعال به ملائکه می‌فرماید: «أَعْجِلُوهُ»، یعنی با عجله او را بیاورید. او را می‌آورند. خطاب می‌رسد: «عَبْدِي لِمَ الْتَّقْتَ؟» چرا سر خود را مدام این طرف و آن طرف می‌گردانی؟ دنبال چه می‌گرددی؟ می‌گوید: «يَا رَبَّ مَا كَانَ ظَنِّي بِكَ هَذَا؟» خدایا گمان من به تو این نبود. یعنی فکر نمی‌کردم که کار به اینجا بکشد. من به تو چنین گمانی نداشتم. پروردگار متعال می‌فرماید: «عَبْدِي وَ مَا كَانَ ظَنِّكَ بِي؟» درباره من چه گمان می‌کردم؟ می‌گوید: «يَا رَبَّ كَانَ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطَايَاهِ وَ سُكْنَتِي جَتَّكَ؟» پروردگارا، گمان من به تو این بود که تو گناهان مرا می‌بخشی و من را وارد بهشت می‌کنی. خدای متعال می‌فرماید:

يَا مَلَائِكَتِي وَ عِزَّتِي وَ الْأَئِمَّي وَ بَلَائِي وَ ارْتِفَاعِ مَكَانِي مَا ظَنَّ بِي  
هَذَا سَاعَةً مِنْ حَيَاتِهِ خَيْرًا قَطُّ وَ لَوْ ظَنَّ بِي سَاعَةً مِنْ حَيَاتِهِ  
خَيْرًا مَا رَوَّعْتُهُ بِالنَّارِ؛ فَرْشَتَگانِ منْ، بِهِ عَزْتُ وَ جَلَّمُ وَ  
نَعْمَتَهَا يُمُونُ وَ بَلَائِيمُ وَ بَلَندِي مَقَامِ! این بنده من در طول حیات  
خود هیچ‌گاه به من خوش‌بین نبوده است. اگر در همان حیاتش  
یک لحظه به من خوش‌بین بوده، او را از آتش جهنّم نمی‌ترساندم!

خدای متعال ملائکه را شاهد می‌گیرد، پنج قسم می‌خورد، که این بندۀ تا الان به من خوش‌بین نبوده است. اگر به من خوش‌بین بود، من او را با آتش جهنّم نمی‌ترساندم. اصلاً دستور نمی‌دادم او را به طرف آتش ببرند. ولی الان نیرنگ زده، و به دروغ اظهار خوش‌بینی می‌کند.

بعد می‌فرماید:

**أَجِيزُوا كَذِبَهُ وَ أَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ<sup>۱</sup>**  
کذبش را روا گردانید و او را  
وارد بهشت کنید!

دروغی که راست از آب در آمد!

الله اکبر از این خدای بزرگ که ما او را باور نمی‌کنیم! او را قبول نمی‌کنیم! با یک خوش‌بینی دروغی، می‌گویید: او را وارد بهشت کنید. خیلی عجیب است!

مرحوم آقای دولابی می‌فرمودند: باز یک چیزی در او بوده که این دروغ را گفته است. یعنی در اعماق وجود او یک رگه‌ای از خوش‌بینی بوده که بروز کرده و توانسته این حرف دروغ را بزند. حسن ظن حقیقی اقتضا می‌کند که انسان دنبال آن برود. شما چون به کاری گمان خوب دارید، به سراغ آن کار می‌روید.

۱۵۴

بزرگی می‌فرمود: ما هفتاد سال گفتیم: چه خدای خوب و مهربانی، اما باور نکرده بودیم. لذا این همه گلایه و شکایت داشتیم، ولی در واقع خدای خوبی است و گله و شکایت‌ها بی‌جهت بود. چون باور نکرده بودیم، دروغ می‌شود.

## گفتار هشتم: دعا و خوشبینی به خدا (۲)

ولی در واقع چون درست و راست است. هفتاد سال دروغ گفتیم، ولی یکی از آنها هم دروغ نبود. مدام گفتیم خدای خوبی داریم. چقدر مهربان است. گفتیم، ولی باور نکردیم. چون باور نکردیم می‌شد دروغ. خدای مهربان می‌فرماید: حسن ظن دروغ او را امضا کنید و او را به بهشت ببرید.

مرحوم بحرینی که این حدیث را شرح کرده، می‌گوید: خدایی که خوشبینی دروغی را هم امضا می‌کند، آیا با این خدا نمی‌شود آشتب کرد؟ این خیلی نوید و بشارت است. یعنی اگر بنشینیم و دروغی هم لاف بزنیم و بگوییم؛ چه خدای خوبی، چه خدای مهربانی، ما را می‌آمزد.

### تأثیر خوشبینی در سرنوشت

خوشبینی به اعمال و رفتار و زندگی ما جهت و انرژی می‌دهد. دنبالهٔ حدیث هم جالب است. امام صادق علیه السلام بعد از نقل این جریان فرمودند:

مَا ظَرَّنَ عَبْدُ اللَّهِ حَيْرًا إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ؛ هِيج بنده‌ای

به خدا خوشبین نیست، جز این‌که خدا با همان خوشبینی با او رفتار می‌کند.

می‌گوید: من با گمان تو با تو رفتار می‌کنم. اگر بگویی خدای، می‌بخشی، می‌آمزدی، بهشت می‌بری، من با گمان بندۀ خود با او رفتار می‌کنم.

حتّی بدترین انسان‌ها اگر به خوشبینی برسد، خدا او را نجات می‌دهد. ولی خوب‌ترین انسان‌ها اگر فال بد بزنند و به خدا بدبین باشد،

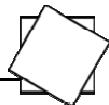
همان بلا به سر او می‌آید. خدا می‌گوید: من مطابق بدینی تو رفتار می‌کنم. بعد حضرت به این آیه قرآن اشتشهاد کردند:

وَذَلِكُمْ ظُنُونُكُمُ الَّذِي ظَنَّتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ<sup>۱</sup>

آری، این گمان بدی بود که درباره پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاکت شما گردیده و سرانجام از زیانکاران شدید!

خدا به اهل جهنّم خطاب می‌فرماید: این گمان بد شما بود که شما را به زمین زد، خوار کرد، جزء زیانکاران و جهنّمیان شدید. یعنی بدینی به خدا شما را به جهنّم برد، اگر به خدای خود خوش‌بین بودید، به جهنّم وارد نمی‌شدید.

## گفتار نهم



---

دعا و خوشبینی به خدا (۳)



عرض کردیم یکی از عوامل مهم اجابت دعا، خوشبین بودن به آن خدایی است که او را می‌خوانیم. خوشبینی به خدا، انسان را به کارهای خیر می‌کشاند و پایان کار او را ختم به خیر می‌کند. خوشبینی به خدای متعال در دعاهای ما فراوان موج می‌زند.

### دعای کمیل

دعای کمیل یکی از بهترین دعاست که مولا امیر المؤمنین علیه السلام به جناب کمیل یکی از اصحاب سر خود تعلیم فرمودند. شب نیمة شعبان و شب‌های جمعه خواندن این دعا مستحب است. البته بقیه ایام هم به قصد دعا می‌توان خواند.

این دعا برای دفع دشمنان و فتح رزق و روزی و آمرزش گناهان بسیار مؤثر و مفید است.

### چکیده دعاها

یک جمله بسیار عالی در دعای کمیل است که خلاصه و چکیده دعاهاست.

إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ؛ خدای من، پروردگار من، جزء تو  
کسی را ندارم!

الآن هم همین طور است. شب اویل قبر هم همین طور است. قیامت هم همین طور است. پناه همه آنیا، ملجاء همه خوبها و بدها خدای مهربان است.

### استوار ساختن پایه‌های خوشبینی

در این دعا و خیلی از دعاهای دیگر سعی شده است خوشبینی ما نسبت به خدا زیاد بشود. در اوائل دعا می‌گوییم:

أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَذْنَيْتَهُ أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيَتَهُ؛ ای خدا، تو کریم‌تر و بزرگوارتر از آنی که آن کس را که خود تربیت کرده‌ای، ضایع گردانی، و آن را که مقام قرب عطا کرده‌ای باز دور گردانی، و آن که را برابر در خود پناه داده‌ای، از درگاه رحمت برانی!

باغبانی که گلی، یا نهالی را تربیت می‌کند، آیا ممکن است آن را ضایع کند؟! خدای متعال از ما کم نمی‌گذارد. می‌گوییم: تو بالاتر از این هستی! همه این‌ها خوشبینی برای ماست. یعنی خوشبینی را در وجود ما پایه‌گذاری می‌کند. در ادامه می‌گویید:

وَلَيْتَ شَعْرِيْ يَا سَيِّدِيْ وَإِلَهِيْ وَمَوْلَايِ أَتُسْلِطُ النَّارَ عَلَىٰ  
وُجُوهِ حَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً وَعَلَىٰ أَلْسُنِ نَطَقْتُ  
بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً؛ ای خدای من و سید من و مولای من،  
کاش می‌دانستم آیا بر چهره‌هایی که در پیشگاه عظمت سر به  
سجدۀ عبودیت نهاده‌اند، یا بر آن زبان‌ها که از روی حقیقت و  
راستی ناطق به توحید تو هستند، آتش قهرت را مسلط می‌کنی؟!

## گفتار نهم: دعا و خوشبینی به خدا (۳)

ای کاش می‌دانستم آیا چهره‌های بندگانی را که سر به سجدۀ تو گذاشتند، با آتش می‌سوزانی؟ آیا آتش را بر این‌ها مسلط می‌کنی؟ آیا زبانی را که «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» گفته است، یاد تو کرده است، به توحید تو اقرار کرده است، به آتش غصب خود می‌سوزانی؟ و همین‌طور این ادامه پیدا می‌کند. بعد در پایان نتیجه‌گیری آن این است:

مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بَكَ وَ لَا الْمُرْعُوفُ مِنْ فَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ:  
هیچ‌کس به تو این گمان نمی‌برد و چنین خبری از تو، ای خدای با فضل و کرم، به ما بندگان نرسیده است!

## جذبۀ معرفت و محبت

در دعای ابو حمزه عرضه می‌داریم:

مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَ حُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ؛  
ای مولای من، این که من تو را بشناسم، خود دلیل و  
راهنمای من به سوی توست و محبت تو بهترین شفیع من  
به سوی توست!

اگر خوشبین بودیم، معرفت و محبت پیدا کردیم؛ همین‌ما را شفاعت می‌کند و به سوی خدا می‌کشاند. إن شاء الله عينک بدینی نسبت به خدا را از چشم دل خود دور کنیم.

بدینی یعنی این‌که بگوییم: من دیگر هیچ امیدی ندارم، اصلاً خداوند دیگر من را نمی‌بخشد، کار از کار گذشته است.

بدینی یعنی این‌که به خدا نسبت‌های بد بدهد. بگویید: در حق من جفا کرده است، من را نمی‌آمرزد، برای من کم می‌گذارد، خدایی خود

را درباره من اعمال نمی کند، رزق من را نمی دهد، دعای من را مستجاب نمی کند.

إن شاء الله بذر محبت خدا و خوشبینی به خدا در دل شما افسانده شود! کار خود اوست. خدا می گوید: من زارع هستم، یا شما زارع هستید؟ او زارع است. مردم حارس هستند و درو می کنند. یعنی بذر می ریزند، ولی خدا رویش می دهد و بزرگ می کند.

**أَكَبُّتُمْ تَرْزُّعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْرَّازِّعُونَ؟<sup>۱</sup>** آیا شما آن را زراعت می کنید، یا ما یم که زراعت می کنیم؟

### نzd گمان بندۀ مؤمن

امام هشتم علیه السلام فرمودند:

أَحْسِنِ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ  
عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَ إِنْ شَرًا فَشَرًا؛ به  
خدا خوش گمان باش؛ زیرا خدای عزوجل می فرماید: من  
نzd گمان بندۀ مؤمن خویشم؛ اگر گمان او خوب است،  
رفتار من خوب است. و اگر گمان او بد است، رفتار من هم  
بد است!

این نکته مهمی است که خدای متعال می فرماید: ای بندۀ مؤمن، من در نzd گمان تو هستم. یعنی همان طور که گمان تو نسبت به من است، من همان طور با تو رفتار می کنم. اگر گمان تو این است که من تو را

۱- سوره واقعه، آیه ۶۴.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۳۶۶؛ بحار الانوار، ج ۷، ص ۳۶۶.

## گفتار نهم: دعا و خوشبینی به خدا (۲)

می آمرزم، می بخشم، مدارا می کنم، چنین می کنم. بدان قطعاً همان کار را می کند. خدا یک فرمول داده است.

### با کریمان کارها دشوار نیست!

با خوشبینی به خدا اعمال ما پذیرفته می شود. با خوشبینی به خدا گناهان ما آمرزیده می شود. دو نفر مؤمن نماز خوان روزه گیر، یکی با خوشبینی نماز و روزه می خواند، که من قابل نیستم، نمازهای من قابل نیست، ولی خدا کریم است، لطف می کند. همین را به طور ناقص قبول می کند. ما هم تلاش می کنیم برای خوب شدن.

یکی دیگر می گوید: نه، خدا نماز من را قبول نمی کند، خدا به من محل نمی گذارد. دعای من را مستجاب نمی کند. قطعاً آن کسی که خوشبین است، خدا او را بالا می برد و آن کسی که بد بین است، پایین می آورد.

تو مگو ما را بدان شه بار نیست      با کریمان کارها دشوار نیست

آن که قصدش از خریدن سود نیست      هیچ قلبی نزد او مردود نیست

خیلی خوب گفته است. انسان باید با خدای کریم خوشبین باشد.  
بگوید: من را راه می دهد، من را می پذیرد، قبول می کند. هر چند من قابلیت ندارم.

یک پدری که به من مال می دهد، آبرو می دهد، شغل می دهد، سرمایه می دهد، وسائل ازدواج می دهد، آیا اگر من او را این طور قبول کنم و همین طور هم باشد، آیا من با او مخالفت می کنم؟

## با خوشبینی همه را می‌پذیرد

یک موقع کسی می‌آید خانه‌ای، یا مغازه‌ای یا جنسی را می‌خرد. می‌خواهد سود کند. این همیشه دنبال جنس اعلیٰ می‌گردد که بتواند ارزان بخرد و گران بفروشد. ولی خدای متعال غنی مطلق است. می‌خواهد جنس بنجل را هم بردارد. آدمهای ضعیف و زمین‌خورده را هم بردارد. قلب در اینجا به معنای تقلب و قلابی است. نمازهای واقعی کامل را اولیای خدا می‌خوانند. ما هم قصد مخالفت با خدا نداریم، آنچه در توان ماست می‌خوانیم. نمازهایمان ناقص است. اما چون قصد خدای مهربان سود نیست و خیر رساندن به بندۀ‌های خود است، از ما می‌پذیرد. آن که قصدش از خریدن سود نیست      هیچ قلبی نزد او مردود نیست  
یعنی همه را می‌پذیرد؛ ولی با حسن ظن، با خوشبینی به خدا. خدای متعال به حضرت داوود فرمود:

يَا دَاؤْدُ قُلْ لِعِبَادِي لَمَّا خُلِقْتُكُمْ لِأَرْبَحَ عَلَيْكُمْ وَلِكُنْ  
لِّرَبَّحُو؟<sup>۱</sup> ای داوود؛ به بندگانم بگو: من شما را خلق نکردم  
که سود ببرم، بلکه خلق کردم تا به شما سود برسانم!

من نکردم خلق تا سودی کنم      بلکه تا بر بندگان جودی کنم  
گر نماز و روزه‌ای فرموده‌ام      ره به سوی خویشتن بنموده‌ام  
اگر هم فرمانی داده‌ام، برای این است که راه شما باز شود و به سوی  
من حرکت کنید.

## معنای خوشبینی به خدا

اما معنای حسن ظن یا خوشبینی به خدا متعال چیست؟

امام صادق علیه السلام در معنای حسن ظن به خدا فرمودند:

**حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُو إِلَّا اللَّهُ وَلَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ؛**

خوشبینی به خدا این است که فقط به خدا امیدوار باشی و جز از گناهت نترسی!

فقط به خدا امیدوار باشی، یعنی به کار خود و اشخاص و به غیر خدا تکیه نکنی. خوشبینی به خدا این است که در همهٔ حالات به خدا امیدوار باشیم. رابطهٔ امید و خوشبینی قطع نشود. اگر قطع بشود، انسان به یأس و نالمیدی می‌رسد.

البته بخش دوم این حدیث هم قابل تأمل است. «وَلَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ»؛ یعنی فقط از گناه خود بترسی.

در کنار همین خوشبینی و در کنار همین حسن ظن، باید یک ترسی باشد. باید یک سوء ظن و بدینی نسبت به خود و نسبت به گناه خود باشد. بعضی‌ها خوشحال هستند. می‌گویند: دل ما پاک است، ما هر طور خواستیم با خدا صحبت و ارتباط برقرار می‌کنیم. دیگر نیازی به این عبادات نیست.

این سوء استفاده و برداشت بسیار بدی از خوشبینی به خداست. دل پاک بودن علامت دارد. علامت آن این است که به قلب و به جان و اعمال و جوارح ما سراحت بکند.

---

۱- الکافی، ج ۲، ص ۷۲؛ مجموعه درام، ج ۲، ص ۱۸۵؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶۷.

## کمی هم نگرانی!

ظن و گمان را به صد درصد نمی‌گویند. شک پنجاه پنجاه است. از پنجاه به بالا تا زیر صد درصد گمان می‌شود. حسن ظن و خوشبینی به خدا یعنی احتمال قوی می‌دهیم که خدا لطف و عنایت می‌کند. نمی‌گوییم: حسن یقین. می‌گوییم: حسن ظن. اگر کسی می‌گوید صد درصد خدا عنایت می‌کند، این اشتباه است. ولی اگر می‌گوید من نمود درصد، هشتاد درصد می‌گوییم خدا إن شاء الله می‌بخشد، ده درصد اگر نیامرد چه خواهد شد؟ آن ده بیست درصد را گذاشته‌اند که حواس شما جمع باشد.

فقط از گناه و اعمال خود باید بترسی و این ترس تو را به طرف خدا ببرد، ولی درهای رحمت و آمرزش باز است. کسی که گناه نمی‌کند، به مراتب بالاتر از کسی است که گناه می‌کند و با خوشبینی و توبه برمی‌گردد.

باید خوشبینی به خدا در دل ما تقویت شود. در دعای ابو حمزه عرضه می‌داریم:

**مُنتَجِزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًاً؛ وَعَدْهُ**

بخشایشت از کسی که به تو حسن ظن دارد قطعی است.

آدم‌هایی که خوشبین نیستند، از خدا روی گردان می‌شوند.

# گفتار دهم

---

## خوشبینی و فال خوب



## بدگمانان به خدا

ریشه نامیدی‌ها، ریشه کفر، ریشه نفاق، ریشه شرک، بدینی به خدای متعال است. یعنی سرچشمه همه رذایل و فسادها بدینی به خداست. خدای متعال می‌فرماید:

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُتَنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ  
الظَّاهِرِينَ بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَغَضِيبُ اللَّهِ  
عَلَيْهِمْ وَلَعْنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا<sup>۱</sup>  
و مردان و زنان نفاق پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتشان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و چه بد سرانجامی است!

چرا خداوند مرد و زن منافق و مرد و زن مشرک را عذاب می‌کند؟ چه شاخصه‌ای از زشتی در این‌هاست که مورد عذاب قرار علت این‌که افراد منافق و مشرک می‌شوند و مورد عقوبت و وارد

---

۱- سوره فتح، آیه ۶.

جهنم می‌شوند این است که به خدا بدگمان هستند. چون واقعاً کسی نیست که خدا را منکر باشد. خواه، ناخواه قبول دارد. متنهای نسبت به خدای متعال بدینین هستند. می‌گویند: این خدا کار ما را راه نمی‌اندازد، مشکل ما را حل نمی‌کند. گلایه و شکایت دارند. «عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ»، یعنی این بدینینی به خود آن‌ها برمی‌گردد.

اگر با هستی هماهنگ شدیم، لذت می‌بریم. اگر خوشبین بودیم، زندگی بهشت می‌شود. هم دنیا خوش است و هم آخرت. و اگر به خدا و به کارهای خدا بدگمان و بدینین شدیم، این جهنم می‌شود؛ جهنم نقد.

### ذکر یونسیه

یکی از بهترین و جامع‌ترین ذکرها، ذکر یونسیه است. شاید یک جهت آن این است که خلاصه خوشبینی و بدینینی در این ذکر آمده است.

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ؛<sup>۱</sup> معبدی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم!  
باید هر چه خوبی است به خدا نسبت دهیم. به خدا تهمت نزنیم.  
خدا نه بخیل است، نه بی‌رحم است، نه سرمایه او تمام می‌شود، نه قدرت او تمام می‌شود، نه کم می‌شود.

«سُبْحَانَكَ»؛ یعنی تو پاک هستی، تو خوب هستی، تو مenze هستی، هیچ کمی در تو نیست و نسبت به خلقت خود هم کمبود نداری و کم نمی‌گذاری.

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

«إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»؛ یعنی اگر هر عیب و ایرادی هست، خود من درست کرده‌ام، یا عمل من است، یا گناه من است، یا کم ظرفیتی من است. عیب‌ها را باید به خودمان نسبت دهیم. ادب این را تقاضا می‌کند.

ما أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ؛<sup>۱</sup> آنچه که از نیکی‌ها به تو می‌رسد، از طرف خداست؛ و آنچه از بدی به تو می‌رسد، از سوی خود توست!

### بدی‌ها را به خود نسبت دهیم

اگر کسی واقعاً به این آیه عمل کند، همیشه رستگار و خوشبخت است. بیایید همه خوبی‌ها را به خدا نسبت دهیم و هر چه عیب و نقص و ایراد و کمبود و بدی است به خودمان.

بر اساس روایات، خدا هیچ سالی از سال دیگر باران کمتر نمی‌فرستد. یعنی خدا کم خلق نمی‌کند. باران به اندازه نیاز مردم می‌فرستد، جز این که گناه و معصیت و ظلم و حکم ناحق موجب می‌شود که خدا این باران را در دریا و جاهایی که خیلی بازدهی نداشته باشد می‌ریزد.

لذا بدی‌ها را باید به خودمان نسبت دهیم. هر عیبی، نقصی، چیزی بود، بگو از خود من است، خدایا من اشتباه کردم. «إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»! نه اوچ می‌گیری، نه غرور می‌گیری، نه بدینی به خدا پیدا می‌کنی. تمام مشکلات با همین دو کلمه «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» حل می‌شود.

آیت الله بهجت فرمودند: این ذکر چقدر قوی است که یونس پیغمبر

را از قعر دریا و شکم ماهی به اوج عزّت رساند.

گفتن این ذکر وقت خاص و عدد خاصی ندارد. بهتر است در سجده بگوییم. در این ذکر اولاً خدای خدا را اقرار می‌کنیم و بعد هم به بدی خود. یعنی خوبی‌ها را به خدا نسبت دهیم و بدی‌ها را به خود.

آیه دیگری که می‌گوید: «قُلْ لُكْلُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> بگو همه از جانب خداست. ناظر به این جهت است که حول ما، قوه ما، و هر چه داریم از خداست.

به عنوان مثال در منظومه شمسی نور برای خورشید است، ماه از خود نور ندارد، زمین از خود نور ندارد، پس چرا ما می‌بینیم ماه نورانی است؟ چون خورشید به ماه می‌تابد. روشنی‌های ماه از خورشید است و تاریکی‌ها از خود اوست. بنابراین خوبی‌ها، زیبایی‌ها و روشنی‌ها از اوست، بدی‌ها، رشتی‌ها و تاریکی‌ها از ماست. «سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ».

### ما نداریم از رضای حق گله

آیا شما کسی را سراغ دارید که در طول عمر خود به اندازه حضرت زینب علیها السلام مصیبت دیده باشد؟ ایشان ۵۶ سال عمر کردند. چقدر مصیبت دیدند! مصائب جدشان، مادرشان، پدر بزرگوارشان، برادرشان امام حسن، بعد هم جریان کربلا.

این که نقل شده است امام زمان علیه السلام برای عمه جان خود، حضرت زینب علیها السلام بیشتر از همه عزادار و گریان هستند، حرف دوری نیست.

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

ولی در این بانوی بزرگوار، چه معرفتی، چه باوری، چه خوشبینی است که وقتی ابن زیاد گفت: دیدی خدا با شما چه کار کرد؛ شما را اسیر کرد، برادر تو را کشت، چنین کرد، و در صدد ملامت و سرزنش حضرت زینب برآمد، فرمودند: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَحِيلًا»؛ با همه این ابتلائات و سختی‌ها غیر از جمال، زیبایی، خوشبینی، قشنگی، چیزی نمی‌بینم. این چیست؟ این همان خوشبینی به خداست.

### مانداریم از رضای حق گله

عار ناید شیر را از سلسه

روشته‌ای برگردنم افکنده دوست

می‌کشد هر جا که خاطرخواه اوست

گه به کوفه، گه به شامم می‌برد

می‌برد هر جا کجا خاطرخواه اوست

چون زمام امر را دست خدا می‌بیند، خدا را باور کرده است. هیچ کسی منهای حول و قوه خدا نمی‌تواند در عالم کاری کند. فرمود: آن‌ها عزیزان ما بودند، خدا شهادت را برای آن‌ها بریده است. برای ما هم به خاطر حفظ دین، مصائب و اسارت را بریده است که این مکتب به نتیجه برسد.

### نور خوشبینی به خدا

سکه دو طرف دارد. آن طرف سکه را که بینید، غیر از نور و زیبایی و جمال نیست. تمام تاریکی‌های روشن می‌شود. پیغمبر ما وقتی به

طائف رفتند تا عده‌ای را هدایت کنند، دو طرف صف بسته بودند و به حضرت سنگ می‌زدند به طوری که از پاهای حضرت خون جاری شد. حضرت به دیوار باعثی تکیه دادند و دعایی خواندند که دعای بسیار عجیبی است. آنجا عرض می‌کند:

**لَكَ الْعُتْمَى حَتَّى تَرْضَى؛ خَدَايَا، هَرَّ چَه مَى خَواهِي مَن رَا**  
عتاب کن تا راضی شو!

من از تو گلایه و شکایت ندارم، ولی از ضعف و ناتوانی به تو پناه می‌برم و به تو شکایت می‌کنم. این جمله خیلی عالی است:

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقْتَ لَهُ الظُّلُمَاتُ وَصَلَحَ عَلَيْهِ  
أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَالآخِرِينَ؛<sup>۱</sup> من به نور وجه تو پناه می‌برم که تمام تاریکی‌ها را روشن می‌کند و تمام فسادهای دنیا و آخرت را اصلاح می‌کند.

این نور وجه چیست؟ این خوشبینی به خدا و معرفت به خداست. اگر یک ذره خدا را باور کنیم که خدای خوبی است و تقدیرات او هم خوب است، تسلیم او می‌شویم و اسیر گله و شکایت نمی‌شویم. در واقع ریشه همه معضلات و مشکلاتی که داریم به عدم معرفت نسبت به خدای متعال برمی‌گردد. یعنی اگر ما خدا را خوب شناختیم و مشکلی پیش آمد، باز هم نسبت به خدا خوشبین باقی خواهیم ماند. باید کمی خدا را باور کنیم که خدای خوبی است. سابق را نگاه کنیم، نعمت‌هایی که به ما داده است نگاه کنیم. قسمت خالی لیوان را نبینیم، پُر

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

آن را هم ببینیم. حتی ندادهای او هم در آن خیلی لطف خواهد بود. ای کاش می‌فهمیدیم که آنچه نداده است، چقدر صلاح و مصلحت ما در آن است. شکر آنها را هم به جایاوریم. در دعا می‌خوانیم:

**يَا اللَّهُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ فَعَالَةٍ؛**<sup>۱</sup> ای خدایی که تمام کارهای تو درست و قابل ستایش است!

برداشت ما از حوادث و پیشامدها باید برداشت قشنگی باشد.

## فال خوب

یکی از سیره‌های پیغمبر ما ﷺ این بوده است:

**يُحِبُّ الْفَالُ الْحَسَنَ وَ يَكْرُهُ الطَّيَّرَةَ**<sup>۲</sup> پیغمبر اکرم ﷺ ما فال خوب زدن را دوست داشت و از فال بد بدش می‌آمد. همیشه می‌فرمودند: فال خوب بزیند، برداشت خوب داشته باشید. خوشبین بودن به مقدرات خدا، تمام خارها را گل می‌کند. و بدینی و فال بد، تمام گل‌ها را خار می‌کند.

اگر سه روز یکی از اصحاب پیغمبر خدا غیبت می‌کرد، حضرت سراغ او را می‌گرفتند. اگر مسافرت بود، برایش دعا می‌کردند. اگر حاضر بود، به دیدن او می‌رفتند. اگر مریض بود، او را عیادت می‌کردند. این سیره پیغمبر خدا بود.

یک پیرمردی مدتی پیدا نبود. سراغ او را گرفتند. گفتند: بیمار است.

۱- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۶۸.

۲- مکارم الأخلاق، ص ۳۵۰؛ بحار الانوار، ج ۱۱۰، ص ۲۹۴.

حضرت به عیادت او رفتند. دیدند تب دارد.

در روایات آمده است: تب بهره مؤمن از آتش جهنم است. چنان‌که خود حضرت فرمودند:

**حُمَّى يَوْمِ كَفَارَةُ سَنَةٍ؛**<sup>۱</sup> یک روز تب کفاره یک‌سال گناه است.  
خیلی عجیب است، واقعاً ما باید یک ذرہ این خدا و وعده‌های او را باور کنیم. تب گناهانی که بین ما و خداست را پاک می‌کند. حضرت دیدند در تب می‌سوزد. حضرت فال خوب زدند. فرمودند:

**إِنَّ الْحُمَّى طَهُورٌ مِنْ رَبِّ غَفُورٍ؛** این تب وسیله پاک  
کننده‌ای از سوی خداوند بخشاینده است.

خدا می‌خواهد گناهان تو را پاک کند، تو را شست و شو دهد. این بندۀ خدا که بیمار بود، کلام پیغمبر را نگرفت. عکس آن را گفت: یعنی فال بد زد. گفت:

**بَلِ الْحُمَّى يَقُولُ بِالشَّيْخِ الْكَبِيرِ حَتَّى تَحْلَهِ فِي الْقُبُورِ؛** بلکه  
تب پیرمرد را به جوش می‌آورد تا در قبر قرارش دهد.

گفت: آقا این حرف‌ها چیست؟ تب من را پاک می‌کند؟! این تبی که من گرفتار شدم تا من را در چاهه قبر نبرد، رها نمی‌کند. نقوس بد زد. پیغمبر خدا ناراحت شدند. فرمودند: من فال خوب می‌زنم، می‌گوییم آمرزنده است، خوب می‌شوی. تو می‌گویی: این تب من را در چاهه قبر می‌برد؟!

بعد فرمودند: «لَيَكُنْ بَكَ مَا قُلْتَ، آن‌که تو گفتی می‌شود.» همین‌طور

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

هم شد. حضرت بیرون آمدند و او فوت کرد.<sup>۱</sup> رسول خدا صلوات الله عليه وآله وسالم فرمودند:

**الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُسْطِقِ؛** بلا وابسته به زبان گشودن است.

### تقدیرات حتمی و غیر حتمی

یک سری بلاهاست که کاری به اعمال ما ندارد. بچه‌ای که نوزاد است بلا می‌بیند. تقدیرات الهی است. خدا بریده است.

**ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَبَرَّأُهَا؛**<sup>۲</sup> هیچ مصیبی نه در زمین و نه در نفس‌های شما به شما نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را پدید آوریم، در کتابی است.

اما خیلی تقدیرات خوب و بد به رفتارها، خوبی‌ها، بدی‌ها و فال خوب و بد ما، گناه ما، صلة رحم ما ربط دارد. بر اساس این روایت، بلا در هوا معلق است. اگر شما فال بد بزنی، بگویی گرفتار می‌شوم، گرفتار می‌شوید. اگر بگویی: نه، هیچ طوری نمی‌شوم، تصادف نمی‌کنم، بد نمی‌آورم، در این معامله ضرر نمی‌کنم، آن بلا برミ گردد. بلا به نطق و گفتار و تلقین شما بستگی دارد. به فال خوب و بد شما مربوط است. امیر المؤمنین صلوات الله عليه وآله وسالم فرمودند:

**تَمَّاْلٌ بِالْخَيْرِ تَلَّهُ؛**<sup>۳</sup> فال خوب بزن تا به آن دست یابی.

۱- دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۱۷؛ الدعوات، ص ۱۷۰؛ بحار الانوار، ج ۷۸ ص ۱۷۶.

۲- من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۷۹.

۳- سورة حديد، آیه ۲۲.

۴- نثر الالکی، ص ۵۶.

## فال خوب حضرت آسیه

حضرت آسیه<sup>علیها السلام</sup> همسر فرعون بود. فرزندی هم نداشت. با شوهر خود فرعون نشسته بودند. داشتند رود نیل را تماشا می کردند. دیدند یک صندوقچه‌ای روی آب می رود. گفتند: صندوق روی آب نیل چه کار می کند؟ بروید بیاورید. مأمورها آوردند. در صندوق را باز کردند. دیدند یک نوزاد خیلی دوست داشتنی است. چشم حضرت آسیه که به این نوزاد افتاد، گفت:

**قُرْتُ عَيْنِ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَخَذَهُ  
وَلَدًا!** این کودک نور چشم من و تو خواهد بود. او را مکشید.  
شاید برای ما سودمند باشد، یا او به فرزندی بگیریم.

فال خوب زد. گفت: این روشنی چشم من و توست، یا برای ما خیر و نفع خواهد رساند، یا به فرزندی می گیریم، همین طور هم شد. این بچه موسی کلیم الله شد. حضرت آسیه را به خدا دعوت کرد، و او ایمان آورد و در اعلاه درجه بهشت کنار پیغمبر ما، همسر پیغمبر ما خواهد شد. از این بهتر می خواهی؟! با یک فال خوب، با یک خوشبینی به این حادثه به کجا رسید!

اما فرعون چه گفت؟ گفت: اشتباه نکنم این بچه مرا از بین می برد. به گمان من این همان بچه‌ای است که قاتل من است. آن هم همان طور شد. در این حادثه، فرعون نفوس بد زد. اگر فال خوب می زد، خوب می شد.

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

این هم واقعاً عجیب است که قاتل فرعون در دامن فرعون و سر سفره فرعون بزرگ شد.

### درخواست عافیت بهتر بود

در داستان حضرت یوسف ﷺ آمده است: وقتی جریان او با زلیخا پیش آمد و از آن گناه فرار کرد، زن‌های مصر او را ملامت و سرزنش کردند. زلیخا هم آن مهمانی را ترتیب داد و گفت: فکر نکنید که من گرفتار هستم، شما هم اگر ببینید گرفتار می‌شوید.

گوش بینی و دست از ترنج بشناسی روا بود که ملامت کنی زلیخا را حافظ خیلی زیبا می‌گوید:

من از آن حُسن روزافروزن که یوسف داشت دانستم

که عشق از پرده عصمت برون آرد زلیخا را

خیلی هم نمی‌شود آنها را ملامت کرد، واقعاً زیبایی او فوق العاده بود. صریح قرآن است که به جای ترنج دست خود را بریدند. خیلی غیر عادی بود. زن‌های فراوانی خاطرخواه حضرت یوسف شدند. یوسف را محاصره کردند. حضرت یوسف ﷺ چه گفت؟ گفت:

رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّ يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ؛ خدا، زندان برای

من دوست داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند!

گفت: زندان بروم بهتر است از این که دامن من آلوده شود. سورای امنیت مصر تصویب کردند که این آقا زندان برود. همه هم می‌دانستند گناه ندارد. خود زلیخا هم بعداً اقرار کرد که او گناه ندارد.

مدتی در زندان بود. حضرت یوسف علیه السلام به خدا گفت: ای خدای متعال «بِمَا ذَا اسْتَحْقَقْتُ السَّجْنَ؛<sup>۱</sup> به چه گناهی من مستحق زندان شدم؟» دامن من که آلوه نشد. نیت گناه نکردم، فکر گناه هم نکردم، چرا من زندان رفتم؟ خدای متعال فرمود: «بَلْ أَنْتَ اخْتَرْتَهُ السَّجْنَ؛ خود تو برای خود زندان بریدی». چرا گفتی «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيْهِ؟»؟ باید می‌گفتی.  
**هَلَّا قُلْتَ الْعَافِيَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ مَا يَدْعُونَنِي؟**  
 عافیت برای من دوست داشتنی تر است از آنچه آنان مرا به سوی آن می‌خوانند!

خود تو زندان را بر خودت بریدی. به زبان خود آوردي که به زندان بروم بهتر است.

زبان ما، گفتار ما و فکر و اندیشه ما، خیالات ما بسیار مؤثر است. آدم یک مقدار تمرین کند فال بد نزند. اصلاً فکر بدینی را از خود دور کند.

## حکم فرعون علیه خویش

خود فرعون داستان مفصلی دارد. در آغاز تهی دست بود. چیزی نداشت. یک کارگر ساده‌ای بود. قبرستانی را آباد کرد. خلاصه آدم خیلی زرنگی بود. پول و ثروت کلانی جمع کرد. بعد بخشدار و فرماندار شد. بعد کودتا کرد و سلطان مصر شد. بعد که سلطان شد، فکر و خیال او را گرفت. گفت: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى؛<sup>۲</sup> من خدای بزرگ شما هستم!» ادعای خدایی کرد. قرآن می‌فرماید:

۱- تفسیر القمی، ج ۱، ص ۳۵۴؛ بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۴۷.

۲- سوره نازعات، آیه ۲۴.

## گفتار دهم: خوشبینی و فال خوب

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغِي أَنْ رَآهُ اسْتَغْنَىٰ؛<sup>۱</sup> حَقًاً انسان همین که خود را بی نیاز پندارد، سرکشی می کند.

انسان وقتی به استغنا بر سد، طغیان می کند، یاغی می شود.

در روایت آمده است: جبرئیل برای اتمام حجت به صورت یک بشر درآمد. پیش فرعون رفت. گفت: من چند غلام داشتم. به آن‌ها امکان و وسایل دادم. به یک غلام خود از همه بیشتر محبت کردم. پول دادم، ثروت دادم تا این که یاغی شد. دم از استقلال می زند. می گوید: خود من مولا هستم. در مقابل من مالک قد علم کرده است.

جبرئیل در حقیقت شرح حال خود فرعون را تعریف کرد. بعد گفت: من با این بنده یاغی و طاغی چه کار کنم؟ فرعون گفت: این طور آدم را باید در آب غرق کنی. گفت: بنویس و مهر کن. نوشت و مهر کرد.

این گذشت تا وقتی جریان حضرت موسی ﷺ پیش آمد و به آب نیل زدن. بنی اسرائیل از آن طرف آب بیرون رفتند و فرعون این طرف آب ماند. جبرئیل سوار یک اسبی شد. مادیان فرعون هم داخل آب آمد. وقتی داخل آب آمد، دید دارد غرق می شود. گفت: خدایا، چرا مرا غرق می کنی؟ جبرئیل آمد و نوشه را به او نشان داد. گفت: این را چه کسی نوشه و امضا کرده است؟ دید نوشه و مهر خود اوست که حکم عبد فراری این است که در آب غرق شود.

گرفتار حکم خودش شد. اگر غیر از این می گفت، همان می شد. اگر می گفت باید او را بخسید، همان می شد.

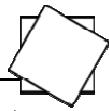
## خيال‌های خوب

دعا يکی از عوامل نجات است. توبه يکی از عوامل نجات است. فال خوب زدن يکی از عوامل نجات است. البته گاهی يک بلا حتمی است. ممکن است با فال خوب هم برداشته نشود.

آقایی خدمت حاج آقای دولابی آمده بود. گفت: حاج آقا شما مدام می‌گویید: خدای خوب ما را بهشت می‌برد. می‌آمرزد. فکر نمی‌کنید این‌ها خیال است؟ این‌ها بافت فکر خود شماست؟

ایشان جواب قشنگی دادند. فرمودند: فرض می‌گیریم که خیال باشد. خیال خوب بهتر است یا خیال بد؟ به فرض که مريض ما هم بمیرد. اگر همهٔ ما اطرافيان و خود مريض بگويم إن شاء الله اين بيماري خوب می‌شود. إن شاء الله گناهان او آمرزيده می‌شود، با اين حال بميرد خوب است، يا بگويم: همهٔ ما بیچاره می‌شويم، بدیخت می‌شويم، او هم در آتش جهنّم می‌رود؟ فرمودند: اگر خیال هم باشد، خیال خوب بهتر از خیال بد است. خواب خوب بهتر از خواب بد است.

گفتار یازدهم



---

نیک خواهی و سرنوشت



## تقدیرات حتمی

بر اساس آیات و روایات دو نوع تقدیر داریم. یکی تقدیراتی است که بالاتر از دعا و اعمال و رفتار ماست.

ما أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي  
كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَبْرَأُهَا: <sup>۱</sup> هیچ مصیبیتی، نه در زمین و نه در  
نفس‌های شما به شما نرسد، مگر آن که پیش از آن که آن را  
پدید آوریم، در کتابی است.

تقدیرات حتمی از صدر عالم خلقت نوشته شده است. باید باشد. همه ما گناه کنیم یا ثواب، روز شب می‌شود و شب صبح. قیامت خواهد آمد. ظهور امام زمان ع یک روزی خواهد شد. یعنی تقدیرات حتمی به اعمال ما هیچ ارتباطی ندارد. البته ممکن است ظهور عقب و جلو بیفتد. ممکن است مردم زمینه را فراهم کنند و زمان آن زودتر بشود، ولی اصل آن غیر قابل تغییر است.

این‌ها را می‌گوییم تقدیر حتمی. یعنی اگر خدای متعال مقدّر کرده است که شخصی در فلان ساعت از دنیا برود و اجل او حتمی است، اگر

هزاران گوسفند هم بکشند، هزارها حدیث کسae هم بخوانند، هزارها «امن یحیب» بگویند، هزارها صدقه بدنهند، آن بلاهای حتمی اتفاق می‌افتد. آن تقدیر خاص خود خداست.

### گر رود سر بر نگردد سرنوشت

این سخن با آب زر باید نوشت

سرنوشت ما به دست دیگری است

خوشنویس است و نخواهد بد نوشت

کاش این شعر را همه باور کنیم. بنابراین، تقدیرات حتمی قابل تغییر نیست. آن‌ها به دست خدای متعال و حکمت و مصلحت خود اوست. اگر همه عالم جمع شوند، نمی‌توانند آن را عوض کنند.

### خداؤند بهترین را می‌نویسد

امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَفْعُلُ بِعِبَادِهِ إِلَّا أَصْلَحَ لَهُمْ؛

خدای تبارک و تعالی با بندگانش جز آنچه برای آنان بهتر

است انجام نمی‌دهد.

۱۸۶

يعني آنچه خدا برای بندگانش خود مقدار می‌کند، اصلاح و گزینه برتر و بهتر است. هیچ وقت بد مقدار نمی‌کند، مگر این که اعمال و رفتار ما برای ما بد پیش بیاورد. همیشه زیبایی مقدار می‌کند و گزینه اصلاح را انتخاب می‌کند. خدای متعال بهترین‌ها را برای ما مقدار می‌کند.

۱- التوحید للصدوق، ص ۴۰۳؛ علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۱۴۳.

## تقدیرات غیر حتمی

از آن مرحله تقدیرات حتمی که پایین‌تر می‌آیم، تقدیراتی که قابل تغییر است.

**إِنَّ اللَّهَ لَا يُعِيرُ مَا يَقُولُ هَتَّىٰ يُغَيِّرُ وَا مَا يَأْنفِسِهُمْ<sup>۱</sup>** در حقیقت،

خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند.

این دست خود ماست. گناه انجام دهیم، برکت کم می‌شود. ثواب انجام دهیم، برکت زیاد می‌شود. توبه و استغفار در سرنوشت ما اثر می‌گذارد. شفاعت اثر دارد. دعا اثر دارد. بلاهایی که معلق است را برمی‌گرداند. فال خوب و بد اثر دارد. این‌ها در حیطه اعمال و رفتار ما هستند و به دست خود ماست.

**وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيَّةٍ فِيمَا كَسَبَتُ أَيْدِيْكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ**

**كَثِيرٍ<sup>۲</sup>** و هر گونه مصیبیتی به شما برسد، به سبب دستاورد

خود شمامست، و خدا از سیاری درمی‌گذرد.

بخش مهمی از تقدیرات به اعمال و رفتارهای ما وابسته است. بحث ما در این قسمت همین است. می‌توانیم خیلی از این‌ها را با دعا، توبه، استغفار و بازگشت به خدای متعال برگردانیم.

کسی که صله رحم می‌کند عمرش زیاد می‌شود. کسی که قطع رحم می‌کند، عمرش کوتاه می‌شود. صدقه بلاهایی که معلق است را برمی‌گرداند. فال خوب و بد اثر می‌گذارد.

۱- سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- سوره شوری، آیه ۳۰.

## هول جهنم

سیره پیغمبر خدا این بود که اگر کسی دو سه روز پیدا نبود. سراغ او را می گرفتند. چه خوب است ما هم نسبت به دوست و همسایه بی تفاوت نباشیم. اظهار محبت کنیم، سراغ دیگران برویم. یکی از یاران حضرت که برای نماز می آمد، چند روز نیامد. حضرت سراغ او را گرفتند. گفتند: بیمار است. فرمودند: به عیادت او برویم. به عیادت او رفتند. دیدند در بستر خوابیده و نمی تواند از جا بلند شود. حضرت به او فرمودند: «ما شآنگ؟»؛ چه شد که بیمار شدی؟ گفت: من چند شب قبل آدمد پشت سر شما نماز بخوانم. شما بعد از حمد سوره «قارعه» را قرائت فرمودید.

**الْقَارِئُهُ مَا الْقَارِئُهُ وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِئُهُ؟<sup>۱</sup>** کوبنده، چیست کوبنده؟ و تو چه دانی که کوبنده چیست؟

یکی از نامهای قیامت قارعه است. قارعه یعنی کوبنده. یعنی همه را در هم می کوبند. انانیت‌ها، خودیت‌ها، کوه‌ها، زمین، همه هموار می شود. آن روز کوبنده است. یعنی هر چه تعین و اسم و رسم است، همه را از بین می برد. حسب و نسب‌ها را از بین می برد. همه را کن فیکون می کند. ای پیغمبر تو نمی دانی قیامت چطور کوبنده‌ای است؟

**يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمُبْثُوثِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمُنْفُوشِ؛<sup>۲</sup>** روزی که مردم چون پروانه‌های پراکنده گردند، و کوه‌ها مانند پشم زده شده رنگین شود.

۱- سوره قارعه، آیه ۳ - ۱

۲- همان، آیه ۴ و ۵

## گفتار یازدهم: نیک‌خواهی و سرنوشت

مردم مانند پروانه‌ها در فضا معلق می‌شوند. البته تشییه از این جهت است که از خود بی‌خود می‌شوند و کوه‌ها مثل پنجه زده شده متلاشی می‌شوند. بعد می‌فرمایید:

فَآمَّا مَنْ تَقْلَتْ مَوَازِينُهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ؛<sup>۱</sup> امّا هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید، پس وی در زندگی خوشی خواهد بود!

میزان حسنات هر کسی سنگین بود، خوشی دائم در انتظار اوست. و إن شاء الله وارد اجرایات بهشت می‌شود. آرزو می‌کنیم همه جزء این دسته باشند! کسانی که این حدیث‌ها و آیه‌ها را باور می‌کنند، حتماً اهل بهشت هستند. آن‌ها که حاشیه می‌زنند، فال بد می‌زنند، از الآن یک فکری به حال خود بکنند!

در حدیث آمده است: کسی که اعتقاد به شفاعت اهل بیت علیهم السلام نداشته باشد، همان کار را با او می‌کنند. کسی که می‌گوید: من روایت شفاعت را قبول ندارم، کسی که می‌گوید: چه کسی گفته برای امام حسین اشک بریزی می‌آمرزند و دست تو را می‌گیرند؟ با او همین کار را می‌کنند. این آیه می‌فرمایید: میزان حسنات هر کسی سنگین باشد، به بهشت می‌رود. بعد می‌فرمایید:

وَأَمَّا مَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمِّهُ هَاوِيَةٌ؛<sup>۲</sup> وَ امّا هر که سنجیده‌هایش سُبُك برآید، پس جایش «هاویه» باشد.

۱- همان، آیه ۶ و ۷.

۲- همان، آیه ۸ و ۹.

به حضرت عرض کرد: شما این آیات را که خواندید، هول جهنّم و قیامت من را گرفت. به خانه آمدم. به خدا گفتم: «إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجَّلْ ذَلِكَ فِي الدُّنْيَا». یعنی خدایا، من طاقت آتش جهنّم را ندارم. اگر من گناهی دارم که بناسن عقوبت بشوم، در همین دنیا عقابم کن! اگر بناسن ادب کنی، همین جا ادب کن. گفتن همان و مريض شدن همان و خوابیدن همان! گفتم: بعضی از دعاها هم زود مستجاب می‌شوند. با بحث‌هایی که بیان کردیم، به نظر شما این آقا حرف خوبی زده یا حرف بدی زده؟

**بد حرفی زدی!**

پیغمبر ما فرمودند:

**بِئْسَمَا قُلْتَ؛ بد حرفی زدی.**

مگر خدا به عذاب ما نیاز دارد؟ به خدا بگو: هم در دنیا ببخش و هم در آخرت ببخش. نه این که در دنیا مرا عقوبت کن. چرا به خدا می‌گویی مرا در همین دنیا پاک کن؟ بگو: در همین دنیا هم مرا ببخش. من طاقت بلاها را ندارم. اگر خدا بخواهد چوب گناهان را به ما بزند، همه هلاک می‌شویم.

190

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهَرِهِا مِنْ  
ذَآبَةٍ<sup>۱</sup> وَ اگر خدا مردم را به سزای آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه  
می‌کرد، هیچ جنبندهای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت.

## گفتار یازدهم: نیکخواهی و سرنوشت

باید همه را در هم بکوبد. باید بر ما سنگ ببارد، ولی خدا همیشه می‌بخشد. در همین دنیا هم عقوبت نمی‌کند، بیشتر گناهان ما را می‌بخشد. گاهی یک تنیجه می‌کند که ما بیدار شویم. حضرت فرمودند: بد حرفی زدی! فرمودند: چرا نگفتنی:

**رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قَنَاعَذَابَ النَّارِ؛ پروردگار!** در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش دور نگه دار.

این آیه را همه در قنوت نماز می‌خوانیم. حضرت فرمودند: چرا به جای درخواست عقوبت در دنیا، این طور از خدا نخواستی که خدایا، در دنیا به من حسنے بده، در آخرت هم به من حسنے بده، من را از عذاب آتش نگه دار! کاش این درخواست را می‌کردی! بعد فرمودند:

**الْحَسَنَةُ فِي الدُّنْيَا الصَّحَّةُ وَ الْعَافِيَةُ وَ فِي الْآخِرَةِ الْمَغْفِرَةُ وَ الرَّحْمَةُ؛** حسنه در دنیا صحت و سلامت است و در آخرت مغفرت و رحمت الهی.

وقتی می‌گوییم: «رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»، یعنی خدایا، در دنیا به ما صحت و عافیت بده! ما طاقت بلا نداریم. هیچ وقت از خدا بلا و گرفتاری نخواهید. بگویید: خدایا، من مستحق هستم، ولی از تو خواهش می‌کنم عفو کن، بیخشن!

وقتی می‌گوییم: «وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»، یعنی در آخرت به ما بهشت و رحمت و مغفرت بده! ما را بیخشن و رحمت خود را شامل حال ما

کن! «وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»؛ و ما را از آتش جهنم هم نگه دار!  
 امیر المؤمنین علیه السلام در ذیل همین آیه فرمودند: «رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً»،  
 یعنی «الْمَرَأَةُ الْحَسَنَاءُ الصَّالِحَةُ» همسر زیبای صالح.«وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً»،  
 یعنی در آخرت از حوریان بهشتی نصیبیم کن! در بهشت هم همسر  
 خوبی داشته باشیم. «وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»، یعنی خدا، از همسر بد مرا حفظ  
 کن!<sup>۱</sup> که مثل آتش جهنم است.

### بلا در گرو گفتار

پس سعی کنیم همیشه از خدا چیزهای خوب بخواهیم. فال خوب  
 بزنیم، نیت خوب داشته باشیم. بر اساس روایات سرنوشت شما مطابق  
 آن چیزی است که می‌گویید. چنان‌که رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرمودند:  
**الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُسْتَقِلِّ أَوْ بِالْقَوْلِ؛<sup>۲</sup>** بلا در گرو زبان و گفتار  
 قرار داده شده است.

یعنی این بلا معلق است. اگر شما بگویید می‌خورد، می‌خورد. و اگر  
 بگویید نمی‌خورد، نمی‌خورد. به گفتار شما بستگی دارد.  
 در خواب هم همین طور است. تا می‌توانند خواب را به کسی  
 نگویند، مگر به افراد صالح و باتقوا و بایمان که هم خوب تغییر کنند  
 و هم درست تغییر کنند. و اگر خود شخص خواست تغییر کند، فال  
 خوب بزنند.

بر اساس روایات، خواب آن‌طور که خود تو یا دیگران تغییر می‌کنند

۱- منهج البراءة، ج ۵، ص ۳۱۲

۲- مشكاة الأنوار في غرر الأخبار، ص ۱۷۴

## گفتار یازدهم: نیک‌خواهی و سرنوشت

واقع می‌شود. اگر خواب خوب ببینی تعبیر بد بکنی، همان‌طور می‌شود. اگر خواب بد ببینی و تعبیر خوب بکنی، همان‌طور می‌شود. در هر صورت خواب هم به زبان ما و گفتار ما و تعبیر ما وابسته است.

### تعبیر خواب و تقدیر

امام کاظم علیه السلام فرمودند:

**الرُّؤيا عَلَى مَا تُعْبِرُ؛<sup>۱</sup> خواب همان‌گونه تحقق می‌یابد که  
تعبیر می‌شود.**

بعد فرمودند: شوهر یک خانمی به مسافرت رفت. خواب وحشتناکی دید. دید ستون خانه او در هم شکست و سقف خانه پایین آمد. ظاهر آن خواب خوبی نیست. خیلی نگران شد. گفت: برای شوهر من اتفاقی نیفتدا!

آمد خدمت پیغمبر خدا. عرض کرد: من خواب بدی دیدم و شوهر من به مسافرت رفته و خواب خود برای حضرت عرض کرد. حضرت فرمود: این علامت این است که شوهر تو صحیح و سالم برمی‌گردد و سود و منفعت زیادی می‌کند و زندگی شما بهتر می‌شود. همین‌طور هم شد.

شوهر او صحیح و سالم آمد و سود فراوان و هدايا آورد و بر خلاف ظاهر خواب، زندگی آن‌ها هم بهتر شد.

باز شوهر او به مسافرت رفت و همین خواب را دید و حضرت خواب را همان‌طور خوب تعبیر کردند.

۱- الکافی، ج ۸ ص ۳۳۵؛ بحال انوار؛ ج ۵۸، ص ۱۶۴.

بار سوم باز شوهر به مسافرت رفت. و همان خواب را دید. آمد محضر پیغمبر برسد، قبل از این که به خدمت پیغمبر برسد، خواب را برای مرد شوم و بد ذاتی بیان کرد. گفت: چنین خوابی دیدم. گفت: معلوم است تعبیر آن چیست. گفت: چیست؟ گفت: ستون خانه، شوهر است. شوهر تو می‌میرد و برنمی‌گردد.

خبر به پیغمبر خدا رسید. حضرت فرمودند:

**آلَّا كَانَ عَبَرَ هَا خَيْرٌ!** چرا این مرد، خواب آن زن را تعبیری نیکو نکرد!

یعنی همان طور که او گفته، محقق می‌شود. بنابراین، باید در مورد خواب هم تعبیر خوب کنیم و هم درست تعبیر کنیم. اگر ما علم آن را نداشتیم، مثلاً بگوییم إن شاء الله خیر است. هر چند بدترین خواب‌ها باشد. هم در دل و هم در ذهن خود خوب تعبیر کن. به دیگران هم نگو.

### خبرهای خوب و بد

رسول خدا ﷺ فرمودند:

**الرَّجُلُ الصَّالِحُ يَأْتِي بِالْخَبَرِ الصَّالِحِ وَ الرَّجُلُ السَّوْءُ يَأْتِي بِالْخَبَرِ السَّوْءِ؛**<sup>۱</sup> انسان صالح و نیکوکار خبر نیک می‌آورد. و مرد بدکار خبر بد می‌آورد.

برخی افراد بدخبر هستند. تا کسی می‌میرد، یا پیشامد ناگواری

## گفتار یازدهم: نیکخواهی و سرنوشت

می‌شود، همه را ناراحت می‌کنند. تا می‌توانیم خبرهای ناگوار و بد را نگوییم. مگر این که ضرورت باشد. یا برای خبرهای ناگوار واسطه نشویم، یا در آخرین دقیقه از باب ناچاری و مجبوری بگوییم. ولی گفتن خبر خوش خوب است.

در جنگ احد حضرت حمزه علیه السلام شهید و بدن ایشان مثله شده بود. پیغمبر ما حضرت علی علیه السلام را فرستادند. فرمودند: برو از عمومی من خبر بیاور. آمدند دیدند چنین وضعی است. فرمود: من نمی‌روم بگوییم. یک نفر دیگر آمد. او هم اوضاع را که دید، گفت: من هم نمی‌روم بگوییم. اتفاق افتاده بود، ولی گفتند: ما واسطه رساندن خبر بد نمی‌شویم. چرا من پیغمبر را ناراحت کنم؟ پیغمبر خدا وقتی دیدند حضرت علی نیامدند. خود ایشان آمدند. هم دیرتر فهمیدند، هم خود ایشان آمدند دیدند. بنابراین، تا آنجا که ممکن است، خبرهای بد را نرسانیم، حتی خبرهایی که لازم نیست به آن‌ها بگوییم را کتمان کیم.

## تأثیر تلقین

مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری ره مؤسس حوزه علمیه قم که شخصیت‌های برجسته، همچون امام راحل در درس ایشان تربیت شدند. یکی از کارهای بسیار خوب ایشان این بود که در قم یک بیمارستانی تأسیس کردند.

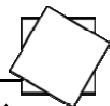
وزارت بهداشت آن زمان دید بیمارانی که در این بیمارستان می‌خوابند، درصد درمان و شفا پیدا کردن آن‌ها از همه کشور و از همه دنیا بیشتر است. خیلی تعجب کردند.

عده‌ای را به عنوان بازرس فرستادند که ایشان چه کار کرده است که این بیمارستان این طور شده است؟ آمدند تحقیق کردند دیدند ایشان یک شگرد خیلی خوبی به کار برده است.

ایشان فرموده بود: روحیه برای بیمار خیلی مهم است. من پول اضافه می‌دهم که ساعت ده یازده شب، همان زمان که بیمار ناراحت است و فکر و خیال می‌کند، دکتر و پرستار بیایند بالای سر بیمار. پرستار پرسد: حال این بیمار چطور است؟ دکتر هم بگوید: خیلی خوب است. رو به بهبود است. بیمار با شنیدن این حرف روحیه می‌گیرد. اصلاً خود بدن در مقابل بیماری مقاومت می‌کند.

این تلقین خوب و فال خوب زدن را کنار بستر این‌ها القا می‌کردند. این باعث شده بود که درصد بیمارانی که در این بیمارستان بهبود می‌یابند از همه بیمارستان‌های دنیا بیشتر باشد.

# گفتار دوازدهم



---

خوشبینی و تقدیرات الهی



## خیر دنیا و آخرت در خوشبینی

کسی که خوشبین است، انگیزه‌ای در او ایجاد می‌شود که بیشتر طرف خوبی‌ها برود و همچنین بدینی انسان را به عقب می‌کشاند. ما اگر به میزانی بدین باشیم، دوست نداریم به طرف او برویم. لذا فرمود: بدینی به خدا بدترین گناهان کبیره است و خوشبینی به خدا بهای بھشت است.

خوشبینی امید و آرامش و راحتی می‌آورد و رفتار ما را به سمت خوبی‌ها می‌کشاند و یأس و نامیدی و دوری از خدا را به دنبال دارد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

وَجَدْنَا فِي كِتَابٍ عَلَىٰ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ وَهُوَ عَلَىٰ مِنْبَرِهِ وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَعْطَى مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللَّهِ، وَرَجَائِهِ لَهُ وَ حُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفَّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِينَ؛<sup>۱</sup> در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا علیه السلام بر روی منبر می‌فرمودند: سوگند به آن خدایی که جز او معبدی نیست، به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت داده

۱- الكافی، ج ۲، ص ۷۲؛ مشکاة الانوار، ص ۳۶؛ بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۳۶۶.

نشد، مگر به خاطر گمان نیکویش به خدا و امید به او و به

خاطر خوش اخلاقی اش و خودداری از غبیت اهل ایمان.

این خیلی مهم است که امام یا پیغمبر سوگند بخورند. چون اصلاً<sup>۱</sup> قسم خوردن امر مکروهی است. ولی به خاطر این‌که طرف را تکان بدھند، یا به او شوک وارد بکنند، یا اهمیت مسأله برای آن‌ها جا بیفتند، قسم می‌خورند.

پیامبر، اوّل شخصیت عالم سوگند می‌خورند که خداوند به هیچ مؤمنی خیر دنیا و آخرت مرحمت نمی‌کند، مگر به واسطهٔ چهار چیز: حسن ظن به خدا، امید به خدا، حسن خلق و خودداری از غبیت. خدا از درِ خوش‌بینی به انسان خیر دنیا و آخرت را می‌دهد.

## تصدیق خوش گمان

اگر دنیا را هم می‌خواهید با خوش‌بینی جلو بروید. حضرت امیر علی<sup>علیہ السلام</sup> در وصیت به فرزند گرامی اش امام مجتبی علیه السلام می‌فرماید:

مَنْ ظَلَّ بِكَ خَيْرًا فَصَدَّقَ ظَنَّهُ؛<sup>۱</sup> هر کسی به تو گمان خیر و نیکی برد، گمانش را تصدیق کن.

اگر کسی در خانهٔ شما آمده است، امیدی دارد، او را رد نکن، به او عنایتی کن. خدا هم خیر دنیا و آخرت را به کسی مرحمت نمی‌کند، مگر به خاطر خوش‌بینی و امیدی که به خدا دارد.




---

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱؛ تحف العقول، ص ۶۲ تصنیف غزال الحکم، ص ۲۵۳

## عذاب بدگمانی

پیامبر خدا در ادامه فرمودند:

وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَعْذِبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْيِةِ وَ  
الإِسْتِغْفَارِ إِلَّا سُوءِ ظَاهِرِهِ وَ تَقْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ وَ سُوءِ  
خُلْقِهِ وَ اغْتِيابِهِ لِلْمُؤْمِنِينَ؛ قسم به آن خدایی که جز او  
خدایی نیست، خدا مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب  
نمی‌کند، مگر به خاطر بدگمانی اش به خدا و کوتاهی کردن  
نسبت به امیدواری به او و به خاطر بداخلانی و غیبت  
کردنش از اهل ایمان.

اگر خدایی ناکرده کسی به خدا بدین باشد، بگوید: خدا نمی‌آمرزد،  
کار من را درست نمی‌کند و نسبت به امید به خدا کوتاه بیاید، درهای  
عذاب الهی را به روی خود گشوده است. از خودت نامید بشو، اشکال  
ندارد، ولی به خدا هر چه می‌توانی امید خود را زیاد کن که او کار ما را  
درست می‌کند، دست ما را می‌گیرد. روی رجاء و امید هر چه می‌توانید  
سرمایه‌گذاری کنید.

## مطابق امید بندۀ مؤمن

بعد فرمودند:

وَالَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَا يَجْسُنُ ظَنٌ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ  
اللَّهُ عِنْدَ ظَنٍ عَبْدِهِ الْمُؤْمِنُ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ، بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ  
يَسْتَحِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ، ثُمَّ

**يُخْلِفَ ظَنَّهُ وَ رَجَاءُهُ؛ وَ بِهِ خَدَائِي كَه جَزْ او كَسَى شَايَانْ پَرْسِتَشْ**

ニست، گمان هیچ بندهای نسبت به خدا نیکو نشود، جز این که خدا همراه گمان بندۀ مؤمن خود باشد؛ زیرا خدا کریم است و همه خیرات به دست اوست. او حیا می‌کند از این که بندۀ مؤمنش به او گمان نیک بَرَدْ و او برخلاف گمان و امید بنده رفتار کند.

خدا می‌گوید: من در نزد گمان بندۀ خود هستم. این قاعدة کلی است. بگو: خدا می‌بخشد، خدا کار ما را درست می‌کند، ما را به خود نزدیک می‌کند، ما را به بهشت می‌برد! خدا می‌گوید: اگر عمل تو هم ضعیف باشد، من طبق همان گمان تو با تو رفتار می‌کنم.

بعد پیغمبر خدا استدلال کردند که خدا کریم و بزرگوار و با کرامت است. همه خیرات به دست اوست. از این که بندهای به او امید بسته است، و به او گمان خوب دارد، حیا می‌کند خلاف آن گمان و امید او با او رفتار کند.

روی امیدواری هرچه می‌توانید سرمایه گذاری کنید که خدا طبق امید شما با شما رفتار می‌کند. بعد فرمودند:

۲۰۲

**فَأَحْسِنُوا بِاللَّهِ الظَّنَّ، وَ ارْغِبُوا إِلَيْهِ؛ بِهِ خُوشِبَينْ باشید و  
بِهِ سویش رغبت کنید!**

هرچه می‌توانید به خدا خوشبین باشید و به سوی خدای متعال رغبت داشته باشید.

این روایت جمع‌بندی همه نکاتی است که در بحث خوشبینی و امید به خداوند مطرح شد.

## جبران فال بد

اما اگر کسی فال بد زد و خواست آن را جبران کند و اثرات را از بین ببرد، چه باید بکند؟ رسول خدا صلوات الله عليه و آله و سلم فرمودند:

**كَفَّارَةُ الطَّيْرَةِ التَّوَكُّلٌ؛<sup>۱</sup>** کفاره فال بد توکل به خاست.

عنی اگر فال بد زدید، افکار بد به ذهستان آمد، به خدا توکل کنید، تا آثار شوم آن برداشته شود. و معنای توکل در اینجا این است که به فال بد اهمیت ندهید و امیدتان به خدا باشد. چون وقتی برای فال بد اهمیت قائل نشوید و بی خیال شدید، رها می کند. کار خود را انجام بدهید و سعی کنید به آن فال بد بی اعتنا باشید.

## آثار تلقین در روحیه

استاد دانشگاهی به بنده می گفت: شما حدیث کوتاهی را روی منبر خواندید که «الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُنْطِقِ وَ الْقُولِ؛ بلا به زبان و گفتار وابسته است.» یکی از دانشمندان و روان‌شناسان خارجی یک کتاب مفصل درباره همین یک کلمه حدیث نوشته است. و ثابت کرده است که تلقین در شدت بیماری و خوب شدن بیمار اثر دارد. روحیه دادن به افراد بسیار مؤثر است.

افرادی که می خواهند کنکور بدهند، مدام تقلین کنند که إن شاء الله موفق می شویم، قبول می شویم، کار ما درست می شود. ما با باورها و خیال‌های خوب و یا بد خود داریم زندگی می کنیم. این‌ها قطعاً اثر دارد.

## تلقین میت

شخصی می گفت: چطور تلقین به مرده اثر دارد، ولی به زنده اثر ندارد؟ در روایات فراوان و دستور فقهای ما آمده است: کسی که روح از بدن او جدا شد و او را در چاله قبر خواباندند، مستحب است کسی برود شانه او را تکان بدهد و به او اعتقادات را تلقین کند. روح در بدن او نیست، ولی روح به آنجا اشراف دارد.

مرحوم حاج آقای دولابی می فرمودند: این منبرها و جلسات ما یک تلقین میت است. دل های مرده و روح های مرده افرادی که از خدا بریده اند را تلقین کن. بگو: خوب خدایی داری، به خدای مهریان خوش بین باش! خوب پیغمبری داری، خوب قرآنی داری! این ها هم در دنیا برای ما مفید است، هم برای آن کسی که در قبر رفته است.

## خوش گمانی حتی به یک سنگ!

امام عسکری علیه السلام فرمودند:

أَخْسِنُ ظَنَّكَ وَلَوْ بِحَجَرٍ يَطْرُحُ اللَّهُ فِيهِ سَرَّهُ فَتَتَّوَلَّ  
نَصِيبِكَ مِنْهُ؛<sup>۱</sup> خوش بین باش، هر چند به یک سنگ باشد که  
خداآوند سر خود را در آن می افکند و تو بهره خود را از آن  
می بری.

۲۰۴

يعنى به خلقت خدا خوش بین باش. حتی به آسمان، زمین، سنگ، درخت، در، دیوار، خاک و همه مخلوقات خدا و موجودات عالم. این ها لشکر خدا هستند.

۱- عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۲۵؛ بحار الأنوار، ج ۷۲ ص ۱۹۷.

## جمله ذرّات زمین و آسمان

## لشکر حق‌اند پیدا و نهان

این‌ها فهم و شعور دارند، فرمودند: حتی به یک سنگ هم خوشبین باش. خدا سر خود را در آن سنگ قرار می‌دهد و تو بهره خود را از آن سنگ می‌بری.

راوی تعجب کرد. گفت: من به یک سنگ خوشبین باشم یعنی چه؟  
حضرت فرمودند:

**أَلَا تَنْظُرُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ؟** آیا به حجر الاسود نگاه نمی‌کنی؟  
یعنی بین خدا یک سنگ را چقدر شرافت داده که حجر الاسود شده است! از سنگ‌های بهشتی شده است! پیغمبر می‌آید دست می‌کشد و می‌بوسد. امام زمان می‌آید این سنگ را نوازش می‌کند. نامید نباش. خدا به یک سنگ شرافت داده است. تو بشر هستی، بالاتر از سنگ هستی. یعنی امیدوار باش.

خدا سنگ را عقیق قرار داده است. در دست خود می‌کنی و نماز می‌خوانی، ثواب آن هفتاد برابر بیشتر می‌شود. یعنی اگر سنگ هم باشی خدا تو را بالا می‌برد.

## سنگی که موجب پیروزی شد!

خدا گاهی با یک سنگ کارهای فوق العاده کرده است. جالوت یک طاغوت بود. آمد به حضرت داود و مؤمنی که همراه ایشان بود حمله کرد. داود یک سنگ در فلاخن گذاشت و پرتاب کرد. به پیشانی جالوت خورد و پیشانی او شکست و تمام این لشکر با این سنگی که به پیشانی او خورد فرار کردند. خدا به وسیله سنگ یک امّتی را فاتح قرار داد.

## سنگی وسیله هدایت

گاهی یک سنگ موجب هدایت و سعادت یک فرد می‌شود. مرحوم حاج آقا رحیم ارباب از بزرگان بود. آیت الله بروجردی شاگرد ایشان بوده و مجتهدین فراوانی پای درس ایشان تربیت پیدا کردنده. پدرش از پولدارها و ثروتمندان اصفهان بوده است. چون ملک و آبادی داشته‌اند به او ارباب می‌گفتند.

در فرزندان ایشان اهل علم و روحانی نبوده است. فرزند ایشان، آقا رحیم هم دنبال تفریح و گردش و در این وادی‌ها بوده است. یک بار با رعیت‌ها به بیابان می‌آیند تا تفریح کنند.

عشایر برای پختن نان سنگ را داغ می‌کنند، خمیر را روی آن می‌زنند، نان مطبوعی درست می‌شود. ایشان به رعیت می‌گوید: برای من از این نان‌های سنگی بپزید. رعیت‌ها می‌آیند سنگ را داغ می‌کنند و نانی می‌پزند. همه طرف نان‌ها پخته می‌شده و یک طرف آن خمیر می‌مانده است.

ایشان اعتراض می‌کند که چرا این نان‌ها این طوری است؟ می‌آیند می‌بینند یک قسمت سنگ سرد است. اصلاً داغ نمی‌شود. خیلی تعجب می‌کنند می‌آیند به آقا رحیم می‌گویند. ایشان هم جوان کنگکاوی بوده است. می‌آید می‌گوید که من باید سرّ این را به دست بیاورم.

به رعیت‌ها می‌گوید: مگر این قسمت سنگ با بقیه قسمت‌ها فرق می‌کند؟ هر طور شده است باید سرّ این را به دست بیاورید. خلاصه آن‌ها را وادار می‌کند پتک می‌آورند و سنگ را می‌شکنند. می‌بینند این

## گفتار دوازدهم: خوشبینی و تقدیرات الهی

قسمت سنگ از یک درزی که داشته است یک کرم لای این رفته است، خدا می خواسته است این قسمت داغ نشود و این کرم از بین نرود. آقا رحیم جوان متحول می شود. می گوید: خدایی که کرم لای سنگ را فراموش نکرده است، من را فراموش می کند؟ رحیم را فراموش می کند؟ من باید بروم درس توحید یاد بگیرم.

از همانجا فکر او عوض می شود، تشریفات و تجملات و ارباب‌گری را رها می کند. در حوزه اصفهان طلبه می شود و از علمای طراز اول اصفهان می شود که منشأ برکات زیادی می شود که یکی از آنها مرحوم آیت الله بروجردی بوده است.

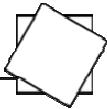
### فال خوب پیامبر ﷺ

شما هر چه می توانید در مورد خدا خوشبین باشید، فال خوب بزنید. زبان ما به خیر باشد، دل ما به خیر باشد. وقتی پیغمبر خدا ﷺ برای خسرو پرویز نامه فرستاد، او نامه حضرت را پاره کرد. یک کمی هم خاک در ظرف ریخت و به آن قاصد گفت: این را برای پیغمبر ببر. آمد و به پیغمبر گفت: چنین کاری کرد. حضرت فرمود: نامه را پاره کرد، خدا ملک او را پاره می کند. خاکی که برای ما فرستاد، علامت این است که مملکت او تحت تصرف ما در می آید. همین طور هم شد. حضرت فال خوب زدند.

وقتی حلیمه سعدیه را برای شیردهی پیغمبر آوردند، گفتند: چه اسم خوبی! هم حلیم است، هم سعدیه و سعادتمند. ما با الفاظ و کلمات می توانیم تلقینات خوب و فال خوب داشته باشیم.



گفتار سیزدهم



گنجینهٔ صحیفه



## شفای همه بیماری‌ها

دعا و نیایش با خدای متعال شفای تمام دردهاست. همه بیماری‌های روحی و جسمی و ظاهری و باطنی و فردی و اجتماعی را با دعا می‌توان درمان کرد. دعا آرامش دهنده همه اضطراب‌ها و نگرانی‌هاست.

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

عَلَيْكَ بِاللُّدْعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ<sup>۱</sup> بر تو باد به دعا، که  
شفا از هر بیماری است.

دعا و نجوا و انس با خدا زیاد داشته باشید. در دعاهای خود نامیدی را باید کنار بگذاریم. در نامیدی برای شیطان است، باید آن را محکم بیندیم. هر کس دعا می‌کند، در دستگاه خدا یک چیزی به حساب او واریز می‌شود. و در وقت خود پاسخ می‌دهند. اگر هیچ ثوابی هم به ما ندهند، من نشسته‌ام و با خدا صحبت کرده‌ام. آن موقع گناه نمی‌کنم، آن موقع یاد خدا هستم، این بهره نقدی دعاست.

خود همین صحبت کردن با خدا، مزد دعاست. چه حاجتی بالاتر از این‌که من با خدا هم صحبت شدم. سلاح همه ما، مغز و روح عبادت ما دعاست.

---

۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۷۰؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۵؛ بحار الانوار، ج ۵۹، ص ۸۹

## برای برون رفتن محبت دنیا از دل

«صحیفه سجادیه» معتبرترین کتاب دعای ماست. تمام آن از امام سجاد علیه السلام است.

مرحوم آیت الله حائری شنبیده بودند که کسی «صحیفه سجادیه» را خوانده است و مهر و محبت دنیا از دل او بیرون رفته است. این عالم جلیل القدر فرموده بودند: من یک دور صحیفه سجادیه را خواندم، به این نیت که خدا مهر و محبت دنیا را که ریشه همه فسادهاست، از دل من بیرون کند.

باید با این کتاب انس داشته باشیم. دست کم بعضی از دعاهای آن را گاهی بخوانیم.

## دعای معجزه آسا

یکی از دعاهای زیبای آن دعای هفتم است که از آن به «دُعَائِهِ فِي  
الْمُلِئَاتِ وَالْمُهَمَّاتِ وَعِنْدَ الْكَرْبِ» تعبیر شده است.

وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضَتْ لَهُ مُهَمَّةٌ أَوْ نَزَّلَتْ  
بِهِ مُلِئَةٌ وَ عِنْدَ الْكَرْبِ؛ امام سجاد علیه السلام در امور بسیار مهم و در  
گرفتاری‌ها، شداید و سختی‌ها این دعا را تلاوت می‌کردند.

بعضی از بزرگان ما این دعا را در قنوت نماز خود می‌خوانند. دعای نسبتاً کوتاه و مجری است. برای دفع فقر، گرفتاری‌ها، مشکلات، تنگی سینه، مشکلات روحی، افسردگی بسیار مفید است. خوشبختانه این دعا در «مفاتیح الجنان» هم آمده است. چند صفحه بعد از دعای توسل است. این دعا با این جمله شروع می‌شود:

يَا مَنْ تُحَكُّلِ بِهِ عَقْدُ الْمُكَارِهِ، وَ يَا مَنْ يَفْتَأِلِ بِهِ حَدُّ الشَّدَائِدِ، وَ يَا  
مَنْ يُلْتَمِسُ مِنْهُ الْخَرْجُ إِلَى رُوحِ الْفَرَجِ ذَلَّتْ لِقُدْرَتِكَ  
الصَّعَابُ، وَ تَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ الْأَسْبَابُ؛<sup>۱</sup> اَيْ خَدَائِي كَهْ گَرَه  
نَاكَوارِي هَاهِ عَالَمُ بِهِ او گَشاَيش مَيْ يَابِدِ! اَيْ خَدَائِي كَه  
سَختَى هَاهِ جَهَانُ بِهِ او آسَانُ مَيْ گَرَددِ! اَيْ آنَ كَهْ بِرُونُ شَدَن  
اَزْ غَمُ وَ اَندَوْهُ وَ وَرُودُ بِهِ حَقِيقَتُ شَادِي وَ خَرْمَى اَزْ او درَخَواست  
مَيْ شَوَدِ! مشَكَلاتُ عَالَمُ پِيشَ قَدْرَتُ رَامَ گَرَدَنَدُ وَ اَسْبَابُ وَجَود  
هَرْ چِيزَ بِهِ لَطْفُ وَ كَرْمَتُ نَظَامَ يَافَتهِ اَسْتِ.

فَرازَهَاهِ آنَ بِسِيَارٍ زَيَّاستِ!

وَ جَرَى بِقُدْرَتِكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَى إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ؛ وَ  
قَضَا بِهِ قَدْرَتُ توْ جَارِي، وَ هَرْ چِيزِي بِهِ اِرَادَهُ توْ اَمْضا مَيْ گَرَددِ.

### همه کاره همه چیز

همه چیز دست توست. کسی را که تو بلند کنی، زمین نمی خورد.  
کسی را که تو زمین بزنی، بلند نمی شود. گرهای را که تو بزنی، کسی  
نمی تواند باز کند. چیزی را که تو باز کنی، کسی نمی تواند گره بزند.

لَا فَاتِحَ لِمَا أَغْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ؛ دری را که تو بر  
بندي، ديگري نمی تواند بگشайд و اگر تو بگشايي، کسی  
نمی تواند ببندد.

همه کاره خود تو هستی. اين جملات ما را به توحيد محض می برد.

و به همین خاطر است که برخی از بزرگان آن را در قنوت نماز می‌خوانند و با آن باب توحید را به روی خود می‌گشوند.

### آبی بر آتش

شخصیت بزرگواری می‌فرمود: من یک موقعی بیماری خیلی سختی داشتم. و گرفتاری‌هایم بسیار حاد شده بود. در مرز نالامیدی بودم. یعنی دیگر از همه جا بریده بودم. امکانات مادی هم نداشتم که دنبال معالجه بروم. یک وقت در «مفاتیح الجنان» به همین دعا برخوردم. با سوز دل این دعا را تلاوت کردم.

ایشان می‌فرمودند: من همین‌که این دعا را شروع کردم به خواندن، غم و بیماری و افسردگی از وجود رخت بر بست. مثل آب روی آتش بود. از این رو به آن رو شدم. از جا بلند شدم. مثل این‌که یک کسی را بسته باشند و یکدفعه او را آزاد کنند. یا در قفس باشد و در قفس را به روی او بگشایند.

اگر کسی واقعاً با باور و اعتقاد بخواند، بسیار مؤثر است. البته چه خوب است انسان با معانی آن هم یک مقدار مأнос باشد. می‌گوید: ای خدایی که همه گرهها را تو باز می‌کنی، باز کردن دست توست. بعد هم می‌گوید: این گرفتاری‌ها باعث نشود که من از واجبات خود بمانم. خدایا، به برکت پیغمبر و اهل بیت عیش خوبی به من مرحمت کن!

۲۱۴

### هدیهٔ حضرت رضا ﷺ

یکی از اساتید بزرگوار ما می‌فرمود: یکی از علمای طراز اوّل تهران

می‌گفت: قبل از انقلاب روضه زنانه گرفته بودیم. قهرآ همسایه‌ها و فامیل‌ها را خبر می‌کردند که به روضه بیایند. یک خانمی در کنار منزل ما بود. عرق دینی داشت، ولی بی‌حجاب بود. شنیده بود منزل ما روضه است. به منزل ما می‌آمد. یک چادر توری به سر می‌کرد و با آرایش وارد مجلس می‌شد.

خانم من به من گفت: همه کسانی که به روضه می‌آیند، با حجاب و پوشیده هستند، ولی خانمی با یک چادر توری و وضع ناهنجاری در روضه شرکت می‌کند. من بین محذور گرفتار شدم. اگر به او بگوییم نیا، مجلس روضه است، مهمان است، هر چقدر هم بد باشد، باید احترام کنیم. چه برسد به این که امام حسین و اهل بیت دوست دارد. ماندم چه کار کنم؟ از این طرف هم به او تذکر بدهم، می‌ترسم ناراحت و دلگیر شود. چون امر به معروف و نهی از منکر هم خیلی لطایف و ظرایف دارد که به هر کسی چطور بگوییم و چه زمانی بگوییم.

یکی از بهترین‌ها راههای امر به معروف و نهی از منکر این است که بی‌صدا و با اعمال و رفتار خود امر به معروف کنیم. بزرگی در یک کلام بسیار زیبایی می‌فرمود: بالاترین امر به معروف‌ها این است که خود تو مجسمه معروف شوی. یعنی مجسمه خوبی‌ها شوی. با رفتار خوب خود به دیگران خوبی‌ها را یاد دهی. خود تو چراغ شوی و راه را نشان دهی. امر به معروف عملی بالاترین و زیباترین مصدق امر به معروف است. خود تو مجسمه ترک گناه شوی. هیچ وقت گناه نکنی، همه ببینند و یاد بگیرند. همه وجود تو نشان دهد که تو گناه نمی‌کنی.

یک موقعی مَا با خانواده به شمال رفته بودیم. من هم معمّم بودم. دیدم آن طرف تر یک خانواده‌ای نشستند و شروع کردند به لهو و لعب ما مانده بودیم که چه کنیم! موقع نماز شد، بلند شدم اذان و اقامه گفتم به نماز ایستادم. کاری هم با آن‌ها نداشتم. حرفی هم نزدم. خود آن‌ها وقتی دیدند من اینجا دارم نماز می‌خوانم. خجالت کشیدند. همه کارهای خود را تعطیل کردند.

در هر صورت این آقا گفت: خانم من به من گفت که من ماندم که چه کار کنم؟ از یک طرف یک خانم بی‌حجاب در جمعی می‌آید که همه با حجاب هستند، همه حواس‌ها هم پرت می‌شود. گفتم: مجلس امام حسین و اهل‌بیت است، از فضای مجلس نورانیت را می‌گیرد. شما یک مقدار حوصله و تحمل کن درست می‌شود. ایشان چند بار آمد و در جلسه روضه شرکت کرد.

ایام عید نوروز شد. بعد از ایام عید نوروز خانم من گفت که همسایه‌ای که بی‌حجاب بود، مسافرت رفته بود و برگشته است. به من زنگ زد و گفت: خانم فلاذی، دعای «یا مَنْ تُحَلِّلْ بِهِ عُقْدُ الْمُكَارِ» داریم؟ او کسی بود که اصلاً اهل دعا نبود. گفت: چطور؟ گفت: یک جریانی است می‌آیم حضوراً به شما می‌گوییم. من تعجب کرم. وقتی آمد، دیدم با حجاب و پوشیده و از این رو به آن رو شده بود. اصلاً عوض شده بود. گفت: حقیقت را به شما بگوییم. من مذهبی و اهل این حرف‌ها نبودم. ولی روضه را دوست داشتم. امسال برای گردش به مشهد رفتیم. به قصد زیارت هم نرفته بودیم. گفتیم: حالا که برای گردش و تفریح آمدیم. روز

آخر سری هم حرم امام رضا علیه السلام برویم. حرم رفتیم و زیارت کردیم. شب آخر آمدیم هتل خواهیدیم که به تهران برگردیم.

شب خواب دیدم از طرف مشرق خورشید طلوع کرده است، ولی خورشید به شکل امام رضا علیه السلام است. وجود نازنین آقا علی بن موسی الرضا شمس الشموس است. فضا را نورانی کرده است. همین طور می درخشد و نزدیک می آید.

گفت: هیبت و عظمت بزرگی حضرت مرا گرفت. خورشید درخشندۀ‌ای که می تابد و به طرف من می آید، جذاب و نورانی. دیدم یک قرآن دست حضرت است.

نزدیک که آمدند، من به محضر امام هشتم علیه السلام عرض ادب کردم. آقا فرمودند: من این قرآن را به کسی می دهم که دعای «یا مَنْ تُحَلِّبِهُ عَقْدُ الْكَارِهِ» را حفظ باشد.

حقیقت دین ما ثقلین هستند؛ قرآن و اهل‌بیت علیه السلام. امام معصوم به کسی قرآن بدهد، یعنی حقیقت معارف، حقیقت دین، حقیقت توحید و همهٔ خوبی‌ها به شما می دهند. هر چه خوبی است همین جاست. دهندهٔ قرآن ناطق و آن هدیه هم قرآن صامت است.

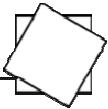
گفت: من در عالم رؤیا دیدم که آن دعا را بلد هستم. گفتم: برای شما می خوانم. شروع به خواندن کردم. «یا مَنْ تُحَلِّبِهُ عَقْدُ الْكَارِهِ...» این دعا را روان خدمت آقا خواندم. آقا هم قرآن را به من تقدیم کرد.

بعد از دیدن این خواب بیدار شدم. دیدم دعا را هم حفظ هستم. ولی من چون با قرآن و دعاها سر و کار نداشتم، نمی دانستم و شک داشتم

اصلًاً چنین دعایی وجود دارد، یا نه. چون با این مسائل آشنا نبودم. گفتم: نزدیک خانه ما فلان عالم است. می‌روم از او می‌پرسم. این است که از مشهد که آمدم زنگ زدم، ببینم چنین دعایی داریم؟ گفتم: بله، دعای «صحیفه سجادیه» است و دعا را باز کردم و به او نشان دادم.

این دعا از دعاها بیی است که اگر کسی بتواند حفظ کند، یک آرامش عجیبی می‌دهد. بسیاری از افراد با خواندن این دعا احساس آرامش و نورانیت کرده‌اند.

## فهرست‌ها



فهرست آیات

فهرست روایات و دعاها

فهرست منابع



## فهرست آيات

يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمُبْثُوتِ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمُنْفُوشِ .	١٨٨
أَحَاطْتُ بِهَا لَمْ تُحْطِطْ بِهِ وَجِشْكَ مِنْ سَبَّاً بَنِيَاً يَقِينِ .....	١١٠
ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ .....	٥٨، ٢٦
أَفْرَأْتِ كِتابَكَ كَفِي بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًاً .....	١٣٤
الْقَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ .....	١٨٨
اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ .....	١٣٩
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ .....	٦١
إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيَطْغِي أَنْ رَاهَ اسْتَغْنَى .....	١٨١
إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ .....	٧٢
إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ .....	١٨٧
أَنَّا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى .....	١٨٠، ٦١
أَنْظُرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبَعْثُونَ .....	٦٠
إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينِ .....	٢١
تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا .....	١٣٨
تَزَبَّلُ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ .....	٢٢
رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مَمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ .....	١٧٩

- رَبَّنَا آتَنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قَنَا عَذَابَ النَّارِ ..... ٢٩، ١٩١
- سُبْحَانَكَ إِنَّى كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ..... ١٧٢
- عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ..... ١٧٠
- فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ ..... ٢٧
- فَأَمَّا مَنْ تَقْلَدَ مَوَازِينَهُ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ..... ١٨٩
- فَلَوْلَا لَآتَاهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ لَلَّبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمٍ يُبَعَثُونَ ..... ٢٩
- فَلِيُسْتَجِيبُوا إِلَيْ ..... ١٤٩
- فَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٍ ..... ١٠٩
- قَالَ قَدْ أُجِيَتْ دَعْوَتُكُمْ فَاسْتَقِيمَا وَ لَا تَبْغَانْ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ..... ١١٦
- قَالَ هِيَ رَاوِدَتِنِي عَنْ نَفْسِي وَ شَهَدَ شَاهِدٌ مِنْ أَهْلِهَا إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدْ مِنْ قُبْلِ فَصَدَقَتْ وَ هُوَ مِنَ الْكَاذِيْنَ وَ إِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدْ مِنْ دِبْرِ فَكَلَّبَتْ وَ هُوَ مِنَ الصَّادِقِينَ ..... ١٠٧
- قَدْ أُجِيَتْ دَعْوَتُكُمْ ..... ٧١
- قُرِئَتْ عَيْنِ لِي وَ لَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَخَذَهُ وَلَدًا ..... ١٧٨
- قُلِ اللَّهُمَّ مَا لَكَ الْمُلْكُ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ شَاءَ وَ تَنْزَعُ الْمُلْكَ مِنْ شَاءَ وَ تُعِزُّ مَنْ شَاءَ وَ تُذِلُّ مَنْ شَاءَ يَبْدِيَ الْخَيْرَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ..... ١١٥
- قُلْ كُلُّ مِنْ عِنْدِ الله ..... ١٧٢
- قُلْ مَا يَعْبُرُ أَبْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاوْكُمْ ..... ٢١، ٢٠
- قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ..... ٢١
- كَفَى بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا ..... ١٣٥
- كُلَّاً نُمْدُ هُؤُلَاءِ وَ هُؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَ مَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا ..... ٦٢

## فهرست آیات

- لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ ..... ١٥١
- لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ..... ١٧١، ١٧٠، ٢٩، ٢٨، ٢٧
- مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَبَرَّأُهَا ..... ١٨٥، ١٧٧
- مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَ مَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ ..... ١٧١
- مَا يَعْبُؤُ ابْكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاوْكُمْ ..... ٧٢، ٢١
- مَالِكُ يَوْمَ الدِّين ..... ٢١
- وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَيُسْتَجِيْبُوا لِي وَ لِيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ..... ١٤٨
- وَ اللَّهُ هُوَ الْعَنْيُ الْحَمِيد ..... ٧٦
- وَ أَمَّا السَّائِلُ فَلَا تَنْهَر ..... ١٠٤
- وَ أَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُمِّهُ هَاوِيَةُ ..... ١٨٩
- وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنُتْهَا أَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا ..... ٦٢
- وَ ذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَسَّتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ ..... ١٥٦
- وَ سُئُلُوا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ..... ٢٣
- وَ ظَنَّتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَ كُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ..... ١٤٧، ١٣٠
- وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْرُرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيِّدُ خُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ..... ٢٣
- وَ لَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهِيرَهَا مِنْ دَآبَةٍ ..... ١٩٠
- وَ مَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَ يَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ ..... ١٨٧
- وَ مِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَ لَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا

- آتاهُم مِنْ فَضْلِهِ بَخْلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوَا وَ هُمْ مُعْرِضُونَ فَأَعْقَبُهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ  
إِلَى يَوْمٍ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ وَ بِمَا كَانُوا يَكْنِيُونَ ..... ٩٥
- وَ نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ..... ١٣٨
- وَ يُعَذَّبُ الْمُنَافِقِينَ وَ الْمُنَافِقَاتِ وَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُشْرِكَاتِ الظَّانِنَ بِاللَّهِ ظَنًّا  
السَّوْءَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَ غَضِيبُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ وَ لَعْنَهُمْ وَ أَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَ  
سَاعَةً مَصِيرًا ..... ١٦٩
- يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَةُ ارْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مِنْ رَضْيَةِ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ  
ادْخُلِي جَنَّتِي ..... ٣٩
- أَأَنْتُمْ تُرْرَعُونَ أَمْ نَحْنُ الْزَارِعُونَ ..... ١٦٢

## فهرست روایات و دعاها

٢٠٥ .....	أَلَا تَتُظْرِي إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ
١٣٣ .....	أَجَوْدُ الْأَجَوَدِينَ
١٥٤ .....	أَجِيزُوا كَذِبَهُ وَأَدْخِلُوهُ الْجَنَّةَ
٧٥ .....	أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ
٢٦ .....	أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ فِي الْأَرْضِ الدُّعَاءُ
١٦٢ .....	أَحْسِنُ الطَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ أَنَا عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ بِي إِنْ خَيْرًا فَخَيْرًا وَإِنْ شَرًا فَشَرًا
٢٠٤ .....	أَحْسِنْ ظَنَّكَ وَلَوْ بِحَجَرٍ يَطْرُحُ اللَّهُ فِيهِ سِرَّهُ فَسَتَنَاوَلَ نَصِيبِكَ مِنْهُ
٨٤ .....	أَخْرُوا إِحْبَابَهُ
٣٨ .....	أَخْفَى رِضَاهُ فِي طَاعَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ طَاعَتِهِ فَرُبَّمَا وَافَقَ رِضَاهُ وَأَنْتَ لَا تَعْلَمُ
٨٥ .....	اِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ قَالَ اللَّهُ عَبْدِي دَعَوْتَنِي وَأَخْرَتُ اِجْبَاتِكَ وَثَوَبْكَ كَذَا وَ كَذَا و... فَيَتَمَّنَ الْمُؤْمِنُ أَنَّهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ دَعْوَةُ فِي الدُّنْيَا مِمَّا يَرِي مِنْ حُسْنِ الْثَّوَابِ
١٠٨ .....	أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
١١٣ .....	أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَرَّ الْقَبِيحَ

أَعُوذُ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقْتَ لِهِ الظُّلُمَاتِ وَ صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوَّلِينَ وَ الآخِرِينَ.....	١٧٤
أَكْبَرُ الْكَبَائِرُ سُوءُ الظَّنِّ بِالله.....	١٢٧
أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ.....	١٣٣
إِلَّا كَانَ عَبَرَ لَهَا خَيْرًا.....	١٩٤
الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُنْطَقِ .....	١٧٧
الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُنْطَقِ أَوْ بِالْقَوْلِ .....	١٩٢
الْبَلَاءُ مُوَكَّلٌ بِالْمُنْطَقِ وَ الْقُولِ .....	٢٠٣
الْحَسَنَةُ فِي الدِّينِيَا الصِّحَّةُ وَ الْعَافِيَةُ وَ فِي الْآخِرَةِ الْمُغْفِرَةُ وَ الرَّحْمَةُ .....	١٩١
الْحَمْدُ لِللهِ الَّذِي يَفْعُلُ مَا يَشَاءُ وَ لَا يَعْلُمُ مَا يَشَاءُ غَيْرُهُ .....	٦٧
الْحَنَانُ هُوَ الَّذِي يُقْلِلُ عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ .....	١٣١
الدُّعَاءُ أَفْضَلُ .....	٢٥
الدُّعَاءُ مُنْخُ العِبَادَةِ .....	٣٧، ٢٢
الرُّؤْيَا عَلَى مَا تُعْبَرُ .....	١٩٣
الرَّجُلُ الصَّالِحُ يَأْتِي بِالْحَبْرِ الصَّالِحِ وَ الرَّجُلُ السَّوِءُ يَأْتِي بِالْحَبْرِ السَّوِءِ .....	١٩٤
الصَّغَائِرُ مِنَ النُّنُوبِ طُرُقٌ إِلَى الْكَبَائِرِ وَ مَنْ لَمْ يَتَفَعَّلْ اللَّهُ فِي الْقَلِيلِ لَمْ يَتَفَعَّلْ فِي الكَثِيرِ .....	٤٥
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ يَبْتَكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ .....	٥٢
اللَّهُمَّ ارْزُقْهُ الْكِفَافَ .....	٩٤
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمَنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ .....	٣٢
اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ اللَّهُمَّ أَشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ .....	٥١

## فهرست روايات و دعاتها

اللَّهُمَّ إِنَّ مَغْفِرَتَكَ أَرْجَى مِنْ عَمَليِ وَ إِنَّ رَحْمَتَكَ أَوْسَعُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ ذَنْبِي عِنْدَكَ عَظِيمًا فَعَفُوكَ أَعْظُمُ مِنْ ذَنْبِي اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ أَكُنْ أَهْلًا أَنْ أُبلغَ رَحْمَتَكَ فَرَحْمَتَكَ أَهْلٌ أَنْ تَبْلُغَنِي وَتَسْعَنِي لِآتَاهَا وَسَعَتْ كُلُّ شَيْءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرَحَمَ الرَّاحِمِينَ .....	٣٠
اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنَا وَ قَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَاعْفُ عَنَّا .....	١٠٣
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ .....	٩٩، ٢٧
اللَّهُمَّ وَلَا تَكْلِنْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبْدًا .....	٣١
الرَّأْءَةُ الْحَسَنَاءُ الصَّالِحةُ .....	١٩٢
إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكِ .....	١٥٩
إِنَّ الْحُمَّى طَهُورٌ مِنْ رَبِّ غَفُورٍ .....	١٧٦
إِنَّ اللَّهَ أَخْفَى أَرْبَعَةً فِي أَرْبَعَةٍ .....	٣٨
إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَعْنِلُ بِعِيَادِهِ إِلَّا الْأَصْلَاحُ لَهُمْ .....	١٨٦
إِنَّ اللَّهَ جَلَّ شَنَاؤُهُ لِيَعْتَذِرُ إِلَى عَبْدِهِ الْمُؤْمِنِ الْمُحْوِّجِ فِي الدُّنْيَا كَمَا يَعْتَذِرُ الْأَخْيَرُ إِلَى أَخْيَهِ .....	١١٧
إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهُ الْحَاجَ النَّاسِ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْمُسَالَةِ وَأَحَبَّ ذَلِكَ لِنَفْسِهِ .....	٥٧
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ السَّائِلَ الْمُحْوَّجَ .....	٧٧
إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ أَنْ يُسَأَلَ .....	٢٦
إِنَّ رَبَّكُمْ حَمِّيُّ كَرِيمٌ .....	٨٢
إِنْ كَانَ لِي عِنْدَكَ ذَنْبٌ تُرِيدُ أَنْ تُعَذِّبَنِي بِهِ فِي الْآخِرَةِ فَعَجِّلْ ذَلِكَ فِي	

١٩٠ .....	الْدُّنْيَا.....
٦٨.....	أَنَا جَلِيلُ مَنْ جَالَ السَّنَى وَ أَنَا مُطِيعُ مَنْ أَطَاعَنِي .....
١٦٠ .....	أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُخْصِي مَنْ رَبَّيْتُهُ أَوْ تُبْعَدُ مَنْ أَدْنَيْتُهُ أَوْ تُشَرِّدُ مَنْ آوَيْتُهُ ..
١٧١ .....	إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ .....
٦٥ .....	أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى دَاؤِدَ عَلَيْهِ يَا دَاؤِدُ تُرِيدُ وَ أَرِيدُ وَ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أَرِيدُ
١٩٠ .....	بِسْمِيَّا قُلْتَ.....
١٧٦ .....	بَلِ الْحُمَّى يَهُورُ بِالشَّيْخِ الْكَبِيرِ حَتَّى تَحْلِهُ فِي الْقُبُورِ .....
١٨٠ .....	بَلِ أَنْتَ اخْتَرْتَهُ السَّجْنِ .....
١٨٠ .....	بِمَا ذَا اسْتَحْفَقْتُ السَّجْنَ .....
١٧٧ .....	نَعَالٌ بِالْخَيْرِ تَنَاهُ .....
١٦٥ .....	حُسْنُ الظَّنِّ بِاللَّهِ أَنْ لَا تَرْجُو إِلَّا اللَّهُ وَ لَا تَحَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ .....
١٧٦ .....	حُمَّى يَوْمَ كَفَارَةُ سَنَةٍ .....
١٣٠ .....	خَيْرُ الرَّازِيقَيْنَ .....
٢١٢ .....	دُعَائُهُ فِي الْمُلَمَّاتِ وَ الْمُهَمَّاتِ وَ عِنْدَ الْكَرْبِ .....
١٢٥ .....	رَبِّ بِمَا أَعْطَيْتَهُ وَ كَانَ عَمَلُنَا وَاحِدًا .....
١٢٥ .....	سَأَلَنِي وَ لَمْ تَسْأَلْنِي .....
٣٣ .....	عَبْدِي أَنَا وَ حَقِّي لَكَ مُحِبٌ فِي حَقِّي عَلَيْكَ كُنْ لِي مُحِبًا .....
١٥٣ .....	عَبْدِي لَمْ التَّعَثَ .....
١٥٣ .....	عَبْدِي وَ مَا كَانَ ظُنْكَ بِي .....
٢٢٨ .....	عَجِبْتُ لِمَنْ اغْتَمَ كَيْفَ لَا يَقْرَعُ إِلَى قَوْلِهِ «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» فَإِنِّي سَمِعْتُ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ بِعَقِبِهَا وَ نَجَّيْنَا مِنَ الْغَمِّ وَ

## فهرست روايات ودعاتها

٢٨	كذلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ.....
٢١١	عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ.....
١٢٩	غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمِعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللهِ .....
٢٠٢	فَأَحَسِنُوا بِاللهِ الظَّنَّ، وَ ارْغُبُوا إِلَيْهِ.....
٤٨	فَادْرِكْنَا مَا أَمَّنَا وَ ثَبَّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا .....
	فَارْفَعْ هَذَا السَّجْفَ فَانْظُرْ إِلَى مَا عَوَضْتُكَ مِنَ الدُّنْيَا قَالَ فَيَرْفَعُ فَيَقُولُ مَا
١١٨	صَرَرَنِي مَا مَنَعَنِي مَعَ مَا عَوَضْتَنِي .....
٦٧	فَإِنْ أَسْلَمْتَ لِي أُرِيدُ أَعْطِيْنِكَ مَا تُرِيدُ وَ إِنْ لَمْ تُسْلِمْ لِي أُرِيدُ أَعْبِنْكَ فِيهَا تُرِيدُ ثُمَّ لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أُرِيدُ.....
	قالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ إِنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ لَمَنْ يَسْأَلْنِي الشَّيْءَ مِنْ طَاعَتِي
١٢٠	فَأَصْرِفُهُ عَنْهُ حَافَةً الْأَعْجَابِ .....
١٤٢	قُلُوبُ خَلَتْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ .....
٩٢	قَلِيلٌ تَوَدِّي شُكْرُهُ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ لَا تُطِيقُهُ .....
٤٦	كَانَ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ رَجْلاً دَعَاءً .....
٢٠٣	كَفَّارَةُ الطَّيْرَةِ التَّوَكُّلُ .....
٢٥	كُلُّ فِيهِ فَضْلٌ وَ كُلُّ حَسَنٌ .....
١١٣	لِئَلَّا تَرَاهُ الْمَلَائِكَةُ .....
	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمُقْبِلُ عَلَى مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِهِ التَّوَابُ عَلَى مَنْ تَابَ إِلَيْهِ
	مِنْ عَظِيمٍ ذَبِيْهِ السَّاخِطُ عَلَى مَنْ قَطَّ مِنْ وَاسِعِ رَحْمَتِهِ وَ يَئِسَ مِنْ عَاجِلٍ
١٣٢	رَوْحَهُ .....
١٢٨	لَا تُدْخِلَنَّ فِي مَسْوِرِتَكَ بَخِيَالًا يَخْذُلُكَ عَنِ الْفَضْلِ وَ يَعْدُكَ الْفَقْرَ .....

٢١٣ .....	لَا فَاتِحَ لِمَا أَعْلَقْتَ، وَ لَا مُغْلِقَ لِمَا فَتَحْتَ
٦٦ .....	لَا يَكُونُ إِلَّا مَا أَرِيدُ
١٣٩ .....	لَا يُمْكِنُ الْفَرَارُ مِنْ حُكْمِتِكَ
١٤٧ .....	لَا يُمُوتُنَّ أَحَدُكُمْ إِلَّا وَ هُوَ يُحْسِنُ الظَّنَّ بِاللَّهِ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللَّهِ شَمْنُ الْجَنَّةَ
١٠٥ .....	لَا تَنْكُمْ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ
١٧٤ .....	لَكَ الْعُتْقَى حَتَّى تَرْضَى
١١١ .....	لَوْ تَكَاسَفْتُمْ مَا تَدَافَتُمْ
١٧٦ .....	لَيْكُنْ بِكَ مَا قُلْتَ
١٩ .....	مَا بَرِحَ اللَّهُ عَزَّزْتَ آلَاءُهُ فِي الْبُرْهَةِ بَعْدَ الْبُرْهَةِ وَ فِي أَزْمَانِ الْفَتَرَاتِ عِبَادُ نَاجِاهُمْ فِي فَكْرِهِمْ وَ كَلْمَهُمْ فِي ذَاتِ عُوْلَهُمْ
١٣٧ .....	مَا ذَادَ مَنْ فَقَدَ كَ وَ مَا الَّذِي فَقَدَ مَنْ وَ جَدَ كَ
٩٨ .....	مَا ذُكِرَ خَبْرُنَا هَذَا فِي حَمْلِي مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَ مُحِبِّيَا إِلَّا نَزَّلْتَ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَهُ وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَهُ وَ اسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ إِلَى أَنْ يَنْقَرُّوا
١٦١ .....	مَا ذَلِكَ الظَّنِّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكِ عَنْكَ يَا كَرِيمُ
١٧٣ .....	مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَيِّلًا
٧٩ .....	مَا زَالَ الزَّيْرُ رَجُلًا مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ حَتَّى نَشَأَ أَبْنُهُ الْمُشْئُومُ عَبْدُ اللَّهِ
١٨٨ .....	مَا شَاءَنَكَ
١٥٥ .....	مَا ظَنَّ عَبْدُ اللَّهِ خَيْرًا إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ
٩٢ .....	مَا قَلَ وَ كَفَى خَيْرٌ مَا كَثُرَ وَ أَهْمَى

فهرست روايات و دعاتها

ما كان الله ليفتح على عبد باب الشكير و يغلق عنه باب الزيادة و لا ليفتح على عبد باب الدعاء و يغلق عنه باب الإجابة و لا ليفتح لعبد باب التوبة و يغلق عنه بباب المغفرة ..... ١٥٠
ما من بلة إلا والله فيها نعمه تحيط بها ..... ٨١
ما من شئ يتقرب به إلى الله عز و جل أحبت إليه من إطعام الطعام و إراقة الدماء ..... ١٠٠
متتجز ما وعدت من الصفح عن من أحسن بك ظنا ..... ١٦٦
معرفي يا مولاي ذليلي عليك و حبى لك شفيعي إليك ..... ١٦١
ملجا العاصين ..... ١٣٣
ملجا كل مطرود ..... ١٣٣
من زار قبر الحسين عليه السلام و هو يريد الله عز و جل شيعه جبريل و ميكائيل و إسرافيل حتى يرد إلى منزله ..... ٢٥
من ظن بك خيرا فصدقه ..... ٢٠٠
من لم يسأل الله عز و جل من فضله فقد افتقر ..... ٧٦
من هم بخير فليعجله و لا يؤخره فإن العبد ربها عمل العمل فيقول الله تبارك و تعالى قد غفرت ذلك و لا أكتب عليك شيئاً أبداً ..... ٤٣
من هم بخير فليعجله و لا يؤخره فإن العبد ربها عمل العمل فيقول الله تبارك و تعالى قد غفرت لك و لا أكتب شيئاً أبداً ..... ٣٩
من هم بسيئة فلا يعاملها فإنه ربها عمل العبد السيئة فيراه الله سبحانه فيقول و عزتي و جلالى لا أغفر لك بعدها أبداً ..... ٤٤
من أهل البيت ..... ٧٩

- نعم المُحِبُّ ..... ١٤١
- وَ أَخْفَى إِجَابَتُهُ فِي دَعْوَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ دُعَائِهِ فَرِبَّمَا وَاقَعَ إِجَابَتُهُ وَ  
أَنْتَ لَا تَعْلَمُ ..... ٤٦
- وَ أَخْفَى سَخَطَهُ فِي مَعْصِيَتِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ شَيْئًا مِنْ مَعْصِيَتِهِ فَرِبَّمَا وَاقَعَ  
سَخَطُهُ مَعْصِيَتُهُ وَ أَنْتَ لَا تَعْلَمُ ..... ٤٣
- وَ أَخْفَى وَلِيَّهُ فِي عِبَادِهِ فَلَا تَسْتَصْغِرَنَّ عَبْدًا مِنْ عَبِيدِ اللَّهِ فَرِبَّمَا يَكُونُ وَلِيًّا وَ  
أَنْتَ لَا تَعْلَمُ ..... ٤٨
- وَ اعْلَمُوا أَنْكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ وَ بَعْدَ  
الْإِعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أُولَيَاءِ اللَّهِ مِنْ أَنَّ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنْ  
مُعَاوِيَتُكُمْ لِأَخْوَانَكُمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى دُنْيَا هُمُ الَّتِي هِيَ مَعْبُرَتُهُمْ إِلَى جَنَانِ رَبِّهِمْ  
فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ كَانَ مِنْ خَاصَّةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى ..... ٤٠
- وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَا يَعِذُّبُ اللَّهُ مُؤْمِنًا بَعْدَ التَّوْبَةِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ إِلَّا سُوءُ ظَنِّهِ  
بِاللَّهِ وَ تَقْصِيرِهِ مِنْ رَجَائِهِ وَ سُوءُ خُلُقِهِ وَ اغْتِيَاهِ لِلْمُؤْمِنِينَ ..... ٢٠١
- وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، لَا يَحِسْنُ ظَنُّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ بِاللَّهِ إِلَّا كَانَ اللَّهُ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِهِ  
الْمُؤْمِنِ لِأَنَّ اللَّهَ كَرِيمٌ، بِيَدِهِ الْخَيْرَاتُ يَسْتَحْيِي أَنْ يَكُونَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ قَدْ  
أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ، ثُمَّ يُخْلِفُ ظَنَّهُ وَ رَجَاءَهُ ..... ٢٠٢
- وَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ أَشَدُ حُبَّكُمْ مِنِّي ..... ١٠٦
- وَ اللَّهِ لَوْ أَنِّي حَدَّثْتُكُمْ بِفَضْلِ زِيَارَتِهِ وَ بِفَضْلِ قَبْرِهِ لَتَرَكُمُ الْحَجَّ رَأْسًا وَ مَا  
حَجَّ مِنْكُمْ أَحَدٌ ..... ٢٤
- وَ أَمْرَتُنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا وَ قَدْ حِسْكَ سَائِلًا فَلَا تُرُدَّنِي إِلَّا بِقَصَاءِ  
حَاجَتِنِي ..... ١٠٣

## فهرست روايات و دعاها

وَ أَمْرَتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكْتُ أَيْمَانُنَا وَ نَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ.....	١٠٤
وَ بَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّلَالَةِ .....	١٠٦
وَ جَرَى يُقْدِرِتَكَ الْقَضَاءُ، وَ مَضَتْ عَلَىٰ إِرَادَتِكَ الْأَشْيَاءُ.....	٢١٣
وَ عَبْدِنِي لَكَ وَ لَا تُقْسِدْ عِبَادَتِي بِالْعُجْبِ .....	١٢٠
وَ عَزَّتِي وَ جَالَىٰ مَا أَحْوَجْتُكَ فِي الدُّنْيَا مِنْ هَوَانٍ كَانَ بَكَ عَلَىٰ .....	١١٨
وَ كَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا عَرَضْتُ لَهُ مُهْمَمَةً أَوْ نَزَّلْتُ بِهِ مُلْمَمَةً وَ عِنْدَ الْكَرْبِ .....	٢١٢
وَ لَا تَخَافَ إِلَّا ذَنْبَكَ .....	١٦٥
وَ لَا جَبَانًا يُضِعِفُ عَلَيْكَ الْأُمُورَ.....	١٢٨
وَ لَا حَرِيصًا يُزِينُ لَكَ الشَّرَةَ بِالْحُجُودِ .....	١٢٩
وَ لَا يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكْمِتِكَ .....	١٤٠
وَ لَا يُنْجِي مِنْ سَخَطِكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ .....	٣٧
وَ لَيْتَ شَعْرِي يَا سَيِّدِي وَ إِلَهِي وَ مَوْلَايَ أَتُسَلِّطُ النَّارَ عَلَىٰ وُجُوهِ خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدًا وَ عَلَىٰ أَلْسِنِنَ تَطَقَّتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً .....	١٦٠
وَ جَدْنَا فِي كِتَابٍ عَلَىٰ أَنَّ رَسُولَ اللهِ ﷺ قَالَ وَ هُوَ عَلَىٰ مِنْبَرِهِ وَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ مَا أَعْطَى مُؤْمِنٌ قَطُّ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِلَّا بِحُسْنِ ظَنِّهِ بِاللهِ، وَ رَجَائِهِ لَهُ وَ حُسْنِ خُلُقِهِ وَ الْكَفَّ عَنِ اغْتِيَابِ الْمُؤْمِنِ .....	١٩٩
هَلَّا قُلْتَ الْعَافِيَةَ أَحَبُّ إِلَيَّ إِمَّا يَدْعُونِي .....	١٨٠
يَا ابْنَ آدَمَ أَطْعَنِي فِيمَا أَمْرَتَكَ وَ لَا تُعَلَّمُنِي مَا يُصْلِحُكَ .....	٧٠
يَا اللهُ الْمَحْمُودُ فِي كُلِّ فِعَالِهِ .....	١٧٥

- يا جَبْرِيلَ احْبِسْ حَاجَةَ عَبْدِي فَإِنِّي أُحِبُّهُ وَأُحِبُّ صَوْتَهُ ..... ١١٦
- يا حبيبي أنا آرَأْفُ بِعِبادِي مِنْكَ فَإِذَا كَرِهْتَ كَشْفَ عِيُوبِهِمْ عِنْدَ غَيْرِكَ فَانَا  
اَكْرَهُ كَشْفَهَا عِنْدَكَ اِيْضًا فَاحْسَبُهُمْ وَحْدَى بِحَيْثُ لَا يَطْلُعُ عَلَى عَشَارِتِهِمْ  
غَيْرِي ..... ١٣٤
- يا داودُ قُلْ لِعِبادِي لَمْ اَخْلُقْكُمْ لِارْبَحَ عَلَيْكُمْ وَلَكُنْ لِتَرْبَحُوا ..... ١٦٤
- يا داودُ لَوْ يَعْلَمُ الْمُدْبِرُونَ عَنِّي كِيفَ انتظارِي لَهُمْ وَرَفْقِي بِهِمْ وَشَوْقِي إِلَى  
تَرْكِ مَعاصِيهِمْ لَمَاتُوا شُوقًا إِلَيَّ وَنَقْطَعَتْ اُوصَاهُمْ مِنْ مُحَبَّتِي ..... ١٣١
- يا داود! هَذِهِ إِرَادَتِي بِالْمُدْبِرِينَ عَنِّي فَكَيْفَ إِرَادَتِي بِالْمُقْبِلِينَ عَلَيَّ ..... ١٣٢
- يا رَبِّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا عَصَبِيَّاً كَ وَنَحْنُ  
نَرْجُوا أَنْ تَسْتَرِ عَيْنَاهَا وَدَعْوَنَا كَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقْقُ رَجَاءِنَا  
مَوْلَانا ..... ٤٨
- يَا رَبِّ كَانَ ظَنِّي بِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيشَيْ وَتَسْكُنَتِي جَسْتَكَ ..... ١٥٣
- يَا رَبِّ مَا كَانَ ظَنِّي بِكَ هَذَا ..... ١٥٣
- يَا مَلَائِكَتِي وَعِرْتَيِي وَالآتَيِي وَبَلَائِي وَارْتِفَاعَ مَكَانِي مَا ظَنِّي هَذَا سَاعَةً مِنْ  
حَيَاةِهِ خَيْرًا قَطْ وَلَوْ ظَنِّي سَاعَةً مِنْ حَيَاةِهِ خَيْرًا مَارَوَعْتُهُ بِالنَّارِ ..... ١٥٣
- يَا مَنْ أَجَابَ لِأَبْغَضِ خَلْقِهِ إِلَيْسِ ..... ٦٠
- يَا مَنْ أَرْجُوهُ لِكُلِّ خَيْرٍ وَآمِنْ سَخْطَهُ عِنْدَ كُلِّ شَرٍ ..... ١٢٧
- يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عُقْدُ الْمُكَارِهِ ..... ٢١٧، ٢١٦
- يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عُقْدُ الْمُكَارِهِ ..... ٢١٧
- يَا مَنْ تُحَلِّ بِهِ عُقْدُ الْمُكَارِهِ، وَيَا مَنْ يَفْتَأِي بِهِ حَدُّ الشَّدَائِيدِ، وَيَا مَنْ يُلْتَمِسُ مِنْهُ  
الْخُرُجُ إِلَى رَوْحِ الْفَرَجِ ذَلِكَ لِقْدَرِتَكَ الصِّعَابُ، وَتَسَبَّبَتْ بِلُطْفِكَ

فهرست روايات ودعاماها

٢١٣ .....	الأَسْبَاب .....
١٤٢، ١٤١ .....	يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ .....
١٣٣ .....	يَا نِعْمَ الْحَسِيبُ .....
١٣٥ .....	يَا نِعْمَ الرَّقِيبُ .....
١٣٥ .....	يَا نِعْمَ الطَّيِّبُ .....
١٤٠، ١٣٧ .....	يَا نِعْمَ الْقَرِيبُ .....
١٤٢ .....	يَا نِعْمَ الْكَفِيلُ .....
١٤٠ .....	يَا نِعْمَ الْمُجِيبُ .....
١٤٣ .....	يَا نِعْمَ الْمَوْلَى يَا نِعْمَ النَّصِيرُ .....
١٤٣ .....	يَا نِعْمَ الْوَكِيلُ .....
٩٥ .....	يَا وَيْحَ شَعْبَةَ، يَا وَيْحَ شَعْبَةَ .....
١١٣ .....	يَحِبُّ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَنْ يَسْتُرَ عَلَيْهِ أَخِيهَ سَبْعِينَ كَبِيرَةَ .....
١٧٥ .....	يُحِبُّ الْفَالَ الْحَسَنَ وَيَكْرِهُ الطَّيَّرَةَ .....

## فهرست منابع

١. قرآن كريم.
٢. ثبات الوصية / مسعودي، على بن حسين، انصاريان، قم، چاپ سوم، ١٤٢٦ق - ١٣٨٤ش.
٣. الاختصاص / مفید، محمد بن محمد، المؤتمر العالمي للفية شیخ المفید، قم، چاپ اول، ١٤١٣ق.
٤. ارشاد القلوب الى الصواب (للدیلمی) / دیلمی، حسن بن محمد، الشریف الرضی، قم، چاپ اول، ١٤١٢ق.
٥. اقبال الاعمال / ابن طاووس، على بن موسی، دارالكتب الاسلامية، تهران، چاپ دوم، ١٤٠٩ق.
٦. الامالى للصدوق / ابن بابویه، محمد بن على، کتابچی، تهران، چاپ ششم، ١٣٧٦ش.
٧. الامالى للطوسى / طوسی، محمد بن الحسن، دارالثقافة، قم، چاپ اول، ١٤١٤ق.
٨. بحار الانوار / مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، دار احیاء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ١٤٠٣ق.
٩. البلد الامین و الدرع الحصین / كفعمی، ابراهیم بن علی عاملی، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بيروت، چاپ اول، ١٤١٨ق.

فهرست منابع

١٠. تحف العقول / ابن شعبة حراني، حسن بن على، جامعة مدرسين، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
١١. تصنیف غرالحكم و درر الكلم / تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ ش.
١٢. تفسیر الصافی / فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، مکتبة الصدر، تهران، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.
١٣. تفسیر القمی / علی بن ابراهیم، دارالکتاب، قم، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
١٤. التوحید للصدقون / ابن بابویه، محمد بن علی، جامعة مدرسين، قم، چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.
١٥. تهذیب الاحکام / طوسی، محمد بن الحسن، دارالكتب الاسلامیة، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
١٦. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال / ابن بابویه، محمد بن علی، دارالشریف الرضی للنشر، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق.
١٧. جامع السعادات / محمد مهدی التراقی، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم.
١٨. الجواهر السنیة فی الاحادیث القدسیة / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، انتشارات دهقان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ق.
١٩. الخرائج و الجرائح / قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، مؤسسه امام مهدی علیہ السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
٢٠. خزینة الجوادر فی زینت المنابر / علی اکبر نهانوندی، کتابفروشی اسلامیه، تهران، چ ٦، ۱۳۴۶ ش.
٢١. الخصال / ابن بابویه، محمد بن علی، جامعة مدرسين، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
٢٢. دعائیم الإسلام / ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، مؤسسه آل

البیت علیه السلام، قم، ۱۳۸۵ ق.

۲۳. **ديوان خواجه حافظ شيرازى** / به اهتمام سید ابوالقاسم انجوی شيرازی، سازمان انتشارات جاویدان، تهران، چاپ سوم، ۱۳۵۸ ش.
۲۴. **سفينة البحار** / شیخ عباس قمی، دارالأسوة للطباعة و النشر، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. **شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید** / ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، مکتبة آیت الله المرعشی النجفی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.
۲۶. **الصحيفة السجادیة** / علی بن الحسین علیه السلام، دفتر نشر الهاڈی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. **عدة الداعی و نجاح الساعی** / ابن فهد حلی، احمد بن محمد، دارالکتب الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. **علل الشرایع** / ابن بابویه، محمد بن علی، کتاب فروشی داوری، قم، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش.
۲۹. **عوالم العلوم و المعارف و الاحوال** / بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، مؤسسه الامام المهدی علیه السلام، قم، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۳۰. **عوالی اللئالی العزیریة فی الاحادیث الدینیة** / ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، دار سید الشہداء للنشر، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق.
۳۱. **عيون اخبار الرضا علیه السلام** / ابن بابویه، محمد بن علی، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
۳۲. **عيون الحكم و الموعظ** / لیشی واسطی، علی بن محمد، دارالحدیث، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.
۳۳. **غرس الحكم و درر الكلم** / تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد،

فهرست منابع

- دارالكتاب الاسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
٣٤. **الفقه المنسوب الى الامام الرضا** عليه السلام / مؤسسة آل البيت عليهم السلام، مشهد، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق.
٣٥. **الكافی** / کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، دارالكتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
٣٦. **کامل الزیارات** / ابن قولویه، جعفر بن محمد، دارالمرتضویة، نجف اشرف، چاپ اول، ۱۳۵۶ ش.
٣٧. **کلیات شمس تبریزی** / مولانا جلال الدین محمد مولوی، نشر پیمان، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۱ ش.
٣٨. **مثنوی معنوی** / جلال الدین محمد بلخی (مولوی)، به کوشش و اهتمام رینولدالین نیکلسون، نشر طلوع، تهران، ۱۳۷۳ ش.
٣٩. **مجمع البحرين** / الشیخ فخر الدین الطریحی، مرتضوی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲ ش.
٤٠. **مجموعۃ ورام** / ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مکتبة فقیه، قم، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
٤١. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل** / نوری، حسین بن محمد تقی، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
٤٢. **مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة و الاولاد** / شهید ثانی، زین الدین بن علی، بصیرتی، قم، چاپ اول.
٤٣. **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار** / طبرسی، علی بن حسن، المکتبة الحیدریة، نجف، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ش.
٤٤.  **المصباح المتہجد و سلاح المتبدع** / طوسی، محمدبن الحسن، مؤسسه فقه الشیعة، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.
٤٥. **المصباح للكفعمی** (جنة الامان الواقعیة) / کفعمی، ابراهیم بن

٤٦. على عاملی، دارالرضا، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق. **مفاتیح الجنان** / حاج شیخ عباس قمی، چاپ و نشر قدسیان، قم، چاپ اول، ۱۳۸۹ ش.
٤٧. مکارم الاخلاق / طبرسی، حسن بن فضل، شریف رضی، قم، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ ق.
٤٨. من لا يحضره الفقيه / ابن بابویه، محمد بن علی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
٤٩. متهی الآمال / شیخ عباس قمی، مؤسسه انتشارات هجرت، قم، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۲ ش.
٥٠. منهاج البراعة في شرح نهج البلاغة / هاشمی خوبی، میرزا حبیب الله، مکتبة الاسلامیة، تهران، ۱۴۰۰ ق.
٥١. نثر اللآلی / طبرسی، فضل بن حسن، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ش.
٥٢. نهج البلاغة / شریف الرضی، محمد بن حسین، هجرت، قم، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
٥٣. نهج الفصاحة / ابوالقاسم پاینده، دنیای دانش، تهران، چاپ چهارم، ۱۳۸۲ ش.
٥٤. الوفی / فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، کتابخانه امیرالمؤمنین علیهم السلام، اصفهان، چاپ اول، ۱۴۰۶ ق. 
٥٥. وسائل الشیعہ / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
٥٦. هدایة الامة الى احكام الائمة علیهم السلام / شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الاسلامیة، مشهد، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.